

بیت



شرکت چاپ و انتشارات
وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه

آشنایی با نظام مدیریت وقف و امور خیریه در کشور الجزایر / گردآورنده ؛ دفتر نوسازی و تحول معاونت توسعه و پشتیبانی سازمان اوقاف و امور خیریه - تهران: شرکت چاپ و انتشارات؛ سازمان اوقاف و امور خیریه. ۱۴۰ ص.

ISBN: 978 - 964 - 422 - 890 - 2

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

چاپ اول: ۱۳۹۶.

۱. وقف - الجزایر. ۲. خیریه - الجزایر. الف. دفتر نوسازی و تحول معاونت توسعه و پشتیبانی سازمان اوقاف و امور خیریه. ب. ایران. شرکت چاپ و انتشارات؛ سازمان اوقاف و امور خیریه. ج. آشنایی با نظام مدیریت وقف و امور خیریه در کشور الجزایر.

۲۹۷/۳۷۲

BP/۱۹۳/۲۶۲

۱۳۹۵

۴۶۳۵۱۱۳

کتابخانه ملی ایران

**آشنایی با نظام مدیریت وقف و امور خیریه در کشور
الجزایر**



**Management system of endowment and charitable affairs in
Algeria**

تهیه و تألیف: دفترنوسازی و تحول معاونت توسعه و پشتیبانی سازمان اوقاف و امور خیریه

تهران ۱۳۹۶

آشنایی با نظام مدیریت وقف و امور خیریه در کشور الجزایر

Management system of endowment and charitable affairs in Algeria

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و انتشارات
وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه

چاپ اول: بهار ۱۳۹۶
شمارگان: ۲۰۰ نسخه

تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر در انحصار
دفترنوسازی و تحول معاونت توسعه مدیریت و پشتیبانی سازمان اوقاف و امور خیریه است

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۲-۸۹۰-۲
ISBN: 978 - 964 - 422 - 890 - 2

چاپخانه، انتشارات، پخش و فروشگاه:

کیلومتر ۵ جاده مخصوص کرج، نبش سه راه شیشه مینا، تهران ۱۳۹۷۸۱۵۳۱۱
تلفن: (چهار خط) ۴۴۵۱۳۰۰۲، نمابر: ۴۴۵۱۴۴۲۵، انتشارات و فروشگاه: ۴۴۵۲۹۶۰۱
تلفن پخش: ۴۴۵۱۴۴۱۱، تلفکس پخش: ۴۴۵۱۴۴۲۵

سازمان اوقاف:

تهران، خ نوفل لوشاتو، ساختمان مهر طبقه اول، دفترنوسازی و تحول معاونت توسعه مدیریت و پشتیبانی
شماره تماس: ۶۴۸۷۱۱۴۹ و ۶۴۸۷۱۱۰۸
سایت سازمان: www.mfso.ir

فهرست مطالب

مقدمه ۱۳

پیشگفتار ۱۵

فصل اول

۱- اطلاعات کلی کشور الجزایر ۲۱

۱-۱- مقدمه ۲۱

۲-۱- معرفی ۲۱

۳-۱- تاریخ ۲۲

۴-۱- اطلاعات جغرافیایی ۲۴

۱-۴-۱- تقسیمات کشوری ۲۵

۵-۱- اطلاعات اقتصادی ۲۶

۶-۱- اطلاعات سیاسی-اجتماعی ۳۱

۱-۶-۱- جمعیت و پراکندگی سنی ۳۴

۷-۱- اطلاعات فرهنگی-مذهبی ۳۶

فصل دوم

۲- مفهوم وقف و امور خیریه در کشور الجزایر ۴۳

۱-۲- مقدمه ۴۳

۲-۲- مفهوم وقف ۴۳

۳-۲- ارکان وقف ۴۳

۴-۲- انواع وقف ۴۴

۵-۲- صیغه وقف ۴۴

- ۴۲-۶-۲- شروط صیغه وقف ۴۴
- ۴۵-۷-۲- وقف خیرات ۴۵
- ۴۵-۸-۲- شروط صحیح بودن وقف ۴۵
- ۴۵-۹-۲- نکاتی در مورد وقف ۴۵
- ۴۶-۱۰-۲- اهداف وقف و نتایج آن ۴۶

فصل سوم

- ۴۹-۳- تاریخچه و وضعیت دارایی های وقف و امور خیریه در کشور الجزایر ۴۹
- ۴۹-۱-۳- مقدمه ۴۹
- ۴۹-۲-۳- تاریخچه وقف در کشور الجزایر ۴۹
- ۴۹-۱-۲-۳- دوره عثمانی ۴۹
- ۵۰-۲-۲-۳- دوره اشغال توسط فرانسه ۵۰
- ۵۰-۳-۲-۳- بعد از استقلال ۵۰
- ۵۲-۳-۳- تاریخچه وزارت شئون دینی و اوقاف ۵۲
- ۵۳-۴-۳- وضعیت دارایی های کنونی وقف ۵۳
- ۵۳-۱-۴-۳- انواع دارایی های وقفی ۵۳
- ۶۰-۵-۳- نگاهی گذرا بر وضعیت موجود مساجد الجزایر ۶۰
- ۶۱-۱-۵-۳- مسجد بزرگ الجزایر ۶۱
- ۶۲-۲-۵-۳- مسجد کچوانا ۶۲

فصل چهارم

- ۶۷-۴- نگاهت نهادی نظام مدیریت وقف و امور خیریه در کشور الجزایر ۶۷
- ۶۷-۱-۴- مقدمه ۶۷
- ۶۷-۲-۴- انواع کنشگران فعال در حوزه وقف و امور خیریه ۶۷
- ۶۸-۱-۲-۴- سیاست گذار ۶۸
- ۶۸-۲-۲-۴- تنظیم گر ۶۸
- ۷۰-۳-۲-۴- تسهیل گر ۷۰
- ۷۱-۴-۲-۴- ارائه دهنده خدمات ۷۱
- ۷۲-۳-۴- نگاهت نهادی نظام مدیریت وقف و امور خیریه ۷۲
- ۷۳-۱-۳-۴- وزارت شئون دینی و اوقاف ۷۳
- ۷۴-۱-۳-۴- ساختار سازمانی وزارت شئون دینی و اوقاف ۷۴
- ۷۴-۲-۱-۳-۴- فعالیت های وزارتخانه ۷۴
- ۸۱-۳-۱-۳-۴- انجمن ها، همایش ها و مسابقات برگزار شده توسط این وزارتخانه ۸۱

- ۸۲..... ۴-۱-۳-۴ - خدمات سایت وزارتخانه
- ۸۳..... ۴-۳-۲- اداره شئون دینی و اوقاف
- ۸۳..... ۴-۳-۱- ساختار اداری اداره شئون دینی و اوقاف
- ۸۴..... ۴-۲-۲- وظایف اداره شئون دینی و اوقاف
- ۸۵..... ۴-۳-۳- وزارت امور داخلی و گروه‌های محلی
- ۸۶..... ۴-۳-۴- جمعیت خیریه شهرداری زیغود یوسف
- ۸۶..... ۴-۳-۱- انجمن یتیمان عموشه
- ۸۷..... ۴-۳-۲- مرکز سبل الخیرات عین الترق و وهران
- ۸۷..... ۴-۳-۳- جمعیت خیریه فرهنگی تئاتر، تلویزیون و سینمای جیجل
- ۸۸..... ۴-۳-۴- جمعیت خیریه امور اجتماعی الریان سطیف
- ۸۹..... ۴-۳-۵- جمعیت خیریه فرهنگی الوادی

فصل پنجم

- ۹۳..... ۵- جمع بندی
- ۹۹..... منابع
- پیوست
- ۱۰۳..... مدیریت املاک وقف در الجزایر و راههای توسعه

فهرست شکل‌ها

- شکل ۱-۱: موقعیت جغرافیایی الجزایر..... ۲۲
- شکل ۲-۱: نقشه استان‌های الجزایر..... ۲۵
- شکل ۳-۱: نمودار رشد تولید ناخالص داخلی الجزایر، ایران و جهان از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ ۲۷
- شکل ۴-۱: نمودار تولید ناخالص داخلی الجزایر، ایران و جهان به ازای سرانه جمعیت از ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ ... ۲۸
- شکل ۵-۱: نمودار تولید ناخالص داخلی الجزایر و ایران به قیمت بازار (دلار آمریکا) از ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ ۲۹
- شکل ۶-۱: نمودار درآمد ناخالص ملی براساس سرانه جمعیت الجزایر، ایران و جهان از ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ ... ۳۰
- شکل ۷-۱: نمودار درآمد ناخالص ملی کشور الجزایر و ایران از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ ۳۱
- شکل ۸-۱: نمودار رشد جمعیت الجزایر و ایران از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ ۳۴
- شکل ۹-۱: نمودار ساختار سنی شهروندان الجزایر در سال ۲۰۱۴ ۳۶
- شکل ۱-۳: مسجد بزرگ الجزایر..... ۶۲
- شکل ۲-۳: مسجد کچوانا الجزایر ۶۳
- شکل ۱-۴: نگاشت نهادی نظام مدیریت وقف و امور خیریه، قرآن و مساجد در کشور الجزایر..... ۷۳
- شکل ۲-۴: ساختار سازمانی وزارت شئون دینی و اوقاف..... ۷۴
- شکل ۳-۴: امضای توافقنامه بین وزارت شئون دینی و اوقاف و وزارت توسعه شهری و گردشگری .. ۷۹
- شکل ۴-۴: امضای توافقنامه در زمینه بهداشت بین وزارت شئون دینی و اوقاف و وزارت بهداشت .. ۸۰

- شکل ۴-۵: دیدار وزیر شئون دینی و اوقاف با پیمانکار آلمانی اتمام مسجد الجزایر..... ۸۱
- شکل ۴-۶: لوگوی مسابقه بین‌المللی احیای میراث اسلامی..... ۸۲
- شکل ۴-۷: لوگوی هفته ملی قرآن کریم..... ۸۲
- شکل ۴-۸: لوگوی جایزه بین‌المللی حفظ قرآن کریم..... ۸۲
- شکل ۴-۹: تصویر ابتدایی سایت وزارت امور داخلی و گروه‌های محلی..... ۸۵
- شکل ۴-۱۰: جمعیت خیریه شهرداری زیغود یوسف..... ۸۶
- شکل ۴-۱۱: انجمن یتیمان عموشه..... ۸۷
- شکل ۴-۱۲: مرکز سبیل الخیرات عین التمرک و وهران..... ۸۷
- شکل ۴-۱۳: جمعیت خیریه فرهنگی تئاتر، تلویزیون و سینمای جیجل..... ۸۸
- شکل ۴-۱۴: جمعیت خیریه امور اجتماعی الریان سطیف..... ۸۸
- شکل ۴-۱۵: جمعیت خیریه فرهنگی الوادی..... ۸۹

فهرست جدول ها

- جدول ۱-۱: درصد گروه های مختلف سنی بر حسب جنسیت ۳۵
- جدول ۱-۲: جمعیت شیعیان در الجزایر..... ۳۸
- جدول ۱-۳: انواع و وضعیت کمی دارایی های وقفی در کشور الجزایر..... ۵۳
- جدول ۲-۳: وضعیت کمی مدارس قرآنی در استان های مختلف الجزایر ۵۵
- جدول ۳-۳: املاک وقف و وضعیت آن در استان های مختلف الجزایر..... ۵۸

مقدمه

از دیرباز سنت حسنه وقف در همه ادیان آسمانی و جوامع بشری مورد توجه و اهتمام وافر قرار داشته است. دین مبین اسلام نیز همچون سایر ادیان الهی اهتمام ویژه‌ای به ترویج وقف در بین مسلمین دارد، به گونه‌ای که پیشوایان اسلام ناب همگی از جمله واقفین و متولیان موقوفات بوده‌اند. در طی قرون متمادی نهاد وقف نقطه اتکاء و مهمترین بستر تعالی نهاد دین و یکی از زیرساخت‌های کلیدی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی اداره جوامع اسلامی بوده است. با توجه به اهداف بلند انقلاب اسلامی در راستای ایجاد جامعه اسلامی ایرانی و تمدن بین‌الملل اسلامی، احیاء نهاد وقف و شکوفایی هر چه بیشتر موقوفات از ضروریات اساسی‌ای است که مورد تاکید مکرر مقام معظم رهبری قرار دارد.

در این راستا سازمان اوقاف و امور خیریه به عنوان حکمران نهاد وقف بر آن شد تا با مطالعه نظام مدیریت وقف و امور خیریه سایر کشورها، مقدمات آشنایی و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های سایر ملل، و توسعه ارتباطات بین‌المللی در حوزه وقف، به ویژه ارتباطات با کشورهای و ملت‌های مسلمان را فراهم نماید. لذا از سال گذشته معاونت توسعه مدیریت و پشتیبانی سازمان اقدام به تعریف و راهبری پروژه پژوهشی «شناخت وضعیت نظام مدیریت وقف و امور خیریه پانزده کشور اسلامی و پانزده کشور غیراسلامی» نمود که نتایج آن در قالب بیش از سی کتاب مستقل منتشر شد و در همایش هفته وقف سال جاری توسط جناب آقای دکتر صالحی امیری، وزیر محترم فرهنگ و ارشاد

اسلامی، جناب آقای دکترستاری، معاون محترم علم و فناوری ریاست جمهوری و حجت الاسلام والمسلمین محمدی، نماینده ولی فقیه و ریاست محترم سازمان اوقاف و امور خیریه رونمایی گردید.

اجرای این پروژه مرهون تلاش افراد متعددی است که در اینجا لازم می دانم از زحمات همه آن ها به ویژه مدیرکل دفتر نوسازی و تحول اداری، جناب آقای دکتر غلامعلی رحیمی و کارشناسان این دفتر، آقایان اسماعیل خارستانی و علی علاءالدینی که نقش کارفرمایی این مطالعات را برعهده داشتند، و جناب آقای محمدمهدی جعفری که مدیریت اجرای این پروژه را برعهده داشت، و همکار ایشان، آقای علیرضا رحیمی تشکر و قدردانی نمایم.

همچنین مراتب سپاس خود را از زحمات بی دریغ جناب آقای حسین آب نیکی— مشاور عالی ریاست سازمان اوقاف و امور خیریه— که نظارت بر این پروژه را برعهده گرفت و در جهت ارتقاء کیفی آن تلاش نمود اعلام می دارم.

معاون توسعه مدیریت و پشتیبانی

سازمان اوقاف و امور خیریه

زمستان ۱۳۹۵

پیشگفتار

مطالعه نظام مدیریت وقف و امور خیریه کشورهای جهان از شهریورماه سال ۱۳۹۴ به منظور آشنایی با پیشینه، روند توسعه وضعیت و عملکرد فعلی کشورها در این حوزه، نگاشت نهادی مجموعه‌های فعال در بخش وقف (شامل معرفی نهادها و روابط ما بین آن‌ها) و برنامه‌های آتی این کشورها با هدف استفاده از تجربیات موفق و پرهیز از تجربیات ناموفق، با لحاظ اقتضائات منحصربه‌فرد کشورهای مورد مطالعه، در دستور کار قرار گرفت و عملیاتی گردید.

به منظور تحقق اهداف مدنظر، شرح خدمات این پروژه در قالب چهار فاز ذیل طراحی و اجرا گردید:

- فاز صفر: تدوین طرح و چارچوب اولیه
 - فاز اول: تعیین شاخص‌های انتخاب کشورهای مدنظر و انتخاب و نهایی سازی کشورها
 - فاز دوم: گردآوری، تحلیل و جمع‌بندی گزارش مطالعات انجام شده مرتبط
 - فاز سوم: جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات هریک از کشورهای مدنظر
 - فاز چهارم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کلی مطالعه
- فاز صفر به تدوین چهارچوب کلان، تفصیلی و محدوده پروژه و جزئیات هریک از مراحل و فعالیت‌ها اختصاص یافت. در فاز اول شاخص‌هایی جهت انتخاب کشورهای هدف مطالعه، تعیین گردید و مبتنی بر این شاخص‌ها، کشورهای مدنظر

جهت مطالعه، مشخص شدند. این شاخص‌ها به‌گونه‌ای انتخاب شدند که کشورهای همسایه، کشورهای اسلامی فعال در حوزه وقف و امور خیریه، کشورهای موفق در حوزه وقف و امور خیریه در دنیا و نیز کشورهای مشابه جمهوری اسلامی ایران از جهت وضعیت فرهنگی، اجتماعی و دینی مورد مطالعه قرار گیرند.

فاز دوم با عنوان «گردآوری، تحلیل و جمع‌بندی مطالعات انجام‌شده» به جمع‌آوری و تحلیل مطالعات موجود در کشور در خصوص نظام مدیریت وقف و امور خیریه سایر کشورها اختصاص یافت. هدف این فاز بهره‌برداری از اطلاعات و پژوهش‌های مرتبط انجام‌شده موجود در کشور و همچنین پرهیز از نادیده گرفتن مطالعات پیشین بود.

فاز سوم نیز به ترتیب به جمع‌آوری اطلاعات پیرامون نظام وقف و امور خیریه کشورهای منتخب از منابع مکتوب، اینترنتی و سایر منابع در دسترس، و تجزیه و تحلیل اطلاعات و جمع‌بندی مطالب اختصاص یافت. در نهایت طی فاز چهارم جمع‌بندی و نتایج حاصل از مطالعه همه کشورها و نتیجه‌گیری کلی مطالعه انجام و ارائه گردید.

مجموعه کشورهایی که در این پروژه هدف مطالعه قرار گرفتند شامل پانزده کشور اسلامی و پانزده کشور غیراسلامی می‌باشد که با توجه به شاخص‌های مدنظر سازمان، همچون همسایگی و ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی مشابه با جمهوری اسلامی ایران، برخورداری از نظام مدیریت و فعالیت‌های درخور تامل در حوزه وقف و امور خیریه، وجود ارتباطات بخش وقف و امور خیریه بین جمهوری اسلامی ایران و کشور مورد مطالعه و مواردی از این دست، انتخاب شدند.

یکی از کشورهای اسلامی منتخب، الجزایر است. ارتباطات سیاسی جمهوری اسلامی ایران با کشور الجزایر و همچنین قرابت دینی و مذهبی بین آن کشور با کشور ما، از جمله دلایل انتخاب الجزایر به عنوان یکی از کشورهای هدف مطالعه می‌باشد.

پژوهش حاضر حاصل گزارش بررسی ساختار و وضعیت نظام وقف و امور خیریه کشور الجزایر می‌باشد و در آن وضعیت جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی کشور الجزایر، مفهوم وقف و امور خیریه، روند توسعه و وضعیت موجود بخش وقف و امور خیریه، نگاشت نهادی بخش وقف و امور خیریه و برنامه‌های توسعه‌ای این

بخش در کشور الجزایر طی فصول یک الی پنج به اجمال بررسی شده است. در تدوین این کتاب در ابتدا به جستجوی مطالب در منابع فارسی اقدام شد که متأسفانه مطلب قابل تأملی یافت نشد. سپس وضعیت و اطلاعات کلی کشور الجزایر را با استفاده از منابع و سایت های خارجی همچون بانک جهانی و ویکی پدیا احصاء گردید. در ادامه وزارت شئون دینی و اوقاف که مسئولیت امور وقفی، مساجد و قرآن را در الجزایر دارد شناسایی شد. پس از بررسی سایت این وزارتخانه، تعاریف وقف، ساختار کاری این وزارتخانه و وضعیت موجود موضوعات مربوطه جمع آوری گردید. سپس برای بررسی مؤسسات خیریه به سایت وزارت امور داخلی مراجعه شد و شرح مختصری از مؤسسات خیریه جمع آوری و در تدوین کتاب مورد استفاده قرار گرفت.

در مجموع علیرغم اینکه تاکنون در داخل کشور هیچ مطالعه ای در خصوص نظام وقف و امور خیریه الجزایر انجام نشده است و اطلاعات موجود در پایگاه های اینترنتی نهادهای مرتبط با بخش وقف و امور خیریه این کشور نیز حاوی محتوای قابل توجهی نیست و گزارش های مطالعات بین المللی نیز مطالب قابل توجهی مرتبط با نظام وقف و امور خیریه کشور الجزایر ارائه نمی کنند، تیم پروژه تلاش نمود تا همین اطلاعات اندک را در قالب یک گزارش گردآوری و منتشر نماید تا در همین حد مورد استفاده محققان و پژوهشگران قرار گرفته و انشاء الله با نقد و نظرات متخصصین و کارشناسان مرتبط و تعریف و اجرای مطالعات و پژوهش های بعدی تکمیل گردد.

در پایان لازم می دانم از محضر همه خوانندگان گرامی استدعانماید تا با ارائه دیدگاه های ارزشمندشان ما را در ادامه این روند و تکمیل مطالعات انجام شده یاری فرمایند.

مشاور عالی سازمان اوقاف و امور خیریه

و ناظر پروژه

افصل اول |

اطلاعات کلی کشور الجزائر



۱- اطلاعات کلی کشور الجزایر

۱-۱- مقدمه

یکی از گام‌های مطالعات تطبیقی، آشنایی مختصر با موقعیت جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی کشور مورد مطالعه است؛ بنابراین در این فصل برای درک بهتر فصول بعدی اطلاعات کلی درباره کشور الجزایر در حوزه‌های تقسیمات کشوری، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شرح داده می‌شود.

به منظور آشنایی و مطالعه روندهای اجتماعی و فرهنگی مربوط به یک کشور، آشنایی با ویژگی‌های کلی آن کشور ضروری است؛ در این گزارش همان‌طور که پیش‌از این اشاره گردید، به بررسی روند تغییر کمک‌های خیریه و وقف و سازوکارهای مربوط به آن پرداخته می‌شود. مطالعات گسترده‌ای در زمینه مؤلفه‌های تأثیرگذار در زمینه کمک‌های خیریه و وقف در کشورهای مختلف دنیا انجام شده است که از آن میان می‌توان به مذهب، سن افراد و درآمد آن‌ها اشاره نمود.

بنابراین در این فصل برای درک بهتر فصول بعدی اطلاعات کلی درباره کشور الجزایر در حوزه‌های تقسیمات کشوری، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شرح داده می‌شود.

۲-۱- معرفی

الجزایر (به عربی: الجزائر) کشوری است در شمال قاره آفریقا، میان مراکش و تونس. پایتختش الجزیره نام دارد. مردم الجزایر عرب و بربر هستند و دین رسمی‌شان اسلام و مذهبشان سنی است. مساحت آن ۲,۱۳۸,۱۴۷ کیلومتر مربع و در آمار سال ۲۰۱۵

(میلادی) جمعیت آن ۳۹,۶۷ میلیون نفر بوده است. زبان رسمی الجزایر عربی است ولی به زبان فرانسوی و بربر نیز صحبت می‌کنند.

در ژوئیه سال ۱۹۶۲ الجزایر پس از ۱۳۲ سال، استقلال خود را اعلام کرد و از استعمار فرانسه رها شد. پیش درآمد این رهایی هشت سال جنگ بود با صدها هزار کشته. سایه این گذشته بر مناسبات فرانسه و الجزایر همچنان سنگینی می‌کند.

الجزایر تحت تأثیر ناآرامی‌های سیاسی موسوم به بیداری اسلامی که بخش‌هایی از خاورمیانه و شمال آفریقا را فراگرفت، واقع نشد و عمدتاً از آن مصون ماند. ناظران معتقدند علت عدم سرایت بیداری اسلامی به الجزایر، تجربه تلخی بود که مردم این کشور از کشتارهای خونین دهه ۱۹۹۰ داشتند.



شکل ۱-۱: موقعیت جغرافیایی الجزایر

۳-۱- تاریخ

بربرها نخستین کسانی بودند که از روزگار خیلی دور در این سرزمین سکونت داشتند. اولین بار فنیقی‌ها در سده دوازدهم پیش از میلاد به آن کشور هجوم آوردند و مهاجرنشین‌هایی در کرانه‌های شمالی آن پدید آوردند. سپس کارتاژی‌ها به آنجا وارد شدند و نواحی شرقی آن را به تصرف درآوردند. رومی‌ها، پس از برانداختن دولت کارتاژ، به این سرزمین دست یافتند و چندی بر سواحل شمالی آفریقا و سرزمین‌های ساحلی الجزایر حکومت کردند. واندال‌ها در ۴۳۰ بعد از میلاد، دست رومی‌ها را از الجزایر کوتاه کردند.

مردم الجزایر در آغاز قرن هشتم میلادی با آمدن اعراب به این سرزمین به اسلام

گرویدند. از سال ۶۴۴ تا ۶۵۶، اولین قبیله بربر الجزایری که به اسلام گروید، «سلالة المغراویون» بودند. به نوشته ابن خلدون، مورخ قرون وسطی، «اوزمار بن سکلب» رهبر مغراویون به درخواست عثمان بن عفان، خلیفه سوم، اسلام آورد. مغراویون نیز با بازگشت رهبر خود، دسته جمعی، به اسلام گرویدند. به سال ۶۶۵، حکومت بنی امیه اولین حمله خود به مغرب را آغاز کرد. سال ۶۸۳، فتوحات عقبه ابن نافع آغاز گردید. اگرچه مقاومت های بیزانسی ها اندکی مانع آن ها شد، اما بربرها کوتاه نیامدند. از سوی دیگر، این مغراویون بودند که از ابتدای جنگ به بنی امیه پیوستند.

سال ۷۰۸، بنی امیه همچنان الجزایر را در دست داشتند و دوره پیشا-اسلام در این کشور پایان یافت. همچنان که زبان های لاتین و فینیقی از یادها می رفتند، الجزایر رفته رفته به اسلام پیوست. پس از فتح الجزایر توسط مسلمانان، اندک اندک زبان عربی در میان شهرنشینان جایگاه خود را به دست آورد.

ابوالمهاجر دینار از سوی امویان حکومت را در سال ۷۴۷ میلادی در این منطقه به دست گرفت. با روی کار آمدن فاطمیان در مصر، الجزایر در زمره خراج گزاران آنان درآمد، اما دودمانی (زیریون) که به نیابت از آنان در الجزایر و تونس حکومت می کرد برضد آنان شورید و مذهب تسنن اختیار کرد. فاطمیان نیز برای مقابله با آن سلسله قبیله بنوهلال را که بسیار پرجمعیت بود، به منطقه فرستادند تا موجبات تضعیف آن سلسله را فراهم کنند و این آغاز عربی کردن منطقه بود. پس از آن، با روی کار آمدن دو سلسله بربر مرابطون و موحدون که از غرب برخاسته بودند، منطقه مدتی روی آرامش دید، اما با سقوط موحدون، الجزایر به صحنه نبرد سه دولت جانشین زینبیون الجزایر، حفصیون تونس و مرینیون مراکش تبدیل شد. در قرون پانزدهم و شانزدهم، اسپانیا به تاخت و تازهایی در الجزایر پرداخت و در سواحل آن چند آبادی ایجاد کرد. در سال ۱۵۱۷، الجزایر توسط خیرالدین و برادرش تحت سلطه امپراتوری عثمانی درآمد.

الجزایر پیش از چیرگی فرانسه، کشوری مستقل به شمار می رفت و اداره کشور به دست یک شخص که با لقب (داعی) نامیده می شد اداره می گردید. به سه استان بزرگ تقسیم شده بود و اداره هراستان به دست یک نفر که به عنوان (بای) خوانده می شد قرار داشت.

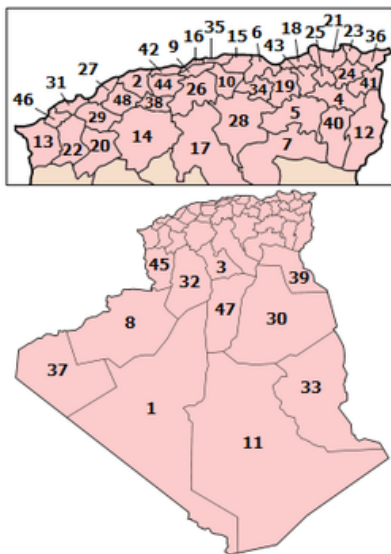
پس از آن افکار استقلال طلبانه در آنجا رواج یافت و مردم الجزایر حکومتی آزاد تشکیل داده و با دولت فرانسه جنگیدند. پیکار آنان به استقلال الجزایر انجامید (۱۹۶۲م) در تاریخ الجزایر زبان های بربری، فینیقی، لاتین، فرانسه، اسپانیایی و ترکی نوعی آمیختگی زبان شناختی را به وجود آورده که نتیجه آن یک زبان عربی الجزایری بسیار نامتجانس است؛ زبانی که در مناطق مختلف الجزایر شکل های متفاوتی را به خود گرفته و تا امروز نیز به همین شکل ادامه داشته است.

۴-۱- اطلاعات جغرافیایی

الجزایر در شمال قاره آفریقا قرار دارد که از سمت شرق به تونس و لیبی از سمت غرب به مراکش و صحرا، از جنوب غربی به موریتانی، از سمت شمال به دریای مدیترانه و از سمت جنوب به نیجرو مالی محدود است. مساحت آن حدود ۲,۱۳۸,۱۴۷ کیلومترمربع یعنی تقریباً سه برابر فرانسه و در حدود یک برابر و نیم ایران است. از شهرهای بزرگ الجزایر، الجزیره پایتخت کشور و وهران و قسنطینه و عنابه و باتنه را باید نام برد. الجزایر دومین کشور بزرگ در آفریقا به لحاظ مساحت است. قسمت اعظم مناطق ساحلی الجزایر کوهستانی است و بنادر طبیعی اندکی دارد. منطقه ای که از ساحل شروع می شود و تا تل اطلس امتداد می یابد، حاصلخیز می باشد. در جنوب تل اطلس استپ هایی وجود دارند که تا اطلس صحرائی امتداد پیدا می کنند، صحرا در مناطق جنوبی ترقار دارد. جبال هقار منطقه ای مرتفع در مرکز صحرا و در جنوب الجزایر است. شهرهای مهم الجزایر، الجزیره، آوران، قسنطینه و عنابه می باشند. شمال الجزایر آب و هوای معتدل مدیترانه ای دارد. در تل اطلس، دمای هوا در تابستان بین ۲۱ تا ۲۴ درجه سانتی گراد و در زمستان بین ۱۰ تا ۱۲ درجه سانتی گراد است و رطوبت هوا زیاد است. در شرق الجزایر هوا اندکی سردتر است. از مشخصه های آب و هوایی الجزایر، بروز طوفان های شن است. در الجزایر تنها بخشی از صحرا که در مدار رأس السرطان قرار می گیرد بسیار گرم است. میزان بارندگی در طول سواحل زیاد بوده و سالانه بین ۴۰۰ تا ۶۷۰ میلی متر برآورد می شود. بیشترین بارندگی در بخش مالی شرق الجزایر وجود دارد که به ۱۰۰۰ میلی متر در سال می رسد.

۱-۴-۱- تقسیمات کشوری

کشور الجزایر دارای ۴۸ استان است که همه استان‌های آن با شهرهای مراکز استان خود هم نامند. نام استان‌های الجزایر به قرار زیر است:



شکل ۱-۲: نقشه استان‌های الجزایر

۱. أدرار	۲. الشلف	۳. الاغواط	۴. ام البواقی	۵. باطنه	۶. بجایه
۷. بسکره	۸. بشار	۹. البلیده	۱۰. البویه	۱۱. تمنراست	۱۲. تبسه
۱۳. تلمسان	۱۴. تيارت	۱۵. تیزی وزو	۱۶. الجزائر	۱۷. الجفله	۱۸. جيجل
۱۹. سطيف	۲۰. سعیده	۲۱. سکیکده	۲۲. سیدی بلعباس	۲۳. عنابه	۲۴. قائمه
۲۵. قسنطينه	۲۶. مدیه	۲۷. مستغانم	۲۸. المسيله	۲۹. معسكر	۳۰. ورقه
۳۱. وهران	۳۲. بیض	۳۳. یزی	۳۴. برج بوعریج	۳۵. بومرداس	۳۶. الطارف
۳۷. تندوف	۳۸. تسمیلت	۳۹. الوادی	۴۰. خنشله	۴۱. سوق اهراس	۴۲. تی پازه
۴۳. میله	۴۴. عین الدفلی	۴۵. النعامه	۴۶. عین تموشنت	۴۷. گردایه	۴۸. غلیزان

۱-۵- اطلاعات اقتصادی

بیشتر مردم الجزایر از دیرباز به کشاورزی می‌پرداختند. در بخش شمالی گندم و جو کاشته می‌شود. غرس میوه و مرکبات در الجزایر روزه‌روز رونق می‌گیرد. در این کشور صنایع دستی مانند سوزن دوزی عربی، فرش الجزایری، چرم‌سازی، منبت‌کاری، کاشی‌سازی و غیره رواج دارد. در این کشور سالانه ۳۰,۰۰۰,۰۰۰ تن آهن ۷۰۵,۰۰۰ تن فسفات ۲۸۰,۰۰۰ تن زغال به دست می‌آید و ذخایر گسترده نفت نیز در جنوب و جنوب شرقی آن وجود دارد.

با وجود آنکه الجزایر دارای معادن بسیار و درآمد بالای حاصل از فروش گاز طبیعی است، اما فاصله میان قشرهای غنی و فقیر در این کشور زیاد است. وضع صنعت و کشاورزی در الجزایر خوب نیست و ظرفیت چندان برای اشتغال ایجاد نمی‌کنند. گردشگری هم برخلاف تونس و مصر، به دلیل محافظه‌کاری و انزوای سیاسی و فرهنگی رژیم هواری بومدین در سال‌های پس از انقلاب ۱۹۶۲، به حاشیه رانده شده و نقشی در اقتصاد این کشور بازی نمی‌کند. بیکاری به ویژه در میان جوانان گسترده است و مشکل گرانی و کمبود مسکن هم از قشر متوسط تا قشرهای ضعیف تر را تحت فشار قرار داده است. الجزایر پس از استقلال با توجه به تنگناهای موجود و شرایط پس از رهایی از استعمار فرانسه، از سیستم سوسیالیستی پیروی می‌کرد؛ اما در سال‌های اخیر با خصوصی‌سازی‌های به عمل آمده و برداشتن برخی محدودیت‌ها، از این سیاست اقتصادی فاصله گرفته است. نفت و گاز نیز به عنوان اصلی‌ترین منابع درآمدی کشور حدود ۹۷ درصد صادرات الجزایر را تشکیل می‌دهد. صنایع غذایی، صنایع سبک، صنایع دارویی، فولاد و صنایع معدنی از مهم‌ترین فعالیت‌های صنعتی است. در بخش کشاورزی تولید گندم، جو، زیتون، انواع میوه و دامداری مهم‌ترین تولیدات کشاورزی الجزایر را تشکیل می‌دهد. صادرات غیرنفتی الجزایر در سال ۲۰۱۱ به نسبت سال قبل ۴۰ درصد افزایش یافت و به ۲/۱۵ میلیارد دلار رسید. به نقل از آمار گمرک این کشور مهم‌ترین محصولات صادراتی غیرنفتی الجزایر در این سال مشتقات نفتی و صنایع غذایی تشکیل داده است. واحد پول این کشور دینار الجزایر است که در نرخ تبدیل دولتی هر یورو برابر با ۱۰۷ دینار و هر دلار برابر ۷۸ دینار است.

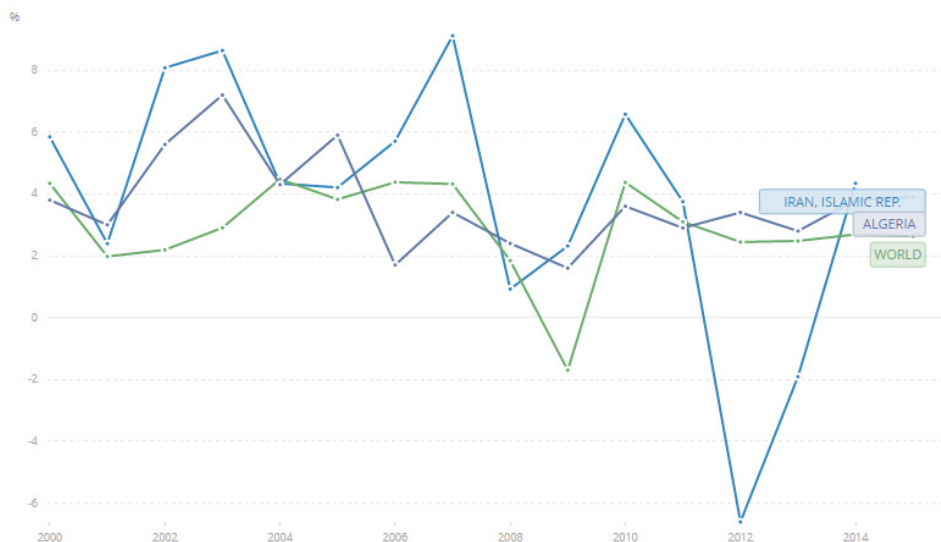
سهم بخش‌های مختلف در اقتصاد الجزایر عبارت‌اند از:

– کشاورزی: ۹ درصد

– صنعت: ۶۱ درصد

– خدمات: ۳۰ درصد (۱)

بنا بر گزارش بانک جهانی (شکل ۱-۳)، رشد تولید ناخالص داخلی^۱ کشور الجزایر برای سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ به ترتیب ۳٫۸٪ و ۳٫۹٪ است. رشد تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۱۵ در سایت بانک جهانی اعلام نشده است. بنابراین جهت مقایسه سه نمودار، سال ۲۰۱۴ مورد بررسی قرار گرفته است. در سال ۲۰۱۴، میزان رشد تولید ناخالص داخلی الجزایر (۳٫۸٪) از جهان (۲٫۶٪) بالاتر است و از ایران (۴٫۳٪) پایین‌تر می‌باشد [۲۳].

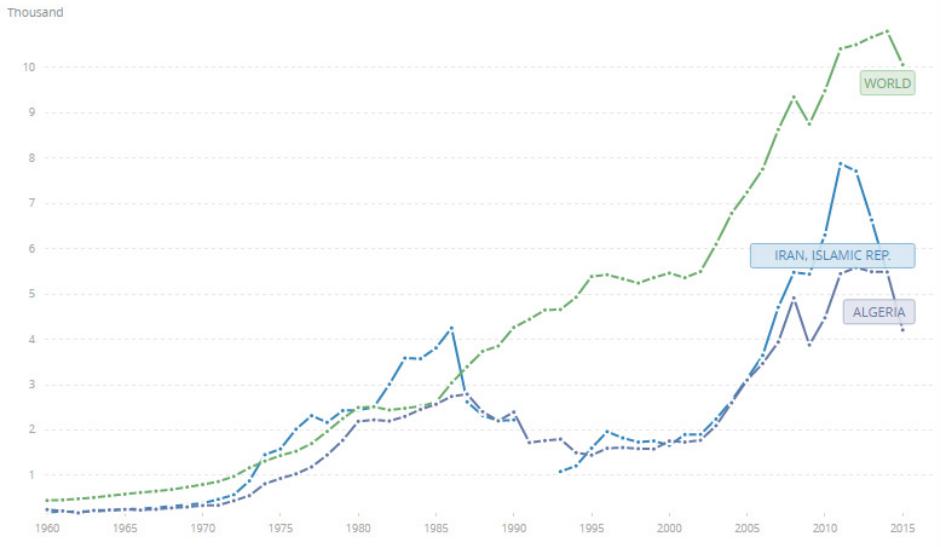


شکل ۱-۳: نمودار رشد تولید ناخالص داخلی الجزایر، ایران و جهان از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵

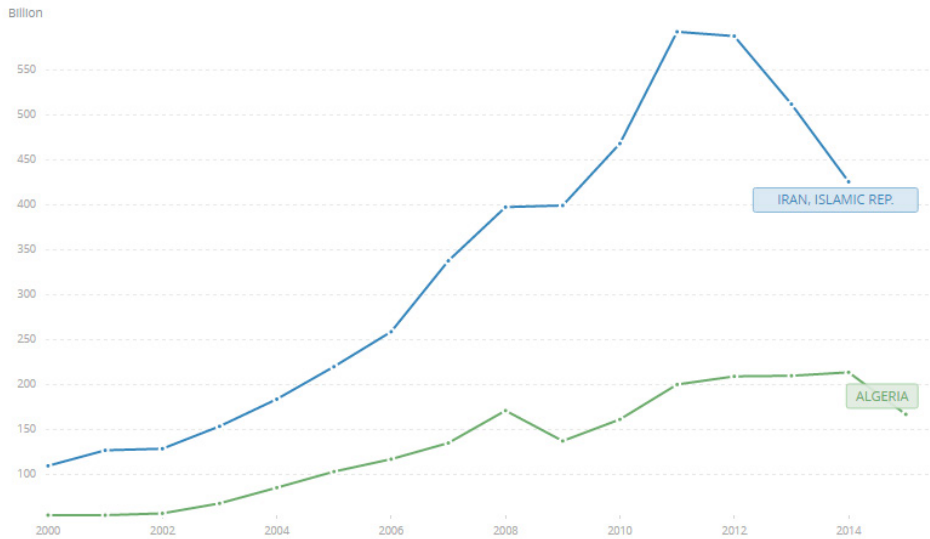
بنا بر گزارش بانک جهانی (شکل ۱-۴) میزان تولید ناخالص الجزایر بر اساس سرانه جمعیت^۲ در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ برابر با \$۵,۴۹۱ (تقریباً ۱۷۸ میلیون ریال) و \$۴,۲۰۶ (تقریباً ۱۳۶ میلیون ریال) می‌باشد. میزان تولید ناخالص داخلی ایران به ازای سرانه

1. GDP Growth
2. GDP Per Capita

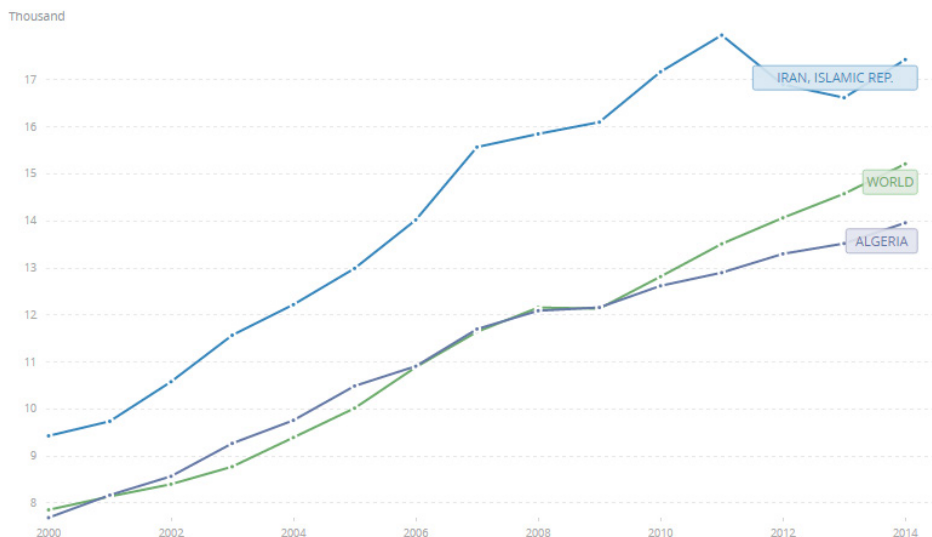
جمعیت در سال ۲۰۱۵ در سایت بانک جهانی اعلام نشده است. بنابراین جهت مقایسه سه نمودار، سال ۲۰۱۴ مورد بررسی قرار گرفته است. در سال ۲۰۱۴، میزان تولید ناخالص داخلی الجزایر بر اساس سرانه جمعیت، از جهان کمتر و از ایران بیشتر است و تفاوت قابل ملاحظه‌ای با ایران ندارد [۲۴].



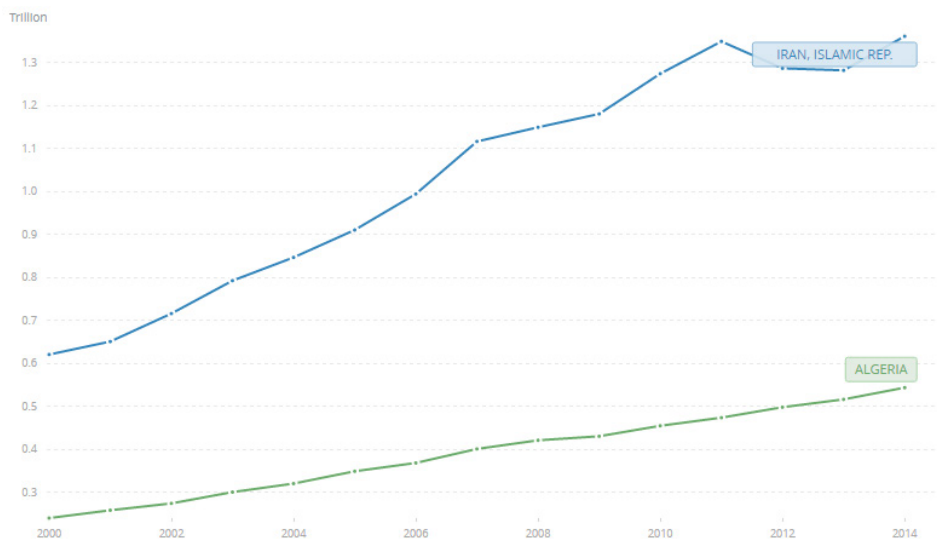
شکل ۱-۴: نمودار تولید ناخالص داخلی کشور الجزایر، ایران و جهان به ازای سرانه جمعیت از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ بنا بر گزارش بانک جهانی، میزان تولید ناخالص داخلی الجزایر بر اساس قیمت بازار در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ در شکل ۱-۵ آورده شده است. میزان تولید ناخالص داخلی الجزایر در سال ۲۰۱۵، برابر با \$ ۱۶۶,۸۳۹,۰۰۰,۰۰۰ (۵ میلیارد ریال) می‌باشد. میزان تولید ناخالص داخلی ایران به قیمت بازار، در سال ۲۰۱۵ در سایت بانک جهانی اعلام نشده است. بنابراین جهت مقایسه دو نمودار، سال ۲۰۱۴ مورد بررسی قرار گرفته است. در سال ۲۰۱۴، تولید ناخالص داخلی الجزایر \$ ۲۱۳,۵۱۸,۰۰۰,۰۰۰ (۷ میلیارد ریال) و تولید ناخالص داخلی ایران، \$ ۴۲۵,۳۲۶,۰۰۰,۰۰۰ (۱۳ میلیارد ریال) می‌باشد و همان‌طور که در شکل نمایان است، تولید ناخالص داخلی ترکیه در حدود دو برابر ایران می‌باشد [۲۵].



شکل ۵-۱: نمودار تولید ناخالص داخلی کشور الجزایر و ایران به قیمت بازار (دلار آمریکا) از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵
 بنا بر گزارش بانک جهانی (شکل ۱-۶)، درآمد ناخالص ملی براساس سرانه جمعیت^۱ در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ برابر با \$۱۳,۵۲۰ (تقریباً ۴۳۸ میلیون ریال) و \$۱۳,۹۶۰ (تقریباً ۴۵۲ میلیون ریال) می‌باشد. همچنین میزان درآمد ناخالص ملی بر اساس سرانه جمعیت جهان در سال ۲۰۱۴، \$۱۵,۰۱۱ (تقریباً ۴۶۴ میلیون ریال) و این شاخص برای ایران به میزان \$۱۷,۴۰۰ (تقریباً ۵۷۳ میلیون ریال) می‌باشد [۲۶].



شکل ۱-۶: نمودار درآمد ناخالص ملی بر اساس سرانه جمعیت کشور الجزایر، ایران و جهان از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ بنا بر گزارش بانک جهانی، میزان درآمد ناخالص ملی^۱ در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ در شکل ۱-۷ آورده شده است. میزان درآمد ناخالص ملی الجزایر در سال ۲۰۱۵، برابر با ۵۴۳ میلیارد دلار (۱۷ میلیون میلیارد ریال) می‌باشد. میزان درآمد ناخالص ملی ایران در سال ۲۰۱۵ در سایت بانک جهانی اعلام نشده است. بنابراین جهت مقایسه دو نمودار، سال ۲۰۱۴ مورد بررسی قرار گرفته است. در سال ۲۰۱۴، درآمد ناخالص ملی الجزایر ۵۱۶ میلیارد دلار (۱۶ میلیون میلیارد ریال) و درآمد ناخالص ملی ایران، ۱۳۶۰ میلیارد دلار (۴۲ میلیون میلیارد ریال) می‌باشد [۲۷].



شکل ۱-۷: نمودار درآمد ناخالص ملی کشور الجزایر و ایران از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵

۱-۶- اطلاعات سیاسی-اجتماعی

به موجب قانون اساسی، حکومت الجزایر بر پایه قوه مجریه و قوه مقننه (مجلس ملی مردمی و مجلس سنا) و قوه قضائیه اداره می شود.

قوه مجریه

در رأس قوه مجریه رئیس جمهور قرار دارد که برای مدت ۵ سال انتخاب می شود. بر اساس طرح تعدیل قانون اساسی طبق پیشنهاد رئیس جمهور و تأیید شورای قانون اساسی که در مورخ ۲۲ آبان ماه ۱۳۸۷ طی نشست مشترک مجلس ملی مردمی و مجلس سنا به رأی گذاشته شد، پست رئیس دولت حذف و بجای آن نخست وزیر (وزیرالاول) قرار می گیرد و رئیس جمهور از اختیارات بیشتری برخوردار شد، پیش از اصلاح قانون اساسی نخست وزیر در رأس دولت قرار داشت لیکن در قانون اساسی جدید رئیس جمهور ریاست دولت را نیز در اختیار دارد اما وی می تواند آن را به نخست وزیر تفویض نماید که در حال حاضر ۴۰ وزیر (شامل وزرای اصلی و مشاور و یک دبیر هیئت دولت) وی را همراهی می کنند.

قوه مقننه

شامل دو مجلس سنا (الامة) و مجلس ملی مردمی (مجلس الشعبی الوطنی) است. مجلس سنا ۱۴۴ عضو دارد که برای مدت ۶ سال از افراد بالای ۴۰ سال انتخاب شده و یک سوم اعضای آن توسط رئیس جمهور و دو سوم دیگر توسط شوراهاى استانی انتخاب می شوند. آقای عبدالقادر بن صالح رئیس مجلس است. طبق قانون اساسی الجزایر رئیس مجلس سنا به عنوان فرد دوم کشور (پس از رئیس جمهور) می باشد و در زمانی که رئیس جمهور به هر دلیل در کشور حضور نداشته باشد و یا در صورت فوت وی (تا زمان انتخاب رئیس جمهور جدید) رئیس مجلس سنا عهده دار کفالت ریاست جمهوری است. مجلس ملی مردمی نیز ۴۶۲ کرسی دارد که ۸ کرسی آن متعلق به الجزایری های مقیم خارج از کشور است و بقیه بر اساس جمعیت ۴۸ استان الجزایر و برای هر ۸۰ هزار نفر یک نماینده بارأی مستقیم مردم و برای مدت ۵ سال انتخاب می شوند. آخرین انتخابات پارلمانی این کشور در ۱۰ می ۲۰۱۲ برگزار شد. در نتیجه انتخابات جبهه آزادی بخش ملی با کسب ۲۲۱ کرسی پیروز انتخابات بود.

قوه قضائیه

در رأس دستگاه قضائی الجزایر وزیر دادگستری این کشور قرار دارد که توسط رئیس جمهور تعیین و منصوب می گردد. سیستم قضائی الجزایر شبیه سیستم قضائی فرانسه است.

شورای قانون اساسی

مرجع قضایی کشور که دارای نه عضو می باشد، رئیس و دو نفر از اعضای آن توسط رئیس جمهور انتخاب می شوند، سایر اعضا از مجلس ملی، سنا، دیوان عالی کشور و هیئت وزیران انتخاب می گردند و وظیفه آن بر اساس ماده ۱۶۳ قانون اساسی تأیید انتخابات ریاست جمهوری؛ مجلس، همه پرسی ها، قوانین و تطبیق قوانین با قانون اساسی می باشد.

احزاب

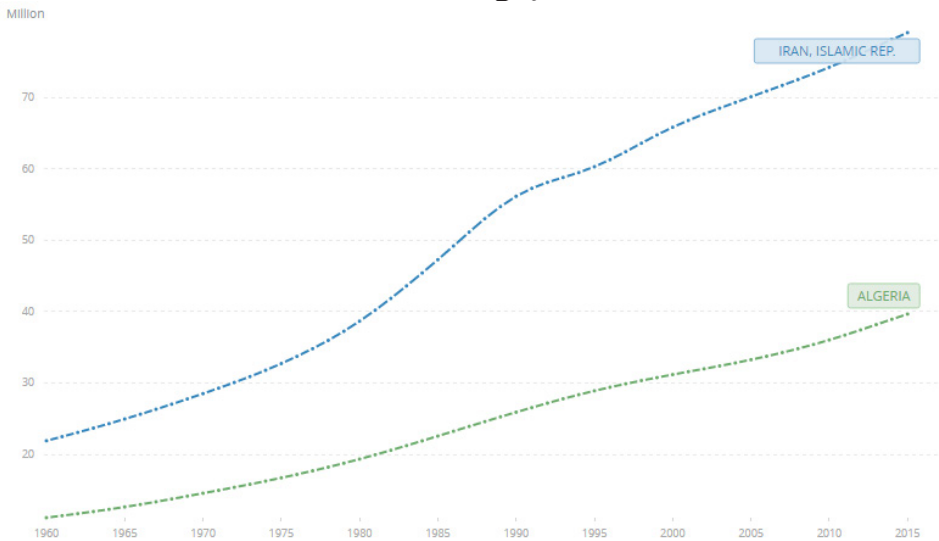
الجزایر بعد از استقلال به صورت تک حزبی و توسط جبهه آزادی بخش ملی که در جریان مبارزات ضد استعماری و جنگ های آزادی بخش این کشور شکل گرفته بود اداره می شد اما از دهه ۱۹۹۰ با تغییرات سیاسی در کشور احزابی چند فعال شدند و از سال ۱۹۹۷ تعداد احزاب رو به گسترش نهاد. قانون جدید احزاب مصوب ۱۲ ژانویه ۲۰۱۲ نیز بر تعداد آن ها افزود. بر اساس این قانون ۲۱ حزب سیاسی جدید مجوز فعالیت دریافت کرده و تعدادی دیگر در انتظار صدور مجوز خود می باشند. در انتخابات مجلس ملی ماه مه ۲۰۱۲ تعداد ۴۴ حزب سیاسی که ۲۱ حزب محصول قانون جدید می باشند شرکت نموده اند و با توجه به تحریم انتخابات توسط حزب تجمع فرهنگ و دموکراسی حداقل ۴۵ حزب فعال در کشور وجود دارد که دارای گرایش های مختلف ملی، اسلامی و چپ می باشند که مهم ترین آن ها جبهه آزادی بخش ملی، تجمع ملی دموکراتیک، حزب کارگران، جبهه نیروهای سوسیالیست، جبهه ملی الجزایر و احزابی با گرایش اسلامی مانند النهضه، الاصلاح، حرکت مجتمع صلح، جبهه عدالت و توسعه و جبهه تغییر را می توان نام برد. طبق قانون، احزاب سیاسی نمی توانند بر اساس مذهب، زبان، جنسیت، قوم و... شکل بگیرند.

الجزایر و سازمان های بین المللی

الجزایر به دلیل جایگاه و سیاست های خود در صحنه جهانی و منطقه ای، یکی از فعال ترین کشورهای منطقه در این صحنه است. این کشور با عضویت و حضور فعال در بسیاری از سازمان های بین المللی و منطقه ای توانسته است در حل مشکلات نقشی فعال و غیر قابل کتمان داشته باشد. این کشور در سازمان ملل متحد، یونسکو، سازمان بهداشت جهانی، فائو، بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، سازمان غیر متعهد ها، اتحادیه آفریقا، اتحادیه عرب، سازمان همکاری اسلامی و بسیاری دیگر از سازمان های منطقه ای مانند اتحاد مغرب عربی، اتحاد مدیترانه، گروه ۵+۵، گروه ۷۷ و ... سازمان های دیگر به ایفای نقش پردازد. (۴)

۱-۶-۱- جمعیت و پراکندگی سنی

بنا بر گزارش بانک جهانی، نمودار رشد جمعیت الجزایر بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ در شکل ۱-۸ نشان داده شده است. همان‌طور که در شکل مشخص است، جمعیت الجزایر در سال ۲۰۱۵، تقریباً ۳۹,۱۸۶,۱۳۵ نفر می‌باشد در حالی که جمعیت ایران در سال ۲۰۱۵، در حدود ۷۹,۱۰۹,۲۷۲ نفر می‌باشد [۲۸].



شکل ۱-۸: نمودار رشد جمعیت الجزایر و ایران از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵

سن افراد می‌تواند در میزان کمک‌های خیریه مذهبی تأثیرگذار باشد اما رابطه مشخصی بین سن افراد و کمک‌های غیرمذهبی مشاهده نشده است. از جمله عواملی که سبب می‌شود میزان کمک‌های خیریه در میان افراد با سن بالاتر افزایش یابد، بالاتر بودن گرایش‌های مذهبی این افراد نسبت به افراد جوان‌تر است، از سوی دیگر افراد در سنین بالا کمتر نگران آینده مالی فرزندان خود هستند و راحت‌تر می‌توانند از اندوخته خود به دیگران کمک نمایند. همچنین مطالعات نشان می‌دهد که افراد با نزدیک شدن به پایان زندگی و یاد مرگ بیشتر به دیگران فکر می‌کنند و به کمک به آن‌ها می‌اندیشند [۲۹].

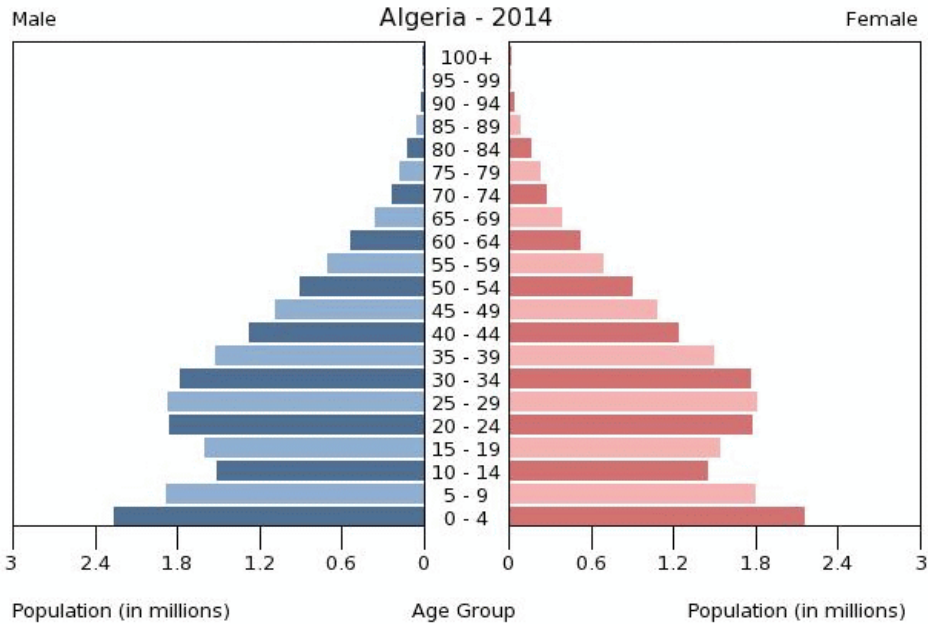
در برخی مطالعات، مشاهده شده است که زنان به دلیل حس همدلی و تمایلات

مذهبی و اجتماعی، تمایل بیشتری به کمک‌های خیریه نشان می‌دهند، و درعین حال مردان با وجود اینکه تمایل کمتری به کمک کردن ابراز می‌کنند، در عمل کمک‌های بیشتری می‌کنند؛ علی‌رغم این مسائل جنسیت نمی‌تواند به عنوان یک متغیر مستقل و منفرد در میزان بخشندگی افراد سنجیده شود بلکه متغیرهایی نظیر درآمد افراد و نظر سایر افراد خانواده نسبت به کمک کردن نیز تأثیرگذار می‌باشند.

درصد گروه‌های سنی مختلف در کشور الجزایر در سال ۲۰۱۶ مطابق جدول ۱-۱ بوده است [۳۰].

جدول ۱-۱: درصد گروه‌های مختلف سنی برحسب جنسیت

ردیف	گروه سنی (سال)	درصد	نسبت مرد به زن
۱	۱۴-۰	۲۹,۰۶	۱,۰۵
۲	۲۴-۱۵	۱۵,۹۵	۱,۰۵
۳	۵۴-۲۵	۴۲,۸۸	۱,۰۳
۴	۶۴-۵۵	۶,۶۱	۱,۰۳
۵	۶۵ و بالاتر	۵,۵	۰,۸۷
۶	جمعیت کل	۱۰۰	۵,۰۳



شکل ۱-۹: نمودار ساختار سنی شهروندان الجزایر در سال ۲۰۱۴

در کشور الجزایر ۸۵۰,۰۰۰ نفر فرانسوی و اسپانیایی و ایتالیایی مالتی و مابقی الجزایری هستند. ۹۹,۸٪ جمعیت آن عرب-بربر بوده و کمتر از ۱٪ اروپایی هستند (۲).

۱-۷- اطلاعات فرهنگی - مذهبی

زبان رسمی کشور عربی است و زبان های فرانسوی و بربری نیز کاربرد دارند. ۹۹,۱٪ جمعیت مسلمانان سنی مذهب و ۰,۶٪ اباضیه هستند و بقیه عمدتاً مسیحی و کلیمی می باشند.

اکثر الجزایری ها بربر یا عرب هستند، البته عرب بودن یا بربر بودن بر اساس ملاحظات زبانی یا هویتی مشخص می شود؛ اما منشأ و ریشه کلیه الجزایری ها اقوام بربر می باشند. مسئله عرب - بربر بیشتر جنبه هویتی دارد و نوعی تمایز نژادی، یا قومی به حساب نمی آید. اقوام بربر به چندین گروه قومی تقسیم می شوند: قبائلی در مناطق کوهستانی شمالی - مرکزی، شاویه در کوهستان های اطلس شرقی، مزابیه در دره مزاب و طوارق در جنوب. تعداد اندکی آفریقایی سیاه پوست نیز در الجزایر زندگی می کنند. الجزایری های ترک تبار

حدود ۵٪ جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند که عمدتاً در شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند.

اکثر الجزایری‌ها به عربی الجزایری تکلم می‌کنند. حدود ۸۳٪ جمعیت به زبان عربی با گویش «درجه» صحبت می‌کنند. با این حال، در رسانه‌ها و در مناسبت‌های رسمی به زبان عربی استاندارد تکلم می‌شود. بربرها که تقریباً ۴۵٪ جمعیت را تشکیل می‌دهند عمدتاً به یکی از گویش‌های تامازیغت صحبت می‌کنند؛ اما اکثریت آنان عربی الجزایری نیز می‌دانند. عربی تنها زبان رسمی کشور است، اما اخیراً تامازیغت نیز به عنوان یک زبان ملی به رسمیت شناخته شده است. مسئله زبان به لحاظ سیاسی به ویژه برای اقلیت بربر حائز اهمیت و حساسیت است. سیاست زبانی دولت مبنی بر عربی سازی عمدتاً در واکنش به ۱۳۰ سال استعمار فرانسه و نیز رواج ناسیونالیسم عربی بوده است. فرانسه همچنان به عنوان زبان خارجی آموخته می‌شود و در مدارس به کودکان آموزش داده می‌شود. همچنین، در رسانه‌ها و بخش‌های بازرگانی از زبان فرانسه استفاده می‌شود. (۲)

ساکنان نخستین شمال آفریقا و از جمله الجزایر، آمازیغ‌ها یا بربرها بودند که از دستداران اهل بیت به شمار می‌آمدند. اندکی پس از ورود اسلام به آفریقا، چند نفر از سرداران اسلام از جمله «موسی بن نصیر» فتوحات را در این سرزمین و از جمله الجزایر ادامه دادند. گفته‌اند موسی بن نصیر و پدرش از دستداران اهل بیت بوده‌اند.

منطقه آفریقای شمالی و از جمله الجزایر به مدت پنج قرن (از اواخر قرن دوم تا اواخر قرن هفتم) منطقه نفوذ و گاه حاکمیت دستداران اهل بیت بوده است. در دوره حکومت رستمیه (۷۷۶-۹۰۸ م) که توسط فردی ایرانی الاصل به نام عبدالرحمان بن رستم پایه‌گذاری شد مذهب شیعه به طور جدی در الجزایر حضور داشت. حکومت‌های ادرسیان، فاطمیان و موحدون توانستند محبت اهل بیت را در این مناطق گسترش دهند.

در دهه‌های اخیر، حضور مهاجران شیعی از عراق، سوریه و لبنان در این کشور سبب گسترش این مذهب میان مردم الجزایر شده است. گفته می‌شود با انتقال مذهب شیعه به این کشور از سوی مدرسان و فعالانی که از عراق، سوریه و لبنان به الجزایر

رفته‌اند، این مذهب در بخش‌های گسترده‌ای از جامعه الجزایر به‌طور پنهان در حال گسترش است.

شیعیان در برخی شهرها و ایالت‌های الجزایر مانند الجزیره (پایتخت)، باتنه، تبسه، خنشله، تیارت، سیدی بلعباس، بلکور، واد قریش، العناصر، بجادیه، تیزوزو، جیجل، وهران و البلیده حضور دارند. آمارهایی که از تعداد آن‌ها منتشرشده به شرح زیر است:

جدول ۱-۲: جمعیت شیعیان در الجزایر

منبع	تاریخ	درصد	جمعیت شیعیان	جمعیت کل
دائرةالمعارف امام حسین (ع)	۲۰۰۰	۹۸/۱	۳۱،۷۸۷،۴۶۷
مجمع جهانی اهل بیت	۲۰۰۸	۵/۰	۱۶۵،۰۰۰	۳۳،۰۰۰،۰۰۰
انجمن دین و زندگی اجتماعی مؤسسه PEW	۲۰۰۹	کمتر از ۱	۳۴۲،۰۰۰	۳۴،۱۹۹،۰۰۰

بسیاری از الجزایری‌ها در روز عاشورا به زیارتگاه‌هایی همچون مرقد "سیدی الهواری" و "سیدی الحسنی" در شهر وهران می‌روند و در این اماکن به تضرع و درخواست شفاعت می‌پردازند. در کوه منقاس در شهر سطیف نیز مکانی به نام محل رد پای امام علی (ع) وجود دارد که شیعیان در روز عاشورا در آنجا گرد هم می‌آیند. هیچ سندی دال بر اینکه امام علی (ع) در طول تاریخ در این منطقه حضور یافته است، وجود ندارد.

روز عاشورا در الجزایر تعطیل رسمی است و این تعطیلی از دوران "احمد بن بلا" آغاز شده است. تعطیلی روز عاشورا در الجزایر نه به خاطر واقعه عاشورا بلکه به دلیل وقایع تاریخی از جمله عبور حضرت موسی (ع) از رود نیل، نابودی فرعون و یارانش و نجات حضرت نوح (ع) و یارانش از غرق شدن است. برخی از الجزایری‌ها اعتقاد دارند روز عاشورا یک روز استثنایی است و نباید در این روز اقدام به خرید کالای خاصی کرد و برخی دیگر نیز اعتقاد دارند که زکات و صدقه را باید در این روز به دیگران داد. هم‌اکنون در مناطقی از این کشور مانند شهرک‌های تابع استان وهران، در ماه محرم، مجالس

حسینی برگزار می شود.

مراکز شیعی در الجزایر عبارت اند از:

- مؤسسه فرهنگی الغدیر
- مؤسسه فرهنگی البصائر
- مؤسسه فرهنگی التواصل (۳)

افصل دوم |

**مفهوم وقف و امور خیریه
در کشور الجزائر**



۲- مفهوم وقف و امور خیریه در کشور الجزایر

۱-۲- مقدمه

در فصل گذشته، اطلاعاتی کلی درباره کشور الجزایر بیان شد. پیش از ورود به بررسی ساختار وقف و امور خیریه در الجزایر، لازم است مفاهیم اولیه در این حوزه مشخص گردد. در این فصل به بیان مفهوم وقف و امور خیریه از دید مردم و قانون در کشور الجزایر پرداخته و زمینه را برای بیان فصول بعدی و توضیح ساختار وقف الجزایر آماده می‌کنیم.

۲-۲- مفهوم وقف

وقف در لغت به معنای حبس کردن و توقف است و در اصطلاح فقها عبارت است از: حبس کردن یک دارایی جهت استفاده از منافع آن برای بقیه در عین حفظ خود دارایی و همچنین قطع مالکیت آن درحالی که فروش و هبه آن ممنوع است.

۲-۳- ارکان وقف

وقف دارای چهار رکن است: صیغه، واقف، موقوف علیه و موقوفه.

– صیغه وقف عبارت است از لفظی که واقف برای وقف دارایی خود می‌گوید و دو حالت صریح و کنایه دارد؛ و در حالتی صحیح است که واقف با اراده خود آن را بر زبان بیاورد و حق ندارد زمان محدودی را برای وقف تعیین کند.

– واقف فردی است که دارایی اش را وقف می‌کند و باید عاقل، بالغ، از لحاظ عقلی

- سالم و مالک دارایی باشد و با اراده خودش وقف کند.
- موقوف علیه عبارت است از آن جهتی که منفعت دارایی به آن می‌رسد و طبق اصول دین باید جهت صحیح بوده و معصیت نباشد.
- موقوف، آن دارایی است که وقف می‌شود و باید دارایی شرعی باشد و مثلاً شراب نباشد و باید دارایی پایدار باشد و مستهلک نگردد و به اتمام نرسد مثل غذا.
- لازم است به شرطی که واقف بر روی وقف می‌گذارد در صورتی که مخالف اصول دین نباشد عمل شود و در صورت مخالف بودن شرط با اصول دین وقف باطل است.

۲-۴- انواع وقف

۱. وقف خاص: وقفی است که سود و منفعت آن برای خانواده شخص می‌رسد و خانواده واقف می‌توانند از همه منافع آن استفاده کنند. برای مثال شخصی که خانه‌اش را وقف می‌کند برای شخصی از خانواده‌اش و او می‌تواند در این خانه زندگی کند یا آن را اجاره دهد و یا ...
۲. وقف عام: وقفی است که از عواید و درآمدهای آن در کارهای خیریه و اعمال نیک استفاده می‌شود. و برای مثال شخصی که خانه خود را وقف می‌کند تا از سود اجاره آن برای ساخت مساجد، یا انفاق بر نیازمندان و یا کارهای خیریه مشابه استفاده شود.
۳. وقف مشترک: که ترکیبی از دو نوع بالاست.

۲-۵- صیغه وقف

آن چیزی است که در ارتباط با وقف صادر می‌شود و سندی برای ایجاد آن است.

۲-۶- شروط صیغه وقف

۱. روشن و شفاف باشد و با زبانی رسا جزئیات مورد نیاز را بیان کند.
۲. بسته باشد: بدین معنی که در صیغه تعلیقی برای شروط غیر موجود و یا غیر قابل دسترس تعریف نشود.
۳. دائمی باشد و در زمان‌های مختلف و با نظرات مختلف دچار تغییرات نشود.
۴. دقیق و مشخص باشد و نیت وقف در درون متن کاملاً مشخص باشد.

عدم همپوشانی صیغه در شروط به گونه ای که با اصل وقف منافاتی نداشته باشد و تناقضات باطل کننده وقف نیز در آن وجود نداشته باشد.

۲-۷- وقف خیرات

این نوع وقف شامل ۳ دسته می شود:

۱. وقف خیریه عمومی (در راستای کمک های جامعه و با توجه به اقتضای زمان)
۲. وقف برای اصلاح روابط اجتماعی (مشاوره و کاهش تنش های اجتماعی، ازدواج و طلاق و...)
۳. وقف برای چاپ و انتشار کتب سودمند (کتبی که به پیشرفت و ارتقاء جامعه و بهبود انسانیت کمک کند)

۲-۸- شروط صحیح بودن وقف

۱. واقف عاقل و بالغ باشد و سن او بالاتر از ۱۸ سال باشد.
۲. موقوفه از نظر قانونی و شرعی برای واقف باشد و در رهن یا شراکت کسی نباشد.
۳. از نظر شرعی، موقوفه بر امور حرام نباشد.
۴. شک و تردیدی پس از مرگ واقف وجود نداشته باشد.

۲-۹- نکاتی در مورد وقف

۱. وقف شخص مجنون، دیوانه یا غافل با اجازه قاضی صحیح است.
۲. وقف بدهکار در حین قرض صحیح است و طلبکار تا سه سال پس از آن حق اعتراض دارد.
۳. وقف غیرمسلمان صحیح است.
۴. وقف مرتد صحیح است.
۵. وقف اگر در مالکیت مستحقان نیز نباشد صحیح است.
۶. اگر وقف با شرط غیر صحیح همراه باشد، وقف صحیح و شرط باطل است.
۷. اگر بین دو شرط تعارض وجود داشته باشد، شرط آخر قبول است.

۲-۱۰- اهداف وقف و نتایج آن

۱. به دست آوردن رضایت الهی که به صدقه و انفاق امر فرموده است و با توجه به این امر که وقف صدقه جاری است.
۲. فعال شدن دری از درهای خیر و نوعی از انواع نیکی هایی که به آن همواره اشاره شده
۳. ارائه کمک های بهداشتی به نیازمندان در بیمارستان ها و درمانگاه ها
۴. کمک به حفظ عفاف فقرا با تأمین نیازهای ضروری آن ها در جامعه
۵. کمک به مدارس و دانشگاه های دینی و مذهبی و کمک به ایتام و مدارس آن ها برای تحصیل علم و کسب موقعیت های بهتر در جامعه
۶. ساخت مساجد به عنوان خانه های خدا و رسیدگی به این اماکن
۷. فعال شدن جنبش ها و تحرکات علمی دانشمندان و همچنین ترویج فرهنگ اسلامی در جامعه در راستای توسعه علوم
۸. تضمین اصل مال و پایداری منافع آن در طول زمان
۹. روشی برای کفاره دادن برای گناهان و به دست آوردن ثواب اخروی

افصل سوم |

تاریخچه و وضعیت دارایی های وقف
و امور خیریه در کشور الجزایر



۳- تاریخچه و وضعیت دارایی های وقف و امور خیریه در کشور الجزایر

۳-۱- مقدمه

پس از بررسی وضعیت عمومی کشور الجزایر و آشکار شدن مفهوم وقف و امور خیریه، در این فصل به بررسی روند تاریخی توسعه و تکامل وقف و امور خیریه در کشور الجزایر پرداخته می شود و اطلاعات به دست آمده مربوط به اموال و دارایی های وقف را ارائه می کنیم.

۳-۲- تاریخچه وقف در کشور الجزایر

۳-۲-۱- دوره عثمانی

دوره عثمانی یکی از دوره های موفق الجزایر از نظر مولد بودن اوقاف و توسعه زمین های وقفی در سراسر کشور به حساب می آید. اموال وقفی شامل دارایی های مختلف، زمین های کشاورزی، مغازه ها، هتل ها، باغ ها، آسیاب ها و... بود و بازگشت دارایی های وقفی صرف مخارج مطالعه دانش آموزان، پژوهش دانشجویان، حقوق معلمان و کسانی که در مساجد و عبادتگاه ها و مدارس کار می کردند و صرف تعمیر این بناها می شد. بهترین کمک منابع وقفی عبارت بودند از تعمیر تعدادی از امکانات اجتماعی مانند خیابان ها و جاده ها، چاه ها، کانال های آب و حوزه فعالیت های اوقاف گسترش پیدا کرد به کمک به نیازمندان که به صورت های مختلف خیریه و یارانه انجام می شد. وقف عام نیز بین مؤسسات خیریه ای پخش می شد که وضعیت دینی، شخصیت

حقوقی و ساختار اداری خاص دارند که عبارت بودند از:

- اداره مسیره‌های خیرات
- اوقاف حرم‌های مطهر
- اوقاف جداشده از آندلس
- اوقاف زویا، قدیسان، اشراف زادگان و ...

۳-۲-۲- دوره اشغال توسط فرانسه

استعمار فرانسه اهتمام جدی به امراوقاف داشت. دو ماه بعد از آغاز اشغال الجزایر توسط فرانسه در ۸ سپتامبر سال ۱۸۳۰ توسط ژنرال کلوزال تصمیم گرفته شد که املاک حرم‌های شریف را به املاک دولت الحاق کنند که در بند ۵ معاهده تسلیم الجزایر آمد و از طرف بزرگان دین و علما با آن مخالفت شد؛ و ۳ ماه بعد دوباره ژنرال کلوزال در تاریخ ۷ دسامبر سال ۱۸۳۰ قرار دیگری را برای الحاق اوقاف به صورت تمام و کمال به دارایی‌های دولت فرانسه تنظیم کرد که قرار بود منافع اوقاف برای توسعه دولت محلی به‌کاربرده شود.

موقوفات در جهت کاهش گسترش استعماری کار می‌کرد و به همین دلیل فرانسه این امر را یکی از موانع توسعه می‌دانست و برای انتقال این دارایی‌ها به مدت ۱۰۰ سال به فرانسوی‌ها به تشویق مردم می‌پرداخت. یک از فرانسوی‌ها در همین زمینه گفته است که: وقف و ویژگی‌های آن یکی از موانعی است که می‌تواند قبل از ایجاد اصلاحات عمده در الجزایر، اسلحه ما را از دستمان بگیرد؛ و به همین دلیل دولت فرانسه خود را قادر به در اختیار گرفتن بخش اعظمی از دارایی‌های وقف کرد.

۳-۲-۳- بعد از استقلال

در این دوره الجزایر با تصرفات غیرقانونی دارایی‌های وقفی مواجه شد که باعث آسیب پذیر شدن این دارایی‌ها و استفاده از آن‌ها بدون هیچ‌گونه اجازه قانونی از طرف اشخاص و گروه‌ها با وجود روشن و واضح بودن حکم شرعی درباره دارایی‌های وقفی بود. زیرا دارایی و املاک وقفی قابل تصرف نیستند و املاک دولتی با مفهوم معاصر

به حساب نمی‌آیند بلکه ملک تمامی مسلمانان هستند و بر دولت نظارت بر آن‌ها، اداره مناسب، تعمیر و محافظت از آن‌ها و مصرف آن‌ها در راه مورد نظر واقف‌ها یا اهداف شرعی اسلامی واجب است. که تفسیر حقوقی از این وضعیت می‌تواند منشأ آن در مفاهیم و نتیجه صدور و استفاده از قانون شماره ۶۲/۱۷۵ سال ۱۹۶۲ باشد که توسط فرانسه تصویب شده است؛ و بر اساس آن هریک از دارایی‌ها و زمین‌های خالی جزو املاک و مستغلات و دارایی‌های دولت به شمار می‌روند.

این وضعیت به رغم صدور دستور شماره ۶۴/۲۸۳ در سال ۱۹۶۴ که شامل سیستم کلی دارایی‌های وقفی است آثاری منفی بر اموال وقف داشته است زیرا در آن مفاد قانونی که نیاز به مدیریت برای حفاظت از موقوفات و جلوگیری از تخریب آن‌ها است وجود ندارد.

علی‌رغم صدور قانون شماره ۷۱/۷۳ درباره انقلاب کشاورزی و تأکید ماده ۳۴ برای مستثنا کردن زمین‌های وقفی، دولت تمام زمین‌های وقفی کشاورزی را نیز ملی کرد؛ و این وضعیت منفی و تخریب‌ها ادامه پیدا کردند و بعد از صدور قانون شماره ۸۱/۰۱ سال ۱۹۸۱ شامل دارایی‌های محلی بدتر شده‌اند زیرا در این قانون، دارایی‌های وقفی مستثنا نشده‌اند.

صدور قانون خانواده شماره ۸۴/۱۱ که فصل سوم آن به تعریف مفهوم وقف اختصاص دارد نیز برای اطمینان از محافظت قانونی و عملیاتی از اوقاف کافی نبود و بعد از آن قانون سال ۱۹۸۹ تصویب شد که در ماده ۴۹ خود از املاک وقفی به صورت جداگانه از بقیه گونه‌های دیگر املاک حمایت می‌کرد.

شروع وجود قانونی اوقاف با صدور قانون شماره ۹۰/۲۵ اتفاق افتاد که حاوی مواردی درباره املاک و مستغلات بود و به صراحت در آن طبقه‌بندی اوقاف در موارد کلی حقوقی در الجزایر به رسمیت شناخته شد که در ماده ۲۳ به اهمیت موقوفات پرداخته است و مواد ۳۱ و ۳۲ به عنوان استقلال مدیریت اداری و مالی اوقاف مطرح شده است و به نیاز برای قانون خاصی در این زمینه اشاره شده است.

براین اساس و در سال ۱۹۹۱ قانون اوقاف شماره ۹۱/۱۰ درباره حمایت، حفاظت و مدیریت و اداره اوقاف به مقامات مسئول وقف صادر شده (وزارت شئون دینی و اوقاف)

که شامل ۷ فصل است:

- مقررات عمومی
- ارکان وقف و شروط آن
- ملزومات و شروط واقف
- تصرف در وقف
- باطل کنندگان وقف
- ناظر وقف

سپس فرمان اجرایی شماره ۳۸۱/۹۸ صادر شد و مجموعه‌ای از شرایط مدیریت املاک وقف و روش‌های حفاظت و ... را بیان کرد. این فرمان به طور خاص شامل موارد زیر است:

- دستگاه‌های مدیریت کننده
- روش‌های اجاره املاک وقفی
- محل‌های مصرف عواید اوقاف
- حل و فصل‌های قانونی املاک وقفی
- ایجاد یک صندوق مرکزی برای املاک وقفی (۵)

۳-۳- تاریخچه وزارت شئون دینی و اوقاف

وزارت شئون دینی و اوقاف یکی از قدیمی‌ترین وزارتخانه‌ها است که بلافاصله پس از استقلال تشکیل شده است و تعجبی نیست که در آن ابزار دولت و دستگاه‌های آن در خدمت زندگی معنوی و روحانی هموطنان قرار بگیرد زیرا این مورد مندرج در دستورها، قوانین آن و قوانین تاریخی در منشور اول نوامبر وجود دارد و وزارت شئون دینی و اوقاف اهمیت و سودمندی وجود خود را از این موارد گرفته است.

با این حال چندین بار شاهد تغییر نام این وزارتخانه بوده‌ایم:

- وزارت اوقاف به موجب قانون شماره ۲۰۷-۶۵ سال ۱۹۵۶ و در جهت سازمان‌دهی اداره مرکزی اوقاف

فصل سوم- تاریخچه و وضعیت دارایی های وقف و امور خیریه در کشور الجزایر / ۵۳

– تغییر اسم در سال ۱۹۷۱ به وزارت تعلیم اصلی و شئون دینی به موجب قانون شماره ۲۹۹-۷۱ در تاریخ ۳۱ دسامبر سال ۱۹۷۱

– این اسم بار دیگر در سال ۱۹۸۰ به وزارت شئون دینی تغییر کرد و بخش تعلیم اصلی به موجب قانون شماره ۱۳۹-۷۷ در تاریخ ۸ اکتبر ۱۹۷۷ به وزارت تربیت ملحق شد و تمام اختیارات مرتبط با بخش تعلیم اصلی وزارت تعلیم اصلی و شئون دینی به موجب قانون شماره ۳۱-۸۰ سال ۱۹۸۰ به وزارت تربیت منتقل گردید.

– و این وزارتخانه با این اسم تا سال ۲۰۰۰ حفظ شد و به دلیل اهمیت موضوع وقف و تأثیر آن در زمینه فعالیت های اجتماعی تصمیم به بازگرداندن این موضوع به دایره وزارت و انتخاب اسم جدید برای وزارتخانه گرفته شد.

– وجود این ویژگی های متفاوت موجب به وجود آمدن تشکیلات مختلفی در این وزارتخانه شد که در سه بخش: موضوعات وقفی، فرهنگ اسلامی و ارشاد دینی به فعالیت خود ادامه می دهد. ارشاد دینی زیرمجموعه های دیگری از فعالیت ها را نیز پوشش می دهد که عبارت اند از: آموزش قرآن و مراقبت و محافظت از میراث.

– این نقاط عطف مهم موجب صدور مقررات مختلفی از جانب دولت مرکزی برای این وزارتخانه گردید که آخرین فرمان آن در سال ۲۰۰۵ بوده است. (۱۰)

۳-۴- وضعیت دارایی های کنونی وقف

۳-۴-۱- انواع دارایی های وقفی

جدول زیر انواع دارایی های وقفی و تعداد هر کدام را در الجزایر نشان می دهد: (۶)

جدول ۱-۳: انواع و وضعیت کمی دارایی های وقفی در کشور الجزایر

تعداد	نوع ملک
۱۳۸۸	مغازه ها

۱. در زمینه ی وضعیت موجود اوقاف کشور الجزایر علی رغم جستجو هایی که در اینترنت صورت پذیرفت، به دلیل محدودیت های دسترسی منابع و همچنین عدم انتشار اطلاعات مفید از طرف کشور مورد مطالعه، مطالب کاملتری یافت نگردید و تکمیل اطلاعات موجود، نیاز به انجام تحقیقات میدانی و مطالعات تکمیلی در این زمینه دارد.

تعداد	نوع ملک
۵۷۱	استخرها
۴۰۲۰	خوابگاه‌های اجباری
۲۲۶۶	خوابگاه‌ها
۶۵۶	زمین‌های کشاورزی
۷۵۰	زمین‌های سفید
۴	زمین‌های پوشیده از درخت
۱	زمین‌های جنگلی
۲۸	درختان و نخل‌ها
۱۱۸	باغ‌ها
۱	واحه‌ها
۳۷	دفاتر
۳	کتابخانه‌ها
۲۲	آشپانه هواپیما
۳	سالن‌ها
۸	مدارس قرآنی
۲۷	کلیساها
۹	پارکینگ‌ها و گاراژها
۲۵	فروشگاه‌ها و انبارها
۱	کامیون‌ها
۲	آرامگاه‌ها
۳	باشگاه‌ها
۱۰	محل‌های نگهداری کودکان
۵	آژانس‌ها
۶	تسهیلات

نوع ملک	تعداد
مقبره‌ها	۱
چشمه آب	۱
بیعت	۱
مجموع	۹۹۶۷

جدول ۳-۲ تعداد مدارس قرآنی را در استان‌های مختلف الجزایر نشان می‌دهد: (۷)

جدول ۳-۲: وضعیت کمی مدارس قرآنی در استان‌های مختلف الجزایر

شماره	استان	تعداد	
		تعداد مدارس قرآنی	تعداد مدارس قرآنی
		از سال ۹۹ تا ۲۰۱۳	قبل سال ۹۹
۱	ادرار	۵۲۲	۴۳۷
۲	الشلف	۳۷	۲۸
۳	الاعواط	۲۰۶	۱۰۱
۴	ام الابواقی	۱۴	۱۱
۵	باتنه	۲۶	۳
۶	بجایه	۶	۴
۷	بسکره	۴۱	۲۰
۸	بشار	۹	۵
۹	البلیده	۷۱	۲۶
۱۰	البویره	۳	۱
۱۱	تمنراست	۷۹	۶۳
۱۲	تبسه	۱۷	۹
۱۳	تلمسان	۱۴۷	۱۲
		۱۳۵	

تعداد مدارس قرآنی	تعداد مدارس قرآنی	تعداد مدارس قرآنی	استان	ردیف
				از سال ۹۹ تا ۲۰۱۳
۱۲	۰	۱۲	تیارت	۱۴
۴	۰	۴	تیزی وزو	۱۵
۱۸	۱۶	۳۴	الجزائر	۱۶
			حی الکرام	۱۷
۵	۱	۶	الجلفه	۱۸
۲	۱	۳	جیجل	۱۹
۹	۶	۱۵	سطیف	۲۰
۵۹	۸۱	۱۴۰	سعیده	۲۱
۲۲	۷	۲۹	سکیکده	۲۲
۵	۱۶	۲۱	س. بلعباس	۲۳
۱۳	۵	۱۸	عنايه	۲۴
۵	۶	۱۱	قالمه	۲۵
۶۱	۳	۶۴	قسنطينه	۲۶
۱۰	۴	۱۴	المدیه	۲۷
۸	۲۱	۲۹	مستغانم	۲۸
۱۷	۴	۲۱	المسیله	۲۹
۲۵	۹۴	۱۱۹	معسكر	۳۰
۹	۱۴	۲۳	ورقله	۳۱
۱۹	۲۰	۳۹	وهران	۳۲
۱	۲	۳	البيض	۳۳
۶	۴	۱۰	الیزی	۳۴

فصل سوم- تاریخچه و وضعیت دارایی های وقف و امور خیریه در کشور الجزایر / ۵۷

تعداد مدارس قرآنی	تعداد مدارس قرآنی	تعداد مدارس قرآنی	استان	ردیف
				از سال ۹۹ تا ۲۰۱۳
۱۲	۱۳	۲۵	ب. بوعریرج	۳۵
۹	۵	۱۴	بومرداس	۳۶
۵	۰	۵	الطارف	۳۷
۲	۳	۵	تندوف	۳۸
۱	۸	۹	تسمسیت	۳۹
۲۱	۰	۲۱	الوادی	۴۰
۲	۰	۲	خنشله	۴۱
۱	۳	۴	سوق اهراس	۴۲
۳	۷	۱۰	تیبازه	۴۳
۶	۲	۸	میله	۴۴
۲	۹	۱۱	عین الدفلی	۴۵
۱۶	۳	۱۹	النعامه	۴۶
۸	۱۲	۲۰	عین تیموشنت	۴۷
۱۶	۲	۱۸	غردایه	۴۸
۱۴۳	۲۵۳	۳۹۶	غلیزان	۴۹
۱۰۱۵	۱۳۴۵	۲۳۶۰	مجموع	

جدول ۳-۳: اموال وقف و وضعیت آن را در استان‌های مختلف نشان می‌دهد: (۸)

جدول ۳-۳: اموال وقف و وضعیت آن در استان‌های مختلف الجزایر

شماره	استان	تعداد اموال		
		اجاره	خوابگاه اجباری	خالی
۱	ادرار	۱۰	۰	۱۱۹
۲	الشلف	۹۶	۴۰	۵۹
۳	الاغواط	۱۰۳	۴۶	۱۹
۴	ام الابواقی	۵۵	۰	۳۶
۵	باتنه	۲۱۲	۷۹	۸۱
۶	بجایه	۵۲	۲۷۳	۱۷۰
۷	بسکوه	۱۲۰	۶۴	۶۱
۸	بشار	۳۸	۴۷	۲۴
۹	البلیده	۸۵	۱۰۵	۷
۱۰	البویره	۲۱	۱۵۰	۳۳
۱۱	تمنراست	۰	۰	۵۰
۱۲	تبسه	۲۵	۵۳	۱۸
۱۳	تلمسان	۴۴۸	۳۸۱	۹۰
۱۴	تیارت	۹۷	۴۲	۲۴
۱۵	تیزی وزو	۰	۳۳۳	۰
۱۶	الجزائر	۱۲۷۵	۴۱۳	۶
۱۷	حی الکرام	۱۳۹	۰	۳۵
۱۸	الجلفه	۷۷	۱۲	۲۸

فصل سوم- تاریخچه و وضعیت دارایی های وقف و امور خیریه در کشور الجزایر / ۵۹

ردیف	استان	تعداد املاک		
		اجاره	خوابگاه اجباری	خالی
۱۹	جیجل	۶۲	۵۹	۳۴
۲۰	سطیف	۵۴	۳۶۵	۹۸
۲۱	سعیده	۸	۶۳	۱۳
۲۲	سکیکده	۹۸	۶۹	۳۵
۲۳	س. بلعباس	۴۶	۱۰۷	۲۰
۲۴	عنایه	۴۱	۹۱	۲
۲۵	قالمه	۱۸	۶۳	۲
۲۶	قسنطینه	۱۳۳	۶۰	۳۶
۲۷	المدیه	۶۵	۴۴	۱۰
۲۸	مستغانم	۲۰	۱۲۲	۳۸
۲۹	المسیله	۲۱	۱۵۲	۶۶
۳۰	معسکر	۶۷	۸۶	۶۲
۳۱	ورقله	۴۰	۲۸	۲۹
۳۲	وهران	۱۵۶		۲۷
۳۳	البيض	۳۴	۳۷	۷۶
۳۴	الیزی	۳	۹	۲
۳۵	ب. بوغیریرج	۵۹	۶۰	۴۷
۳۶	بومرداس	۲۰	۱۲۷	۲۴
۳۷	الطارف	۲۶	۶۲	۱۴
۳۸	تندوف	۲	۲	۶
۳۹	تسمسیت	۰	۲۵	۸

ردیف	استان	تعداد املاک		
		اجاره	خوابگاه اجباری	خالی
۴۰	الوادى	۴۷	۵۲	۱۷
۴۱	خنشله	۵۵	۲۲	۲۰
۴۲	سوق اهراس	۶۱		۱۲
۴۳	تیبازه	۳۰	۲۶	۱۴
۴۴	میله	۲۲	۴۵	۴
۴۵	عين الدفلى	۹۶	۸	۲۱
۴۶	النعامة	۳۱	۶۰	۶
۴۷	عين تیموشنت	۴۲	۱۱۵	۲۷
۴۸	غردایه	۷۵	۰	۶
۴۹	غلیزان	۲۳	۲۳	۳
	مجموع	۴۳۰۸	۴۰۲۰	۱۶۳۹

۳-۵- نگاهی گذرا بر وضعیت موجود مساجد الجزایر

به دلیل عدم وجود سیاست گذاری ثابت و روشن در امور مربوط به علمای دینی وزارت امور دینی الجزایر، برخی از مسوولان این وزارتخانه تاکید کردند که وهابیون افراطی بر ۸۰ درصد از مساجد الجزایر تسلط دارند.^۱

وهابیون افراطی به مرجعیت دینی الجزایر اهمیت نمی دهند و نمی خواهند قوانین آن را به رسمیت بشناسند. آنان بیش از ۴۰ سال است که علیه قوانین وزارت امور دینی عمل می کنند و سعی دارند وهابیت افراطی را به گونه ای در جامعه گسترش دهند که همچون قانون اساسی ثابت و پا برجا بماند.

۱. در زمینه ی وضعیت موجود مساجد و اماکن مذهبی کشور الجزایر، علیرغم جستجوهای که در اینترنت صورت پذیرفت، به دلیل محدودیت های دسترسی منابع و همچنین عدم انتشار اطلاعات مفید از طرف کشور مورد مطالعه، مطالب کاملتری یافت نگردید و تکمیل اطلاعات موجود، نیاز به انجام تحقیقات میدانی و مطالعات تکمیلی در این زمینه دارد.

با وجود چنین گروه‌هایی، جامعه الجزایری با تهدیدات بزرگی رو به رو خواهد بود و آنان سعی خواهند کرد، فرقه‌گرایی را در میان مسلمانان گسترش دهند. مسوولان وزارتخانه در برخورد با ائمه دینی نه به آن‌ها فشار وارد می‌کند، نه فعالیت‌های شان را محدود می‌نماید و نه لیستی کامل از اسم‌های آن‌ها را در اختیار مسولین مربوطه قرار می‌دهند.

تنها ۲۰ درصد از مساجد در الجزایر همگام با قوانین موجود در کشور حرکت می‌کنند و علمای دینی و موذن‌ها وظیفه خود را به طور کامل انجام می‌دهند، در حالی که ۸۰ درصد از آن‌ها خارج از چارچوب قانون فعالیت کرده و از جایگاه خود به عنوان امام مسجد برای نشر تفکر وهابیت افراطی استفاده می‌کنند.

۳-۵-۱- مسجد بزرگ الجزایر

چین اعلام کرد که ساخت سومین مسجد بزرگ دنیا را برای مسلمانان کشور الجزایر تا پایان سال جاری میلادی (۲۰۱۶) تکمیل می‌کند.

شرکت مهندسی و ساخت و ساز چین ساخت این بنا را برعهده دارد و ۸۵ درصد از کار اجرای طرح مسجد اعظم الجزایر در شهر الجزیره پایتخت این کشور را به پایان رسانده است.

این شرکت افزوده است که وقتی کار ساخت بنا با معماری زیبایی آن به پایان برسد مسلمانان برای مدت ۴۰۰ تا ۵۰۰ سال می‌توانند از این مسجد برای انجام امور عبادی و مذهبی استفاده کنند.

با پایان یافتن کار ساخت این مسجد، این اولین مسجد بزرگ قاره آفریقا و سومین مسجد بزرگ جهان پس از مساجد مکه و مدینه در عربستان سعودی خواهد بود.

این مسجد با سرمایه‌گذاری یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلاری در مساحتی به وسعت ۴۰۰ هزار مترمربع ساخته می‌شود و مناره آن که بلندترین مناره جهان است ۲۷۰ متر ارتفاع دارد.

این مسجد می‌تواند در آن واحد گنجایش ۱۲۰ هزار نفر را داشته باشد و با توجه به در نظر گرفتن یک کتابخانه بزرگ برای آن که گنجایش یک میلیون نسخه کتاب را دارد، ۲

۶۲ / آشنایی با نظام مدیریت وقف و امور خیریه در کشور الجزایر

هزار نفر می‌توانند در آن مشغول مطالعه کتاب شوند.
همچنین برای این مسجد یک موزه و یک مرکز تحقیقاتی نیز در نظر گرفته شده است.



شکل ۳-۱: مسجد بزرگ الجزایر

۳-۵-۲- مسجد کچوانا

مسجد کچوانا در الجزایر است که سال تاسیس آن به ۱۶۱۲ می‌رسد؛ این مسجد جزء شناخته شده ترین مساجد جهان می‌باشد.



شکل ۳-۲: مسجد کچوانا الجزایر

افصل چهارم |

**نگاشت نهادی نظام مدیریت وقف
وامور خیریه در کشور الجزایر**



۴- نگاشت نهادی نظام مدیریت وقف و امور خیریه در کشور الجزایر

۴-۱- مقدمه

یکی از موضوعات مهم برای شناخت وضعیت وقف و امور خیریه در کشورهای مختلف شناخت ساختار و بازیگران فعال در این حوزه است. این موضوع از آن جهت مورد اهمیت است که با شناخت انواع بازیگران فعال در زمینه‌های مختلف و بررسی و تحلیل نوع فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند، می‌توان از دستاوردهای هر یک از این بازیگران استفاده کرد و از تجربیات ناموفق آن‌ها دوری جست.

در این فصل پس از معرفی انواع کنشگران فعال در دو بخش وقف و امور خیریه، و مساجد و اماکن و فعالیت‌های مذهبی به شناسایی و تحلیل بازیگران مختلف با توجه به نقشی که در این دو بخش در کشور الجزایر ایفا می‌کنند، پرداخته شده است. سپس نگاشت نهادی تمامی این بازیگران به همراه نوع ارتباطات آن‌ها ترسیم شده است و پس از آن، هر یک از این بازیگران و مجموعه فعالیت‌ها، اهداف، مأموریت، چشم‌انداز، ساختار و ... آن‌ها مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۴-۲- انواع کنشگران فعال در حوزه وقف و امور خیریه

کنشگر، عبارت است از فرد، گروه و یا سازمانی که می‌تواند بر ورودی‌ها (منابع) و یا بروندادهای یک سیستم تأثیر بگذارد و یا از خروجی‌ها و بروندادهای آن (خدمات، محصولات، پیامدها و ...) تأثیر پذیرد. در این گزارش کنشگران به چهار دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

۴-۲-۱- سیاست‌گذار

سیاست‌گذار نهادی است که برنامه‌هایی را که باید توسط دولت، کسب‌وکارها و غیره دنبال شود تعیین می‌کند.

سیاست‌گذاری به صورت فرآیندی تعریف شده است که به واسطه آن دولت به منظور ارائه پیامد (تغییرات مطلوب در دنیای واقعی)، چشم‌انداز سیاسی خود را به برنامه و عمل تبدیل می‌کند. لذا سیاست‌گذاری، کارکرد اصلی هر دولت است. به طور کل، سیاست می‌تواند شکل‌های مختلفی به خود بگیرد مانند سیاست‌های غیرمداخله‌ای، تنظیم، تشویق تغییرات داوطلبانه (مانند کمک‌های مالی) و ارائه خدمات عمومی.

۴-۲-۲- تنظیم‌گر

تنظیم مجموعه گوناگونی از ابزارهاست که به واسطه آن دولت نیازمندی‌های شرکت‌ها و مردم را تنظیم می‌کند. کارکردهای تنظیم‌گر بنا به دلایل گوناگونی به وجود آمده‌اند از جمله:

– تعیین حقوق و مسئولیت‌های هر یک از موجودیت‌های جامعه به منظور تحقق اهداف توسعه پایدار

– تنظیم استانداردهای صنعتی

– جمع‌آوری مالیات‌ها و دیگر درآمدها و ...

به منظور درک بهتر کارکردهای تنظیم‌گر، بررسی انواع روش‌های تنظیمی مفید خواهد بود. به صورت کلی انواع تنظیمات عبارت‌اند از:

– فرمان و کنترل^۱: تنظیم دستور و کنترل نوعاً وضع / تحمیل استانداردهای حمایت‌شده توسط مصوبات قانونی است، هرگاه استانداردها سازگار نباشند. بنابراین، قانون به عنوان منع یا اجبار فعالیت‌های معینی به کار می‌رود. استانداردها می‌تواند از طریق قانون‌گذاری یا تنظیم‌کنندگانی که به واسطه فرآیند تنظیم برای تعریف قانون مشروعیت دارند، تنظیم شود.

— خود- تنظیمی^۱: این رویکرد می تواند به عنوان نوعی از نسخه خود انجामी^۲ رویکرد دستور و کنترل تلقی شود. در این باره، اغلب انجمن های تجاری یا کسب و کار تشکیل شده که قوانین عملکرد را ایجاد، کنترل و اجرا می کنند. به عنوان یک قانون، خودتنظیمی اغلب به عنوان یک روش کسب و کار دیده می شود که اقدام انحصاری به منظور جلوگیری از مداخله دولت انجام می دهد. مزایای این رویکرد شامل سطح بالایی تعهد کسب و کارها و ماهیت جامع قوانین تنظیم شده است. به علاوه، این رویکرد منعطف تر از رویکرد دستور و کنترل بوده چراکه به قانون گذاری نیازی ندارد. از سویی دیگر، خودتنظیمی می تواند به صورت یک رویکرد غیردموکراتیک، محدود به بررسی دقیق بیرونی و در معرض سوءاستفاده توسط کسانی که با اهداف مختلف قوانین را تنظیم می کنند، دیده شود. در کمترین سطح، خودتنظیمی همواره در معرض چالش های منتج شده از علاقه های بیرونی کسانی که فکر می کنند استانداردها و قوانین به سمت کاهش تأثیر فعالیت های غیرمطلوب تنظیم نشده است، قرار دارد.

— تنظیم مبتنی بر تشویق^۳: یک تشویق، سیاست، قانون، مکانیسم قیمت، یا رویه ای است که به دنبال تعدیل رفتار افراد یا شرکت ها به واسطه تغییر در هزینه ها یا سودهای حاشیه ای مرتبط با تصمیم یا فعالیت خاص است. از یک سو، می توان گفت که تمامی تنظیمات بر مبنای تشویق است چراکه تنظیم از طریق مفهوم پایه جریمه برای رفتارهای "بد" و پاداش برای رفتارهای "خوب" عمل می کند. تنظیم مبتنی بر تشویق سعی دارد به منظور کاهش هزینه ها و بهبود خدمات، برنامه سودمند با سودهای زیاد را پاداش دهد. هدف عمده این است که تنظیم شده فعالیت های غیرمطلوب خود را از طریق تحمیل / وضع مالیات و کمک های مالی محدود یا متوقف کند. برای به کارگیری این رویکرد، گام های اصلی شامل انتخاب واحدهای اندازه گیری، تعیین خط مبنا، انتخاب اهداف برای بهبود و/ یا نگهداری و سپس اجرای تشویق ها و جریمه ها است. یکی از انواع تنظیمات مبتنی بر تشویق، تنظیم مبتنی بر عملکرد^۴

1. self-regulation

2. do-it-yourself

3. incentive-based regulation

4. Performance-based regulation

(PBR) است که تشویق‌ها ملزم به بهبود در عملکرد مطلوب، کاهش قیمت و بهبود در کیفیت خدمات است. به علاوه، PBR بیشتر به استانداردهای عملکرد خارجی متکی است و کمتر به فعالیت‌های خاص شرکت حساس است. مزایای PBR این است که به بهبود در بهره‌برداری شرکت‌ها، کاهش هزینه‌های نگهداری و عملیات و بهبود در پایایی سیستم کمک می‌کند. طرح تنبیه و تشویق به صورت مکانیکی عمل می‌کند. بنابراین کاهش در حوزه صلاح‌دید تنظیمی، در مقابل امکان تسخیر در فرآیند تنظیم را کاهش می‌دهد. به علاوه این رویکرد، انعطاف‌پذیری در تصمیم‌گیری شرکت، که آیا از قانون تبعیت کند یا جریمه بپردازد، را فراهم می‌کند. اگرچه به عنوان یکی از معایب این روش، می‌توان به ایجاد قوانین بسیار پیچیده و غیرمنعطف که واقعیت‌های بازار در آن لحاظ نشده است. از مفروضات اصلی این رویکرد، عقلانیت اقتصادی است که لزوماً در همه موارد یافت نمی‌شود. همچنین، گاهی اوقات پیش‌بینی تأثیر این نوع رویکرد مشکل است. به عنوان مثال، رفتار "بد"، مانند آلودگی— اگر که قوانین به طور صحیح تنظیم نشده باشند— می‌تواند پاداش بگیرد.

۴-۲-۳- تسهیل‌گر

سازمان‌های محلی یا بین‌المللی هستند که معمولاً توسط دولت سرمایه‌گذاری می‌شوند و هدف آن توسعه و بهبود بازار خدمات است. یک تسهیل‌گر، تأمین‌کنندگان خدمات را از طریق انجام فعالیت‌های خدماتی جدید، ارتقای تجارب مفید و ایجاد ظرفیت حمایت می‌کند. کارکردهای دیگر یک تسهیل‌گر شامل ارزیابی خارجی تأثیر تأمین‌کنندگان خدمات، تضمین خدمات و حمایت برای محیط سیاسی بهتر است. عمل تسهیل، کارکردی است که به طور معمول توسط سازمان‌های توسعه‌گرا انجام شده و می‌تواند شامل سازمان‌های غیردولتی و کارفرمایان و عامل‌های دولتی باشد. علاوه بر موارد مذکور در حوزه وقف و امور خیریه فراهم آوردن اطلاعات پایه‌ای از مجموعه خیریه‌ها و یا انجام خدمات مشاوره‌ای برای مؤسسات خیریه نیز می‌تواند به عنوان کارکردهای تسهیل‌کنندگان در نظر گرفت.

۴-۲-۴- ارائه‌دهنده خدمات

تأمین‌کننده خدمات آموزشی و پژوهشی شامل دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و مؤسساتی هستند که در زمینه آموزش و پژوهش در حوزه وقف و امور خیریه فعالیت می‌کنند. ضمناً مؤسسات خیریه‌ای که وظیفه جمع‌آوری کمک‌های مردمی و صرف این کمک‌ها در میان افراد هدف را دارند نیز به عنوان ارائه‌کنندگان خدمات شناخته می‌شوند [۳۱].

با توجه به ادبیاتی که درباره انواع کنشگران فعال مطرح شده است، بازیگران فعال در کشور الجزایر در دو حوزه وقف و امور خیریه، و مساجد و اماکن و فعالیت‌های مذهبی ایفای نقش می‌نمایند.

۱. وزارت شئون دینی و اوقاف

وزارت شئون دینی و اوقاف یکی از قدیمی‌ترین وزارتخانه‌ها است که بلافاصله پس از استقلال تشکیل شده است. از جمله اهداف اصلی این وزارتخانه، گسترش وقف می‌باشد که از طریق شش مرحله زیر به تصویب رسیده است:

- ارتقا روش‌های مدیریت مالی و اداری
- تعیین ارزش اجاره املاک وقفی
- حصر و ذخیره املاک وقفی
- جستجوی املاک وقفی
- حل و فصل قانونی دارایی‌های وقفی
- سرمایه‌گذاری وقفی

۲. اداره شئون دینی

یک اداره عمومی الجزایری تحت سرپرستی و نظارت وزارت شئون دینی و اوقاف است که مکلف به اداره مساجد در الجزایر است. این اداره همچنین مسئولیت نظارت بر مساجد و امور دینی ایالت‌ها را برعهده دارد. بودجه این اداره از طریق دولت تأمین می‌شود.

۳. وزارت امور داخلی و گروه‌های محلی

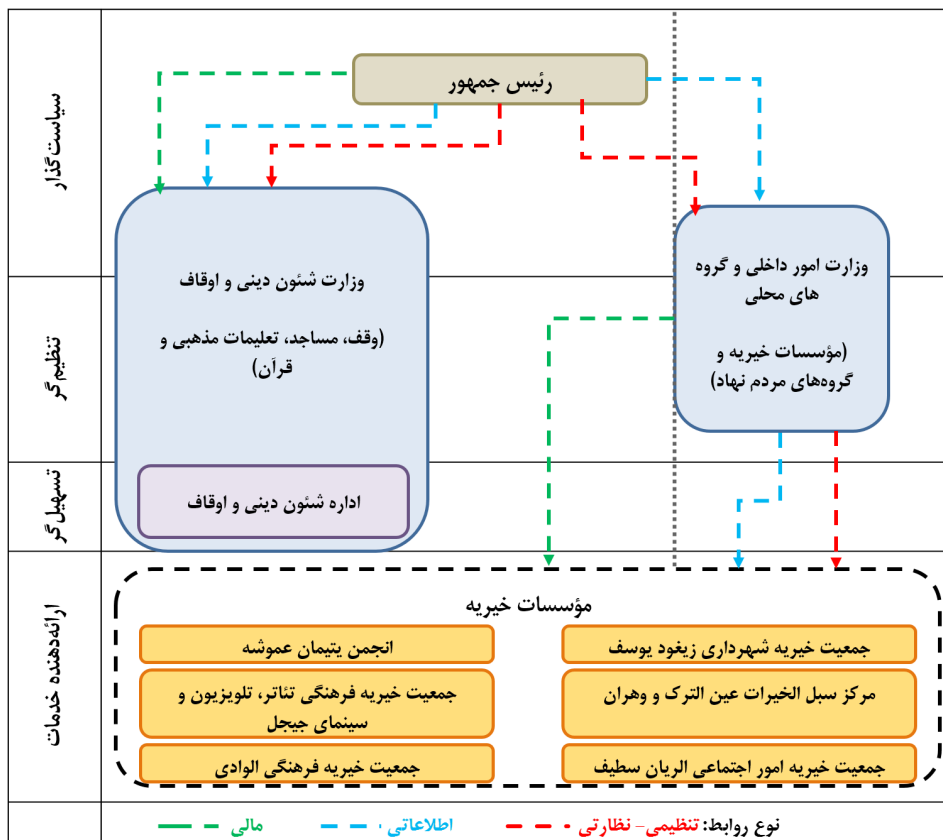
وزارت امور داخلی مسئول دادن مجوز به مؤسسات مختلف از جمله خیریه‌ها و گروه‌های مختلف دیگر برای فعالیت و نظارت بر آن‌ها است.

۴. نهادهای ارائه دهنده خدمات

نهادهای ارائه دهنده خدمات در دو حوزه مذکور شامل جمعیت خیریه شهرداری زیغود، انجمن یتیمان عموشه، مرکز سبل الخیرات عین التبرک و وهران، جمعیت خیریه فرهنگی تئاتر، تلویزیون و سینمای جیجل، جمعیت خیریه امور اجتماعی الریان، و جمعیت خیریه فرهنگی الوادی می‌باشند.

۴-۳- نگاهت نهادی نظام مدیریت وقف و امور خیریه

همانطور که در بخش پیشین اشاره شد، نهادهای مختلفی با نقش‌های متفاوت در سه بخش وقف و امور خیریه، مساجد و اماکن متبرکه، قرآن و فعالیت‌های مذهبی در کشور الجزایر فعالیت می‌نمایند؛ در این بخش، ابتدا نگاهت نهادی مربوط به این کنشگران در شکل (۴-۱) نشان داده شده است و سپس نهادهای سیاست‌گذار، تنظیم‌گر، تسهیل‌گر و ارائه دهنده خدمات در موضوعات مختلف در سه بخش وقف و امور خیریه، مساجد و اماکن متبرکه، قرآن و فعالیت‌های مذهبی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.



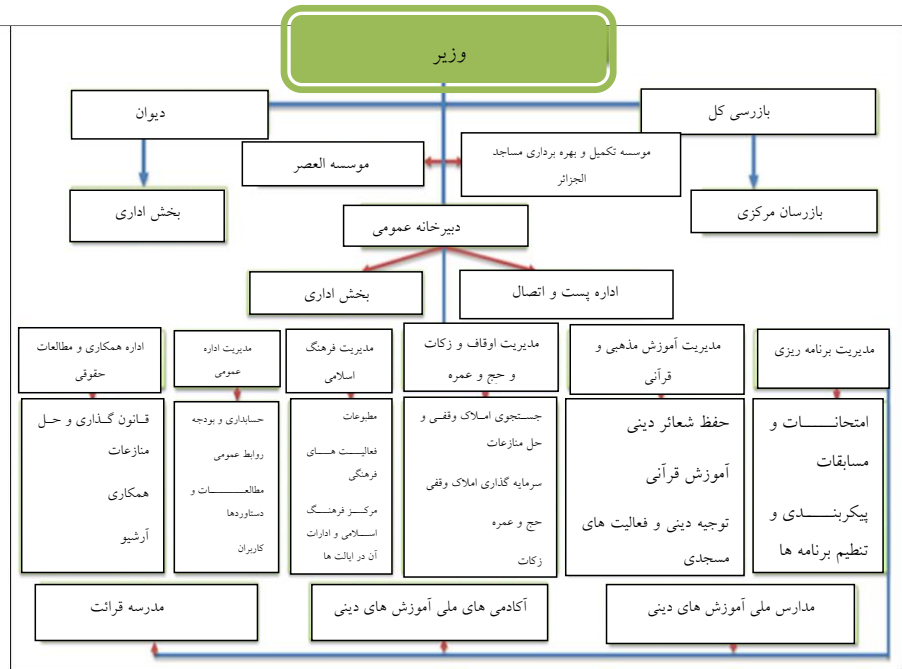
شکل ۴-۱: نگاشت نهادی نظام مدیریت وقف و امور خیریه، قرآن و مساجد در کشور الجزایر

۴-۳-۱- وزارت شئون دینی و اوقاف

وزارت شئون دینی و اوقاف یکی از قدیمی‌ترین وزارتخانه‌ها است که بلافاصله پس از استقلال تشکیل شده است. تشکیلات مختلفی در این وزارتخانه در سه بخش: موضوعات وقفی، فرهنگ اسلامی و ارشاد دینی ایجاد شده است که بخش ارشاد دینی زیرمجموعه‌های دیگری از فعالیت‌ها را پوشش می‌دهد که عبارت‌اند از: آموزش قرآن و مراقبت و محافظت از میراث.

۴-۳-۱- ساختار سازمانی وزارت شئون دینی و اوقاف

شکل ۴-۲ ساختار سازمانی این وزارتخانه را نشان می‌دهد: (۱۱)



شکل ۴-۲: ساختار سازمانی وزارت شئون دینی و اوقاف

۴-۳-۱-۲- فعالیت های وزارتخانه

الف) تلاش های وزارتخانه برای گسترش وقف

صرف نظر از ایجاد پایه و اساس قانونی که توسط وزارت شئون دینی و اوقاف برای مقابله با مسیراثتبه و وضعیت شکننده ای که اوقاف با آن مواجه بود که عبارت بود از جهات اداری، دارایی و مالی، وزارت اهداف پایین را به منظور ایجاد یک پایه محکم برای توسعه مدیریت مالی و اداری اوقاف نوشته است:

براین اساس تلاش این وزارتخانه برای گسترش وقف از طریق چند مرحله به تصویب رسید که به مواردی اشاره می‌کنیم:

۱. ارتقای روش های مدیریت مالی و اداری

وزارتخانه برای رسیدن به این اهداف از طریق آماده سازی یادداشت ها و دستورالعمل ها در زمینه مدیریت مالی و اداری عمل کرده است که به طور خاص عبارت اند از:

- آماده سازی فایل هایی برای دارایی های وقفی و یکپارچه کردن اسناد اداری خاص هر دارایی (منشور دارایی وقفی و سند دارایی وقفی)
- مراحل اداری اجاره و تمام مسائل مربوط به آن (اجاره نامه، روش ارزیابی اجاره، اصلاح و تغییر آن)
- تنظیم و ثبت موقعیت مالی از طریق گزارش های مالی سه گانه

۲. تعیین ارزش اجاره املاک وقفی

وزارتخانه تلاش هایی را برای تطبیق قیمت های اجاره املاک وقفی با قیمت های بازار شروع کرده و در ابتدا به سراغ مغازه ها و زمین های کشاورزی رفته است. همچنین اعمالی درباره خوابگاه های وقفی انجام داده است که تمرکز بیشتر بر عقد قرارداد با مستأجران بوده است که غالباً از افراد مذهبی هستند، افزایش اجاره بها با رضایت طرفین و پرداخت باقی مانده اجاره توسط مستأجران بوده است.

۳. حصر و ذخیره املاک وقفی

وزارتخانه آن کار را بیشتر برای مساجد و مدارس قرآنی از طریق ایجاد سند و شناسنامه های ملی برای این املاک انجام داده است.

۴. جستجوی املاک وقفی

وزارت تمرکز جدیدی را بر فرآیند جستجوی املاک وقفی ای معطوف کرده است که مدت زیادی از کشف و بازیابی آن ها می گذرد؛ حل و فصل مسائل مربوط به بسیاری از آن ها را آغاز کرده است زیرا حجم املاک وقفی بسیار بیشتر از املاک شناخته شده کنونی است؛ و در این راه وزارتخانه مبنا را اعتماد بر حرف خبرگان املاک و مستغلات اخذ شده و هماهنگی با منافع وزارت امور مالی (املاک دولت و حفاظت از املاک و مستغلات

و نقشه برداری زمینی) و همکاری با بانک توسعه اسلامی قرار داده اند.

۵. حل و فصل قانونی دارایی های وقفی

حل و فصل قانونی دارایی های وقفی مرحله بسیار مهمی است زیرا قبل از فرایند سرمایه گذاری وقف انجام می گردد و بدون اخذ قراردادها و اوراق قرضه رسمی زمین وقف امکان پذیر نیست؛ پایه این حل و فصل قانونی بر مبنای هماهنگی با وزارت مالی و برخی از وزارتخانه های مربوط قرار گرفته است.

۶. سرمایه گذاری وقفی

عملیات سرمایه گذاری وقفی بعد از اتمام مراحل پیشین و شناسایی دارایی های وقفی و جستجو و بازگرداندن آن ها و تسویه وضعیت قانونی شان توسط اسنادهای رسمی شروع می گردد و در این راستا برای تعدیل قانون وقف شماره ۱۰/۹۱، قانون شماره ۰۷/۰۱ سال ۱۴۲۲ تصویب شده که موجب باز کردن راه برای توسعه و سرمایه گذاری اموال وقف حتی به صورت تأمین مالی توسط حساب موقوفات (به ویژه پس از افزایش درآمد موقوفات) و یا تأمین مالی با تبدیل وجوه به سرمایه گذاری مولد با استفاده از روش های مدرن و جدید می گردد.

و در این راستا وزارتخانه کارهای زیر را انجام داده است:

- پروژه ساخت یک مرکز خرید و یک مرکز فرهنگی
- این پروژه توسط یک سرمایه گذار خصوصی در زمین وقف تأمین مالی می شود و شامل مرکز با ۴۰ اتاق - مرکز تجاری - مرکز فرهنگی اسلامی - پارکینگ است و نرخ بازگشت سود آن ۹۰ درصد است.
- ساخت ۴۲ محل تجاری در ایالت تیارت
- این پروژه شامل بهره برداری از املاک و مستغلات در محیط شهری در تمام ایالات و به نفع جوانان آن ایالت ها است که توسط صندوق وقف تأمین می شود.
- پروژه های سرمایه گذاری در منطقه سید یحیی در ایالت الجزائر:
- شامل احداث مراکز تجاری و اداری در زمین های وقفی از طرف سرمایه گذاران خصوصی با امتیازهای ویژه در مقابل مبالغ سرمایه گذاری شده است.

- پروژه سرمایه‌گذاری در حی الکرام ایالت الجزائر:
- عبارت است از یک مدل سرمایه‌گذاری وقف با توجه به امکانات و خدمات اجتماعی که شامل موارد زیر است:
- مسجد، ۱۵۰ خانه، ۱۷۰ مغازه، یک کلینیک درمانی، هتل، بانک، یتیم‌خانه و افزایش فضای سبز.
- این فعالیت‌ها بر طبق دستورات رییس جمهور از علاقه ایشان به نقش مؤسسات اوقاف در توسعه اجتماعی و اقتصادی ناشی می‌شود.
- پروژه ایجاد شرکت تاکسی وقفی:
- که شامل اجرای آن به مدت ۸ ماه با ۳۰ اتومبیل می‌باشد که به منظور مطالعه و اجرای آن در ایالت‌های دیگر اتفاق افتاده است. (۹)

ب) تلاش در ارتقای خدمت عمومی

- وزارت شئون دینی و اوقاف در ارتقای خدمت عمومی تلاش می‌کند. وزیر شئون دینی و اوقاف، دکتر محمد عیسی، دستور به صدور گواهی گرویدن به اسلام بلافاصله پس از انجام اعمال آن در مراکز این وزارتخانه داد که این عمل در جهت ساده‌سازی مراحل اداری در تلاش دولت برای ارتقای خدمات عمومی و تلاش وزارتخانه‌ها برای رسیدن به یک بهبود کیفی در سازمان خود و سیر اداری‌شان انجام می‌گردد. (۱۲)
- به منظور بهبود عملکرد وزارتخانه و مطالعه و بهبود نگرانی‌های عمومی و اجرای پیشنهادهای رئیس جمهور، اقداماتی باید صورت گیرد که عبارت‌اند از:
۱. هر کارمندی موظف به رعایت آن‌ها و بازنشر آن‌ها برای دیگران است.
 ۲. تلاش همه‌جانبه به صورت مرکزی و محلی برای توسعه و ارتقای کار بخش و بهبود عملکرد آن.
 ۳. ادامه کار در جهت تقویت و تحکیم مرجعیت دینی ملی برای حفظ اتحاد و استقرار جامعه.
 ۴. تلاش برای ایجاد شبکه ملی مساجد در حین تلاش برای تقویت مسجد جامع الجزایر که افتخار این کشور و رمزا استقلال آن و به نوعی قطب اصلی مساجد است.

۵. بررسی سیستم آموزش قرآن و افزایش تلاش‌ها در کارهای مدارس قرآنی و مذهبی و کار براساس اصول مشخص شده.
۶. گسترش و بررسی سیستم برنامه‌ریزی برای اطمینان از عملکرد مؤثر و مطلوب آن.
۷. نوسازی و نهادینه کردن اوقاف در حمایت از توسعه ملی و تلاش‌های دولت در همبستگی اجتماعی.
۸. تعمیق هویت تاریخی و مذهبی برای جوانان.
۹. تکمیل موارد قانونی وزارتخانه.
۱۰. پیگیری عملکرد بخش از طریق وسایل نوین ارتباطی.
۱۱. تقویت عوامل خانواده مسجد شامل امامان جماعت و عوامل مذهبی در جهت حفظ ثبات جامعه و تقویت امنیت فکری برای جلوگیری از انحرافات اخلاقی و فکری (۱۳).

ج) توافقنامه بین وزارت شئون دینی و اوقاف و وزارت توسعه شهری، گردشگری و صنایع دستی

همچنین توافقنامه‌ای بین وزارت شئون دینی و اوقاف و وزارت توسعه شهری،

گردشگری و صنایع دستی امضا شده است که اهداف آن عبارت‌اند از:

– توسعه گردشگری مذهبی و ارتقای آن

– احیای اماکن مذهبی و بناهای تاریخی و مکان‌های معنوی، زیارتگاه‌ها و معرفی

آن‌ها و محافظت از آن‌ها

– گسترش فرهنگ توجه به مکان‌های مذهبی و بناهای تاریخی به خصوص مساجد و

زیارتگاه‌ها و ایجاد فضای مناسب برای بازدیدکنندگان و به‌روزرسانی و توانمندسازی

کیفیت خدمات

– توسعه صنایع دستی و فروش آن‌ها در مکان‌های مذهبی و بناهای تاریخی و ترویج و

ارزش‌گذاری این‌گونه فعالیت‌ها

– تشویق سرمایه‌گذاری در زمینه گردشگری و صنعت سنتی صنایع دستی و اطمینان از

استفاده بهینه آن

- تشکیل منابع انسانی در زمینه گردشگری مذهبی و صنایع سنتی و صنایع دستی مربوطه و حصول اطمینان از به روزرسانی آن
- تقویت و حفظ معماری غرب اسلامی و لباس های سنتی (۱۴)



شکل ۴-۳: امضای توافقنامه بین وزارت شئون دینی و اوقاف و وزارت توسعه شهری، گردشگری و صنایع دستی

د) توافقنامه بین وزارت شئون دینی و اوقاف و وزارت بهداشت، جمعیت و اصلاح بیمارستان ها

همچنین توافقنامه ای در زمینه بهداشت بین وزارت شئون دینی و اوقاف و وزارت بهداشت، جمعیت و اصلاح بیمارستان ها امضاگردید. که زمینه های زیر را شامل می شود:

۱. زمینه کمک مالی

- ارتقای عمل اهدای خون و اهدای عضو و بافت ها و سلول های انسانی
- فعال کردن فعالیت های اهدای مربوطه به طور کلی

۲. زمینه پیشگیری از بیماری ها

- اتخاذ تدابیر مشترک برای اقدامات پیشگیرانه از بیماری های واگیردار
- هماهنگی و تلاش در زمینه پیشگیری از بیماری های قابل انتقال و غیر قابل انتقال

۳. زمینه حفاظت از مادر و کودک

- ارتقای همکاری برای ایمنی مادران
- پشتیبانی از تمام تلاش ها برای مراقبت از کودکان

۴. زمینه ایجاد عملکرد پزشکی و انسانی

- کاربر روی تحکیم ارزش های معنوی برای دستیابی به عملکرد پزشکی مؤثر
- ایجاد شرایط مطلوب برای تجسم مفاهیم انسانیت در عملکرد پزشکی
- بالا بردن سطح آگاهی معنوی در پزشکی

۵. زمینه بهبود بهره‌وری منابع انسانی

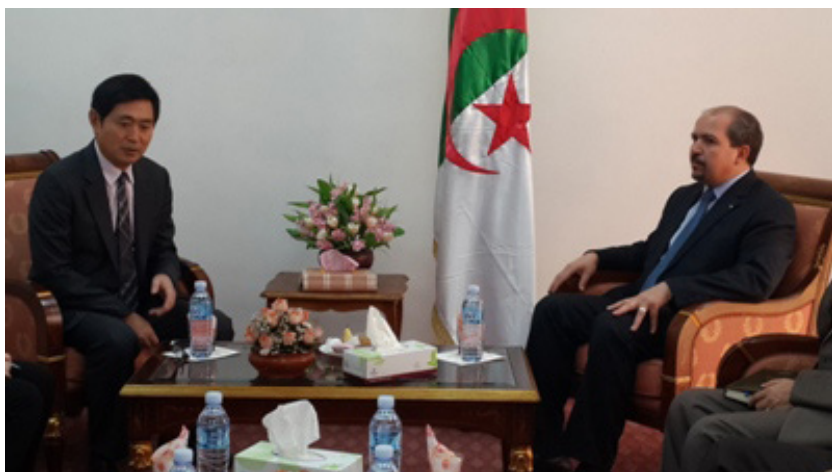
- توسعه کیفیت منابع انسانی
- برگزاری دوره‌های آموزشی برای بهبود و افزایش سطح شایستگی به طور مشترک (۱۵)



شکل ۴-۴: امضای توافقنامه در زمینه بهداشت بین وزارت شئون دینی و اوقاف و وزارت بهداشت، جمعیت و اصلاح بیمارستان‌ها

ن) پروژه به اتمام رساندن مسجد جامع الجزایر

وزیر شئون دینی و اوقاف از شرکت در پروژه به اتمام رساندن مسجد جامع الجزایر استقبال کرد. ایشان در جلسه‌ای با شرکت آلمانی مربوطه برای پیدا کردن مکانیسم‌های جدید جهت حصول اطمینان از تضمین‌های گرفته شده به تبادل نظر پرداخت. وزیر نامه‌ای را برای شرکت آلمانی ارسال کرده است که حاوی مشکلات ثبت شده در نظارت و مکانیسم پیگیری و پردازش پروژه است و آمادگی کامل خود را برای رفع کمبودها به منظور ایجاد انگیزه‌ای جدید برای به پایان رساندن اعلام کرده است. (۱۶)



شکل ۴-۵: دیدار وزیر شئون دینی و اوقاف با پیمانکار آلمانی اتمام مسجد الجزایر

همچنین در چارچوب برنامه‌های فرهنگی وزارتخانه برای دانش آموزان مدارس قرآنی با هماهنگی وزارت ورزش و جوانان اردوهای تابستانی برگزار می‌گردد. (۱۷)

۴-۳-۱-۳- انجمن‌ها، همایش‌ها و مسابقات برگزار شده توسط این وزارتخانه
انجمن‌ها، همایش‌ها و مسابقاتی که توسط این وزارتخانه تشکیل یا برگزار می‌شوند
عبارت‌اند از:

- انجمن مالکی
- مسابقه بین‌المللی احیای میراث اسلامی
- هفته ملی قرآن کریم
- جایزه بین‌المللی حفظ قرآن کریم
- سمینار پیرامون عظمت قرآن کریم به ترتیب سوره‌ها و آیات



شکل ۴-۶: لوگوی مسابقه بین المللی احیای میراث اسلامی



شکل ۴-۷: لوگوی هفته ملی قرآن کریم



شکل ۴-۸: لوگوی جایزه بین المللی حفظ قران کریم

۴-۳-۱-۴- خدمات سایت وزارتخانه

این وزارتخانه همچنین در سایت خود در بخش تعلیم دینی قسمت های مختلفی دارد که عبارت اند از:

– بانک فتوا

– اطلاعات مربوط به نماز جمعه و خطبه‌های آن

– آموزش‌های قرآنی و برنامه‌های درسی مربوطه در سطوح مختلف

– برنامه‌های درسی مربوطه برای استادان قرآنی و نمایندگان اوقاف در سطوح مختلف

– مقالات و درسنامه‌های مختلف (۱۸)

همچنین در سایت این وزارتخانه بخشی به نام صندوق زکات وجود دارد که تمامی موضوعات مربوط به این امر را از تعریف لغوی تا ساختار صندوق زکات و آمارهای آن را پوشش می‌دهد. (۱۹)

در بخش دیگر این سایت با نام منتشرات وزارتخانه، نسخه‌های مختلف مجله‌های این وزارتخانه که به چاپ می‌رسند قرار داده شده است که عبارت‌اند از:

– مجله رسالت مسجد

– مجله فرهنگ اسلامی

– دیگر کتب منتشر شده (۲۰)

۴-۳-۲- اداره شئون دینی و اوقاف

یک اداره عمومی الجزایری تحت سرپرستی و نظارت وزارت شئون دینی و اوقاف است که مکلف به اداره مساجد در الجزایر است. مقر اصلی آن در شهر الجزایر قرار دارد. این اداره بعد از استقلال ملی و طی چند مرحله در ۵ جولای سال ۱۹۶۲ تأسیس شد. روال کار این اداره از سال ۱۹۶۲ به طریق صوفیانه مانند الرحمانیه و التیجانیه بوده است. این اداره مسئول نظارت بر مساجد و امور دینی ایالت‌ها است.

این اداره از سال ۲۰۰۲ نام اداره شئون دینی و اوقاف را به یکد می‌کشد. زیرا این اسم، اسم جدیدی است که بعد از دستور شماره ۲۰۰-۲۰۰۰ تاریخ ۲۶ جولای ۲۰۰۰ که شامل قواعد تنظیم و اداره امور و مصالح دینی و اوقاف در کل ایالت است آمده است.

۴-۳-۱- ساختار اداری اداره شئون دینی و اوقاف

ساختار اداری این اداره شامل ۵ بخش است:

- بخش روابط عمومی
- بخش حل منازعات
- بخش فعالیت‌های فرهنگی و کنفرانس‌ها
- بخش املاک وقفی و مراسمات
- بخش آموزش، هدایت و فرهنگ اسلامی

۴-۳-۲- وظایف اداره شئون دینی و اوقاف

وظیفه مدیران اداره عبارت است از نظارت بر موضوعات انسانی، مادی و مالی در بخش‌های مربوطه و هزینه کردن بودجه در حل این مسائل. این مدیران از طریق فرمان اجرایی و پیشنهاد وزیر شئون دینی و اوقاف منصوب می‌شوند.

کارکنان فنی این اداره عبارت‌اند از:

- مؤذن
- امام جماعت
- خطیب جمعه
- مفتی
- بازرس
- طبیب قرآنی
- مشاور

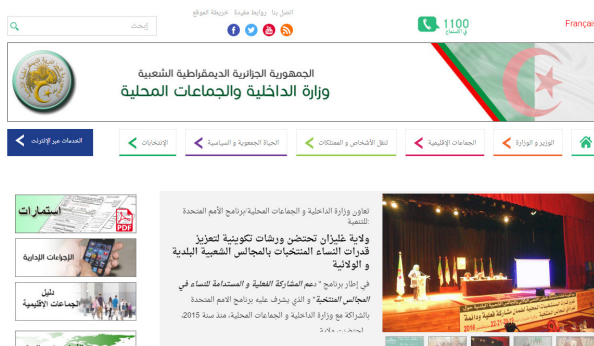
عمده وظایف این اداره عبارت‌اند از:

- مسجد: مدیریت مسجد از چند حیث حفظ و نگهداری آن
- فعالیت‌ها: که علاوه بر فعالیت‌های داخل مسجد، فعالیت‌های دیگر در جهت پرورش روحی، تربیتی، علمی، فرهنگی و اجتماعی را شامل می‌شود.
- فرهنگ: برگزاری نمایشگاه‌ها و سمینارهای مختلف برای احیاء و معرفی فرهنگ و کتب اسلامی
- اطلاع‌رسانی و ارشاد: اجرای وظایف امر به معروف و نهی از منکر و همبستگی‌های اجتماعی

- فعالیتهای اجتماعی: که عبارت است از اصلاح روابط انسانها، حمایت جامعه از آفات اجتماعی، عمل زکات و حرکات وقفی
 - انتشارات: نشر روزنامه و مجلاتی که رسالت مسجد را یادآوری و معرفی می کنند.
 - فن معماری: نظارت بر ساخت مساجد و معماری آنها و محراب هایشان و ...
 - تنظیم تقویم دینی
 - برگزاری اذان
 - برگزاری نماز
 - تلاوت قرآن و جلسات آن و توزیع قرآن در مساجد
 - برگزاری نماز جمعه
 - مراسم ایام ماه رمضان
 - صدور فتوا
 - مدیریت قبرستانها، زیبایی، نظافت و مراقبت از آنها
- بودجه این اداره از طریق دولت تأمین می گردد.

۴-۳-۳- وزارت امور داخلی و گروههای محلی

وزارت امور داخلی مسئولیت ارائه مجوز به مؤسسات مختلف از جمله خیریهها و گروههای مختلف دیگر برای فعالیت و نظارت بر آنها را برعهده دارد. شکل ۴-۹ تصویر ابتدایی سایت این مؤسسه را نشان می دهد:



شکل ۴-۹: تصویر ابتدایی سایت وزارت امور داخلی و گروههای محلی

عمده وظایف و فعالیت‌هایی که این وزارتخانه در ارتباط با مؤسسات و گروه‌های مختلف انجام می‌دهد عبارت است از:

- سازماندهی گروه‌های محلی و مؤسسات
- برنامه‌ریزی و کمک به گروه‌های محلی و مؤسسات
- سرمایه‌گذاری در گروه‌های محلی و مؤسسات
- تنظیم و نظارت مالی بر گروه‌های مالی و مؤسسات
- ترغیب جامعه برای مشارکت در این گروه‌های محلی و مؤسسات
- قابلیت جستجوی این مؤسسات و گروه‌ها در سایت این وزارتخانه

۴-۳-۴- جمعیت خیریه شهرداری زیغود یوسف

جمعیت خیریه شهرداری زیغود یوسف با هدف کمک به خانواده‌های نیازمند، زنان بیوه، ایتام و اقشار کم‌درآمد تأسیس شده است.



شکل ۴-۱۰: جمعیت خیریه شهرداری زیغود یوسف

۴-۳-۴-۱- انجمن یتیمان عموشه

یکی دیگر از جمعیت‌های خیریه، انجمن یتیمان عموشه می‌باشد که این انجمن با هدف کمک به زنان بیوه و ایتام تأسیس شده است.



شکل ۴-۱۱: انجمن یتیمان عموشه

۴-۳-۲- مرکز سبیل الخیرات عین الترتک و وهران

مرکز سبیل الخیرات عین الترتک اولین مرکز در سطح ملی است که با هدف کمک به یتیمان، بیوه‌ها، مطلقه‌ها و رفع نیازهای فقرا و فراهم کردن ناهار، دارو، درمان و لباس برای این دسته از افراد در طول سال، تأسیس شده است.



شکل ۴-۱۲: مرکز سبیل الخیرات عین الترتک و وهران

۴-۳-۳- جمعیت خیریه فرهنگی تئاتر، تلویزیون و سینمای جیجل

از دیگر جمعیت‌های خیریه، جمعیت خیریه فرهنگی تئاتر، تلویزیون و سینمای جیجل می‌باشد. این جمعیت در مسائل فرهنگی همچون سینما، تئاتر و تلویزیون

فعالیت می‌کند.



شکل ۴-۱۳: جمعیت خیریه فرهنگی تئاتر، تلویزیون و سینمای جیجل

۴-۳-۴- جمعیت خیریه امور اجتماعی الریان سطیف

این جمعیت آمبولانس رایگان برای حمل و نقل بیماران با تمام تجهیزات لازم در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد. و در سراسر الجزایر فعالیت می‌کند. جمعیت خیریه امور اجتماعی الریان سطیف در سراسر کشور الجزایر فعالیت می‌کند. این جمعیت، آمبولانس رایگان با تمام تجهیزات لازم را در اختیار بیماران و افراد نیازمند قرار می‌دهد.



شکل ۴-۱۴: جمعیت خیریه امور اجتماعی الریان سطیف

۴-۳-۴-۵- جمعیت خیریه فرهنگی الوادی

جمعیت خیریه فرهنگی الوادی با هدف بالا بردن سطح فرهنگی و اجتماعی جوانان منطقه تأسیس شده است. فعالیت‌های این انجمن شامل برگزاری سمینارها، کلاس‌ها، نمایشگاه‌ها و اردوهای مختلف می‌باشد و از این طریق محیط سالمی را برای جوانان منطقه فراهم آورده است. (۲۲)



شکل ۴-۱۵: جمعیت خیریه فرهنگی الوادی

افصل پنجم |

جمع بندی



۵- جمع بندی

الجزایر (به عربی: الجزایر) کشوری است در شمال قاره آفریقا، میان مراکش و تونس. پایتختش الجزیره نام دارد. مردم الجزایر عرب و بربر هستند و دین رسمی شان اسلام و مذهبشان سنی است. مساحت آن ۲,۱۳۸,۱۴۷ کیلومترمربع و در آمار سال ۲۰۱۵ (میلاادی) جمعیت آن ۳۹,۶۷ میلیون نفر بوده است. زبان رسمی الجزایر عربی است ولی به زبان فرانسوی و بربر نیز صحبت می کنند.

در ژوئیه سال ۱۹۶۲ الجزایر پس از ۱۳۲ سال، استقلال خود را اعلام کرد و از استعمار فرانسه رها شد. پیش درآمد این رهایی هشت سال جنگ بود با صدها هزار کشته. سایه این گذشته بر مناسبات فرانسه و الجزایر همچنان سنگینی می کند.

الجزایر تحت تأثیر ناآرامی های سیاسی موسوم به بیداری اسلامی که بخش هایی از خاورمیانه و شمال آفریقا را فراگرفت، واقع نشد و عمدتاً از آن مصون ماند. ناظران معتقدند علت عدم سرایت بیداری اسلامی به الجزایر، تجربه تلخی بود که مردم این کشور از کشتارهای خونین دهه ۱۹۹۰ داشتند.

الجزایر در شمال قاره آفریقا قرار دارد که از سمت شرق به تونس و لیبی از سمت غرب به مراکش و صحرا، از جنوب غربی موریتانی، از سمت شمال به دریای مدیترانه و از سمت جنوب به نیجرو مالی محدود است. مساحت آن حدود ۲,۱۳۸,۱۴۷ کیلومترمربع یعنی تقریباً سه برابر فرانسه و در حدود یک برابر و نیم ایران است. از شهرهای بزرگ الجزایر، الجزیره پایتخت کشور و وهران و قسنطینه و عنابه و باتنه را باید نام برد.

الجزایر دومین کشور بزرگ در آفریقا به لحاظ مساحت است. قسمت اعظم مناطق ساحلی الجزایر کوهستانی است و بنادر طبیعی اندکی دارد. منطقه‌ای که از ساحل شروع می‌شود و تا تل اطلس امتداد می‌یابد، حاصلخیز می‌باشد.

بیشتر مردم الجزایر از دیرباز به کشاورزی می‌پرداختند. در بخش شمالی گندم و جو کاشته می‌شود. غرس میوه و مرکبات در الجزایر روز به روز رونق می‌گیرد. در این کشور صنایع دستی مانند سوزن‌دوزی عربی، فرش‌الجزایری، چرم‌سازی، منبت‌کاری، کاشی‌سازی و غیره رواج دارد. در این کشور سالیانه ۳۰,۰۰۰,۰۰۰ تن آهن ۷۰۵,۰۰۰ تن فسفات ۲۸۰,۰۰۰ تن زغال به دست می‌آید و ذخایر گسترده نفت نیز در جنوب و جنوب شرقی آن وجود دارد.

با وجود آنکه الجزایر دارای معادن بسیار و درآمد بالایی حاصل از فروش گاز طبیعی است، اما فاصله میان قشرهای غنی و فقیر در این کشور زیاد است. وضع صنعت و کشاورزی در الجزایر کساد است و ظرفیت چندانی برای اشتغال ایجاد نمی‌کنند. گردشگری هم برخلاف تونس و مصر، به دلیل محافظه‌کاری و انزوای سیاسی و فرهنگی رژیم هواری بومدین در سال‌های پس از انقلاب ۱۹۶۲، به حاشیه رانده شده و نقشی در اقتصاد این کشور بازی نمی‌کند. بیکاری به ویژه در میان جوانان گسترده است و مشکل گرانی و کمبود مسکن هم از قشر متوسط تا قشرها ضعیف‌تر را تحت فشار قرار داده است. زبان رسمی کشور عربی است و زبان‌های فرانسوی و بربری نیز کاربرد دارند. ۹۹٫۱٪ جمعیت مسلمانان سنی مذهب و ۰٫۶٪ اباضیه هستند و بقیه عمدتاً مسیحی و کلیمی اکثر الجزایری‌ها بربر یا عرب هستند، البته عرب بودن یا بربر بودن بر اساس ملاحظات زبانی یا هویتی مشخص می‌شود؛ اما منشأ و ریشه کلیه الجزایری‌ها اقوام بربری باشند. مسئله عرب - بربر بیشتر جنبه هویتی دارد و نوعی تمایز نژادی، یا قومی به حساب نمی‌آید. اقوام بربر به چندین گروه قومی تقسیم می‌شوند: قبائلی در مناطق کوهستانی شمالی - مرکزی، شاویه در کوهستان‌های اطلس شرقی، مزایبه در دره مزاب و طوارق در جنوب. تعداد اندکی آفریقایی سیاه‌پوست نیز در الجزایر زندگی می‌کنند. الجزایری‌های ترک‌تبار حدود ۰٫۵٪ جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند که عمدتاً در شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند.

به موجب قانون اساسی، حکومت الجزایر بر پایه قوه مجریه و قوه مقننه (مجلس ملی مردمی و مجلس سنا) و قوه قضائیه اداره می شود.

دوره عثمانی یکی از دوره های موفق الجزایر از نظر مولد بودن اوقاف و توسعه زمین های وقفی در سراسر کشور به حساب می آید. اموال وقفی شامل دارایی های مختلف، زمین های کشاورزی، مغازه ها، هتل ها، باغ ها، آسیاب ها و... بود و بازگشت دارایی های وقفی صرف مخارج مطالعه دانش آموزان، پژوهش دانشجویان، حقوق معلمان و کسانی که در مساجد و عبادتگاه ها و مدارس کار می کردند و صرف تعمیر این بناها می شد.

بهترین کمک منابع وقفی عبارت بودند از تعمیر تعدادی از امکانات اجتماعی مانند خیابان ها و جاده ها، چاه ها، کانال های آب و حوزه ی فعالیت های اوقاف گسترش پیدا کرد به کمک به نیازمندان که به صورت های مختلف خیریه و یارانه انجام می شد.

استعمار فرانسه اهتمام جدی به امر اوقاف داشت. دو ماه بعد از آغاز اشغال الجزایر توسط فرانسه در ۸ سپتامبر سال ۱۸۳۰ توسط ژنرال کلوزال تصمیم گرفته شد که املاک حرم های شریف را به املاک دولت الحاق کنند که در بند ۵ معاهده تسلیم الجزایر آمد که از طرف بزرگان دین و علما با آن مخالفت شد؛ و ۳ ماه بعد دوباره ژنرال کلوزال در تاریخ ۷ دسامبر سال ۱۸۳۰ قرار دیگری را برای الحاق اوقاف به صورت تمام و کمال به دارایی های دولت فرانسه تنظیم کرد که قرار بود منافع اوقاف برای توسعه دولت محلی به کار برده شود.

موقوفات در جهت کاهش گسترش استعماری کار می کرد و به همین دلیل فرانسه این امر را کی از موانع توسعه می دانست و به تشویق مردم برای انتقال این دارایی ها به مدت ۱۰۰ سال به فرانسوی ها می پرداخت. یک از فرانسوی ها در همین زمینه گفته است که: وقف و ویژگی های آن یکی از موانعی است که می تواند قبل از ایجاد اصلاحات عمده در الجزایر، اسلحه ی ما را از دستمان بگیرد؛ و به همین دلیل دولت فرانسه خود را قادر به در اختیار گرفتن بخش اعظمی از دارایی های وقف کرد.

بعد از استقلال الجزایر با تصرفات غیرقانونی دارایی های وقفی مواجه شد که باعث آسیب پذیر شدن این دارایی ها و استفاده از آن ها بدون هیچ گونه اجازه قانونی از طرف

اشخاص و گروه‌ها با وجود روشن و واضح بودن حکم شرعی در مورد دارایی‌های وقفی بود.

زیرا دارایی و املاک وقفی قابل تصرف نیستند و املاک دولتی با مفهوم معاصر به حساب نمی‌آیند بلکه ملک تمامی مسلمانان هستند و بردولت نظارت بر آن‌ها، اداره‌ی مناسب، تعمیر و محافظت از آن‌ها و مصرف آن‌ها در راه مورد نظر واقف‌ها و اهداف شرعی اسلامی واجب است. که تفسیر حقوقی از این وضعیت می‌تواند منشأ آن در مفاهیم و نتیجه صدور و استفاده از قانون شماره ۶۲ / ۱۷۵ سال ۱۹۶۲ که توسط فرانسه تصویب شده است باشد؛ که بر اساس آن هریک از دارایی‌ها و زمین‌های خالی جزو املاک و مستغلات و دارایی‌های دولت به شمار می‌روند.

وزارت شئون دینی و اوقاف یکی از قدیمی‌ترین وزارتخانه‌ها است که بلافاصله پس از استقلال تشکیل شده است و تعجبی نیست که در آن ابزار دولت و دستگاه‌های آن در خدمت زندگی معنوی و روحانی هم‌وطنان قرار بگیرد زیرا این مورد مندرج در دستورها، قوانین آن و قوانین تاریخی در منشور اول نوامبر وجود دارد و وزارت شئون دینی و اوقاف اهمیت و سودمندی وجود خود را از این موارد گرفته است.

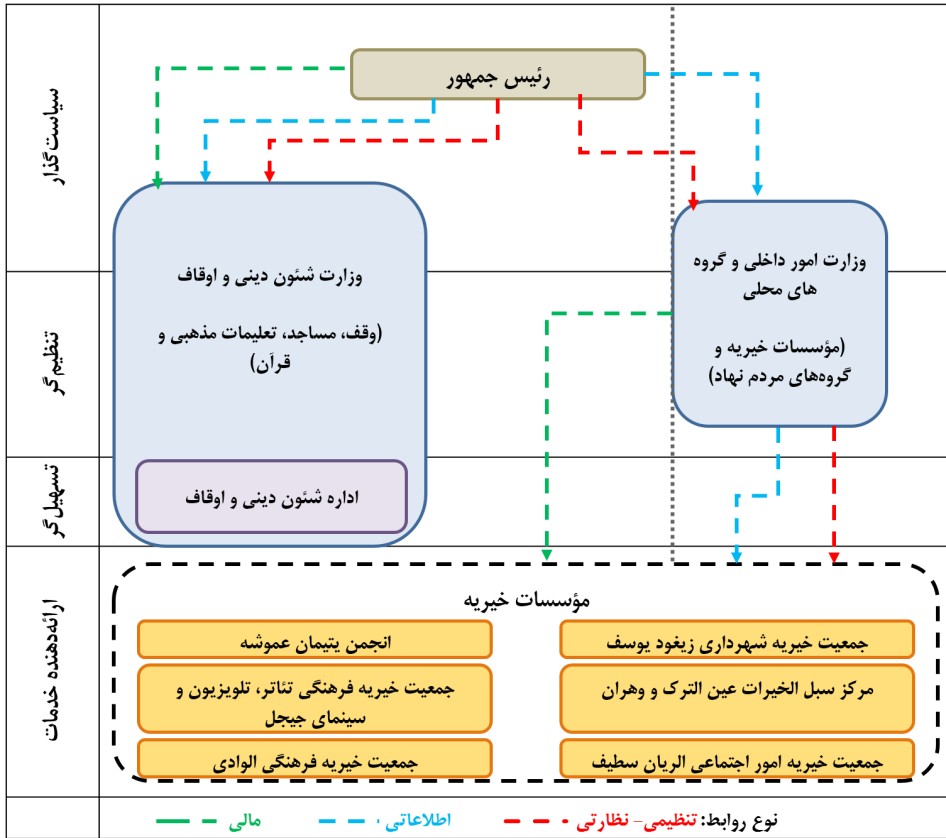
اداره شئون دینی و اوقاف یک اداره عمومی الجزایری تحت سرپرستی و نظارت وزارت شئون دینی و اوقاف است که مکلف به اداره مساجد در الجزایر است. مقر اصلی آن در شهر الجزایر قرار دارد.

این اداره بعد از استقلال ملی و طی چند مرحله در ۵ جولای سال ۱۹۶۲ تأسیس شد. روال کار این اداره از سال ۱۹۶۲ به طریق صوفیانه مانند الرحمانیه و التیجانیه بوده است. این اداره مسئول نظارت بر مساجد و امور دینی ایالت‌ها است.

این اداره از سال ۲۰۰۲ نام اداره شئون دینی و اوقاف را به یدک می‌کشد. زیرا این اسم، اسم جدیدی است که بعد از دستور شماره ۲۰۰-۲۰۰۰ تاریخ ۲۶ جولای ۲۰۰۰ که شامل قواعد تنظیم و اداره امور و مصالح دینی و اوقاف در کل ایالت است آمده است.

وزارت امور داخلی مسئول دادن مجوز به مؤسسات مختلف از جمله خیریه‌ها و گروه‌های مختلف دیگر برای فعالیت و نظارت بر آن‌ها است.

جمعیت‌های خیریه بسیاری در الجزایر فعالیت می‌کنند که در حوزه‌های مختلف به خصوص در حوزه ایتام و فقرا فعالیت می‌کنند.



- [1] <http://alger.mfa.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=26&pageid=4101>
- [2] <https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D984%D8%AC%D8%B2%D8%A7>
- [3] <http://fa.wikishia.net/view/%D8%A7%D984%D8%AC%D8%B2%D8%A7>
- [4] <http://alger.mfa.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=26&pageid=4100>
- [5] <http://www.marw.dz/index.php/201519-28-16-16-02-2010-105/23-20-13-24-03-.html>
- [6] <http://www.marw.dz/index.php/201557-50-15-12-04-2015-1369/23-20-13-24-03-.html>
- [7] <http://www.marw.dz/index.php/201512-28-15-13-04-2015-1371/23-20-13-24-03-.html>
- [8] <http://www.marw.dz/index.php/20152014-1368/23-20-13-24-03-.html>
- [9] <http://www.marw.dz/index.php/201519-28-16-16-02-2010-105/23-20-13-24-03-.html>
- [10] <http://www.marw.dz/index.php/201534-33-12-24-03-2015/30-01-12-24-03-.html>
- [11] <http://www.marw.dz/index.php/201520-34-12-24-03-2015/30-01-12-24-03-.html>
- [12] <http://www.marw.dz/index.php/2015-18-00-21-12-2009-44/22-28-15-31-03-20-48-15-17-09-2014-1279/39-28-00-21-12-2009/24.html>
- [13] <http://www.marw.dz/index.php/%D8%AA%D8%B5%D8%B1%D98%A%D8%AD%.html>
- [14] <http://www.marw.dz/index.php/20151526-/36-49-10-31-03-2015/14-05-08-24-03-%D8%A8%D98%A%D8%A7%.html>
- [15] <http://www.marw.dz/index.php/2015-18-00-21-12-2009-44/22-28-15-31-03-1619-%/39-28-00-21-12-2009/24D8html>
- [16] <http://www.marw.dz/index.php/2015-1206/36-49-10-31-03-2015/14-05-08-24-03-59-43-10-01-07-2014.html>
- [17] <http://www.marw.dz/index.php/201503-59-10-12-04-2015/07-16-13-24-03-.html>
- [18] <http://www.marw.dz/index.php/201507-16-13-24-03-.html>
- [19] <http://www.marw.dz/index.php/201540-19-13-24-03-.html>
- [20] <http://www.marw.dz/index.php/201555-22-13-24-03-.html>
- [21] <https://ar.wikipedia.org/wiki/%D985%D8%AF%D98%A%D8%B1%D98%A%D8%A9>
- [22] <http://annuaire-algeriedz.com/annuaire/ad-category/4-%D8%AC%D985%D8%B9%D98%A%D8%A7%D8%AA-%D988%>
- [23] <http://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.KD>

ZG?end=2015&locations=IR-1W-DZ&start=2000

[24] <http://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.PCAP.CD?locations=IR-1W-DZ>

[25] <http://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.CD?end=2015&locations=IR-DZ&start=2000>

[26] <http://data.worldbank.org/indicator/NY.GNP.PCAP.PP.CD?end=2014&locations=IR-1W-DZ&start=2000&view=chart>

[27] <http://data.worldbank.org/indicator/NY.GNP.MKTP.PP.CD?end=2014&locations=IR-DZ&start=2000&view=chart>

[28] <http://data.worldbank.org/indicator/SP.POP.TOTL?locations=IR-DZ>

[29] Who gives? A literature review of predictors of charitable giving Part One: Religion, education, age and socialization, René Bekkers and Pamala Wiepking, 2011, University of Hong Kong libraries.

[30] http://www.indexmundi.com/algeria/age_structure.html

[31] http://www.sid.ir/fa/VEWSSID/s_pdf/245138904108.pdf

پیوست



بيوستها

مديريت املاك وقف در الجزائر و راههاى توسعه

تسيير الاملاك الوقفية في الجزائر وطرق تنميتها

الملخص

تمثل الأوقاف إحدى أهم الأدوات التنموية التي تساعد في تحقيق التنمية المتوازنة وتحقيق أعلى عائد اقتصادي للمجتمع إذا أحسن تنظيمها وتسييرها. وقد كان المسلمون رواد هذه الصناعة والتي كانت في العصور المتعاقبة من أدوات التنمية التي اعتمدت عليها الدول الإسلامية لتلبية احتياجات المجتمع وجزء من الحضارة الإسلامية المشرقة.

ترمي هذه الدراسة لعرض واقع الأملاك الوقفية في الجزائر، بالتركيز على سبل تسييرها وتنميتها.

الكلمات المفتاحية: الوقف، الأملاك الوقفية، تنمية الوقف، تسيير الوقف

مقدمة

تعتبر مؤسسة الوقف من أهم المؤسسات الاقتصادية والاجتماعية التي ساهمت على مر العصور والأقطار في بناء الحضارة الإنسانية والاجتماعية في المجتمعات الإسلامية، إذ أن المتأمل في تاريخ الأوقاف وما كانت تلعبه من أدوار في الحياة الاقتصادية للمجتمع والدولة الإسلامية، زيادة على دورها في الحياة الدينية والثقافية؛ يجد أنها تشكل ثروة هائلة وموروثا حضاريا متجددا لا يمكن الاستهانة به، فهذا الكم الهائل من

الأراضي والعقارات والمباني والمحلات التجارية والسكنية يمكن أن يشكل موردا أساسيا ذاتيا لتمويل الكثير من المشاريع الاقتصادية والقطاعات الخدمية. وعليه إن الوضعية التي وصلت إليها الأوقاف في الوقت الحاضر يدعو إلى ضرورة إحيائها والتفكير في كيفية الاستفادة منها في دعم التنمية الاقتصادية والاجتماعية وهذا لا يتأتى إلا عن طريق إعادة هذه المؤسسة إلى ساحة الاهتمام والعمل وذلك باستغلالها وتثمين أموالها وإخراجها من حالة الركود وحيز العمل الخيري إلى آفاق تكون فيها أكثر نفعاً وخدمة للصالح العام.

لذا نجد الجزائر منذ بداية التسعينيات اهتمت بهذه الثروة الوقفية الهائلة وذلك بصدور القانون (٩١-١٠) المؤرخ في ١٢ شوال عام ١٤١٠ الموافق ٢٧ أبريل لسنة ١٩٩١ يتعلق بالأوقاف، وهذا بعد ما عانى هذا القطاع من الإهمال والتهميش وغياب الإطار التشريعي لفترة طويلة، كما توج ذلك الاهتمام بضم قطاع الأوقاف إلى صلاحيات وزارة الشؤون الدينية، حيث تم إنشاء مديرية مكلفة بالأوقاف بموجب المرسوم التنفيذي رقم: ٩٤/٤٧٠ في ٢٥/١٢/١٩٩٥م والتي تضم مديرية فرعية مكلفة باستثمار الأموال الوقفية. ولاشك أن الأوقاف في الجزائر على ما هي عليه اليوم لا يمكن أن تقوم بالدور المراد منها في عملية التنمية المنشودة لأن البقية المتبقية منها عاجزة عن تلبية الحاجات العامة المتزايدة، وعليه من الضروري العمل على إنمائها، واستغلالها وتعظيم ريعها، ولكونها في الأصل تعاملًا دينيًا، لذا يتطلب ضبط العمل الوقفي بأحكام الشرع، لأن الاستثمار الوقفي يعتبر من أهم وأدق التصرفات التي تحتاج إلى تأصيل شرعي ومراعاة لحكم الدين والتزاماً بأغراض الوقف وأخذاً في الحسبان مصلحة المستحقين، وشروط الواقفين.

وبناء على ما سبق، تتمحور إشكالية البحث في السؤال الجوهرى التالي: ما هو مضمون تسيير الأملاك الوقفية في الجزائر وكيفية تنظيمها؟

إن هذا التساؤل يؤدي بنا إلى طرح عدد من التساؤلات الفرعية والمتمثلة فيما يلي:

- ماهية الوقف وخصائصه، وما هي مراحل تطوره في الجزائر؟
- ما هي مختلف الأجهزة التي حولها القانون الجزائري لتسيير الأملاك الوقفية؟

— ما هي مختلف الصيغ المعتمدة بغية التوصل إلى استغلالها وتنميتها؟
فرضيات البحث: للإجابة على هذه التساؤلات اعتمدنا في تحليلنا لهذا الموضوع على الفرضيات التالية:

- الوقف هو عمل خيري تبرعي وصدقة جارية يراد بها التقرب إلى الله عزوجل.
 - الاستثمار هو سلسلة من المصروفات والمداخيل انطلاقاً من نفقة ابتدائية تتبع بتكاليف من أجل الحصول على إيرادات مستقبلية.
 - إن الاتجاهات المعاصرة في تطوير الاستثمار الوقفي من صيغ تقليدية وصيغ مستحدثة كفيلة باستغلال أمثل للأموال الوقفية في ترقية الاستثمار.
۲. أسباب اختيار الموضوع:

- على اعتبار أن الجزائر في الآونة الأخيرة بدأت تفكر في استرجاع مكانة الوقف واستغلاله استغلالاً أمثل.
- محاولة إيجاد بديل للأنظمة الاقتصادية العالمية وتوضيح علاقة الاقتصاد بالإسلام.
- إعطاء أهمية أكبر للموضوع من خلال تحسيس القارئ بجوانبه الاقتصادية والاجتماعية والانسانية.
- تصنيف الأملاك الوقفية وتبيان خصوصياتها مقارنة بباقي الأملاك.

۳. أهمية الموضوع:

يمكن القول أن الوقف هو المرأة التي تعكس حجم التضامن بين أفراد المجتمع الإسلامي ومدى مشاركة كل فرد فيه بأعمال الخير والبر، كما يساهم الوقف في ترقية الاستثمار مساهمة فعالة من خلال خلق حركية ناجعة ومستمرة وحيوية أكثر للإقتصاد الوطني.

كما أن الأملاك الوقفية كفيلة بتقليل العبء المالي على الدولة من خلال مداخيلها الخاصة وما يمكن لها أن توفره من مناصب شغل ومكاسب أخرى.

۴. منهج الدراسة:

استناداً إلى الموضوع المدروس ومن أجل الإجابة على التساؤل المطروح اخترنا المنهج الوصفي، فيما يتعلق بالمفاهيم العامة كتعريف الوقف وشروطه وأركانه وأقسامه،

ومنهج تاريخي تطرقنا لاستعراض مراحل تطور الوقف في الجزائر كما عمدنا إلى توضيح مختلف الأجهزة التي تقوم بتسيير الأملاك الوقفية في الجزائر وطرق تنميتها، وعمدنا في خاتمة البحث أن نعطي بعض التوصيات المقترحة من أجل إثراء هذا الموضوع.
صعوبات البحث:

لا يخلو بحث من صعوبة إن جد وعمل الباحث على إثراء موضوعه، فرغم خلو بحثنا من الجانب التطبيقي والذي عادة ما يكون حجر الإعاقة للباحث، إلا أننا حاولنا إعطاء بعد جديد ومفهوم إضافي للوقف من خلاله يمكن التعمق أكثر في موضوع البحث من طرف باحثين آخرين حتى نصل إلى الهدف المتوخى من هذا البحث ألا وهو هيكله وتأثير الأملاك الوقفية وجعلها تساهم في النهوض بالاقتصاد الوطني.
٦. تقسيمات البحث:

قسمنا بحثنا هذا إلى ثلاث محاور، الأول تناولنا فيه تعريف الوقف لغة واصطلاحاً، أنواعه، أركانه وخصائصه، والثاني تناولنا فيه التطور التاريخي للأملاك الوقفية في الجزائر منذ عهد العثماني إلى عهد الاستقلال مروراً بالعهد الاستعماري الفرنسي وما وضعه من قوانين ومراسيم من أجل القضاء على الوقف في الجزائر، الثالث تناولنا فيه مختلف الأجهزة التي خولها القانون الجزائري لتسيير الأملاك الوقفية في الجزائر وطرق استغلالها وتنميتها.

وفي الأخير قدمنا خاتمة هي عبارة عن خلاصة عامة حول الدراسة وأهم النتائج المتوصل إليها وبعض التوصيات والاقتراحات الممكنة.
أولاً: ماهية الوقف وخصائصه:

سنتطرق بدايةً لماهية الوقف وخصائصه على النحو التالي:

١. تعريف الوقف: نذكر فيما يلي تعريف الوقف لغة واصطلاحاً

١١. تعريف الوقف لغة: الوقف بفتح الواو وسكون القاف، مصدر وقف الشيء وأوقفه بمعنى حبسه وأحبسه، وتجمع على أوقف ووقف (١)، وسمي وقفاً لما فيه من حبس المال في سبيل الله على الجهة المعينة.

لذا نقول وقف الأرض على المساكين، أي حبسها وجعلها في باب البر والإحسان.

تعريف الوقف اصطلاحاً: ذكر الفقهاء تعريفات مختلفة للوقف تبعاً لأرائهم في مسأله الجزئية، نذكرها فيما يلي (٢):

أ. تعريف الوقف عند الحنفية: عرف الوقف في المذهب الحنفي على أنه حبس العين على حكم ملك الواقف، والتصدق بالمنفعة على جهة الخير (٣).

يتضح من هذا التعريف أنه لا يلزم زوال الموقوف عن ملك الواقف ويصح له الرجوع عنه، ويجوز بيعه، لأن الأصح عند أبي حنيفة أن الوقف جائز غير لازم.

ب. تعريف الوقف عند الشافعية والحنابلة: عرف الشافعية والحنابلة الوقف على أنه حبس مال يمكن الانتفاع به مع بقاء عينه، بقطع التصرف في رقبته من الواقف وغيره، على مصرف مباح موجود، أو بصرف ريعه على جهة بر وخير تقرباً إلى الله تعالى (٤).

يراعي هذا التعريف مسألة اشتراط استمرار العين الموقوفة، وخروجها من ملكية الواقف، أي أن المال يخرج عن ملك الواقف، ويصير حبساً على حكم ملك الله تعالى، ويمتنع على الواقف تصرفه فيه، ويلزم التبرع بريع على جهة الوقف.

ج. تعريف الوقف عند المالكية: عرف الوقف في المذهب المالكي على أنه جعل المالك منفعة مملوكة، ولو كان مملوكاً بأجرة، أو جعل غلته لمستحق بصيغة مدة ما يراه المحبس مندوب (٥).

يرى المالكية أن المالك يحبس العين عن أي تصرف تملكي، ويتبرع بريعتها لجهة خيرية، تبرعاً لازماً، مع بقاء العين على ملك الواقف، مدة معينة من الزمان، فلا يشترط فيه التأيد (٦)، وبالتالي يراعي هذا التعريف حق التوقيت فيه للواقف وأنه يكون في المنقول والعقار.

يظهر لنا من التعاريف السابقة للوقف أنها كلها جاءت متفقة ومجمعة على حبس المال على جهة خيرية في الحال أو المال، في حين هناك اختلافات جوهرية تمس بأصل المال الموقوف، ومسألة الرجوع عن الوقف، ويمكن توضيح ذلك من خلال الجدول التالي:

من حيث الرجوع عن الوقف	من حيث أصل المال الموقوف (ملكية الواقف)	
لا يجوز الرجوع عن الوقف	يبقى في ملكية الواقف ولا يخرج عنه، مع اشتراط المالكية حيازة الموقوف عليه للمال الموقوف وعدم جواز بقائه في ذمة الواقف إلا إذا كان وليا عنهم.	المالكية
يجوز الرجوع عن الواقف متى شاء باستثناء عدم جواز ذلك في الوقف على المساجد	يبقى في ملكية الواقف ولا يخرج عنه	الحنفية
لا يجوز الرجوع عن الوقف	يخرج عن الواقف، إلا أن الملكية تنتقل إلى الله تعالى (على حكم ملك الله تعالى)	الشافعية
لا يجوز الرجوع عن الوقف	يخرج عن الواقف، تنتقل الملكية إلى ذمة الموقوف عليه	الحنابلة

١٠٣. تعريف الوقف في التشريع الجزائري: لقد عرف المشرع الجزائري الوقف في المادة ٥٣ من قانون ١٥/٩١ المؤرخ في ١٢ شوال ١٤١١هـ الموافق ٢٧ أبريل ١٩٩١م على أنه: «حبس العين عن التملك على وجه التأييد والتصدق بالمنفعة على الفقراء أو على وجه من وجوه البر والخير»

١. أنواع الوقف: لقد أخذ المشرع الجزائري تقسيم الوقف وفق معيار الجهة الموقوف عليها، فقسمه إلى وقف عام ووقف خاص، وهذا واضح من خلال المادة ٥٦ من القانون ١٥/٩١ التي نصت على: «الوقف نوعان عام وخاص...».

٢.١. الوقف العام: تعرف المادة ٥٦ من قانون ١٥/٩١ الوقف العام على أنه: «ما حبس على جهات خيرية من وقت إنشائه، ويخصص ريعه للمساهمة في سبل الخيرات وهو قسمان:

القسم الأول: يحدد فيه مصرف معين لريعه، فلا يصح صرفه على غيره من وجوه الخير إلا إذا أستاذ.

ويقصد بها أن يصرف ريع المال الموقوف إلى الجهة التي حددها الواقف، مع جواز صرف فائض هذا الربيع إلى جهات أخرى استثناء، وهذا وفق إرادة الواقف وشروطه وترخيصه.

القسم الثاني: لا يعرف فيه وجه الخير الذي أراده الواقف فيسمى وقفا عاما غير محدد الجهة، ويصرف ريعه في نشر العلم وتشجيع البحث فيه وفي سبل الخيرات. لم يحدد الواقف في هذا النوع من الوقف الجهة التي يعود إليها ريع هذا الوقف، ففي هذه الحالة يصرف ريع هذا الوقف في مختلف أوجه الخير، وفي مقدمتها تشجيع البحث العلمي.

والمتتبع للأوقاف العامة في التشريع الجزائري يجده تحظى بالحماية القانونية، ويتضح ذلك من خلال المادة ٥٨ من قانون ١٥/٩١ التي تنص على أن الأوقاف العامة مضمونة، كما أن مفهوم الأوقاف العامة هو مفهوم واسع.

٢,٢. الوقف الخاص: تعرف المادة ٥٦ من قانون ١٥/٩١ الوقف الخاص على أنه: «هو ما يحبسه الواقف على عقبه من الذكور والإناث أو على أشخاص معينين ثم يؤول إلى الجهة التي يعينها الواقف بعد انقطاع الموقوف عليهم».

لم يول المشرع الجزائري أهمية كبيرة للوقف الخاص كما أولاه للوقف العام، وهذا راجع لترك إدارته وتنظيمه لإرادة الواقف.

٢,٣. الأوقاف المشتركة: هو ذلك الوقف الذي يجمع فيه الواقف بين الوقف العام والوقف الخاص، وهو ما كان فيه نصيب خيري عام، ونصيب أهلي خاص. لم ينص المشرع الجزائري على هذا النوع من الأوقاف، ويتمثل هذا النوع في أوقاف الزوايا التي يعود ريعها على أشخاص معينين كالقراة والأهل والذرية، وعلى أغرض ذات مصلحة عامة في آن واحد.

٣. خصائص الوقف: لقد امتاز الوقف في النظام الإسلامي بخصائص نالها بانتمائهم إلى شريعة الله سبحانه وتعالى التي اختارها لعباده، وتتمثل هذه الخصائص فيما يلي:

٣,١. الخصائص الشرعية للوقف: تتميز الخصائص الشرعية للوقف في النقاط التالية:

أ. الوقف صدقة جارية: من أبرز خصائص الوقف أن العين الموقوفة يبقى أثرها منتجة للحسنات لصالح الواقف حتى بعد وفاته، وهذا يقتضي أن يتميز الوقف

بالديمومة والاستمرار، ولا يتحقق هذا إلا بالمحافظة عليه وصيانته وتنميته، وذلك بصرف جزء من ريعه على وجوه البر والخير الذي حددها الواقف، وجزء على صيانته وتثميته.

ب. الوقف ذو طابع خيري: نجد من خصائص الوقف أنه مستقل عن أوقفه وعن ذريته وعن الحاكم، فإذا حبس أحدنا مالا أو عقارا في إطار الأوقاف العامة فإن ريعه سوف يعود على وجوه البر والخير.

لذا توجه الأملاك الموقوفة إلى الجهة التي تستحق المنفعة كمساعدة الفقراء والمساكين والتكفل بالمرضى والمعوزين والتشجيع على نشر العلم وبناء المساجد والمؤسسات التعليمية والتربوية لقوله تعالى: «: ليس البر أن تولوا وجوهكم قبل المشرق والمغرب ولكن البر من آمن بالله واليوم الآخر والملائكة والكتاب والنبئين وأتى المال على حبه ذوي القربى واليتامى والمساكين وابن السبيل والسائلين وفي الرقاب وأقام الصلاة وأتى الزكاة والموفون بعهدهم إذا عاهدوا والصابرين في البأساء والضراء وحين البأس أولئك الذين صدقوا وأولئك هم المتقون» سورة البقرة، آية: ١٧٧

ت. الوقف اختياري الإنفاق: ينبع الوقف من إرادة الواقف الحرة المخيرة، لكونه ليس إنفاقا إجباريا بل تطوعيا، فهي ليس كالزكاة يؤديها المسلم قسرا وجبرا.

ث. الوقف يؤديه كل مسلم: ينفرد الوقف بخاصية أن كل مسلم بإمكانه أن يقف شيء مما أنعم الله عليه، وهذا يعكس كرم الواقف وجوده وزهده في الدنيا وإقباله عن فعل الخيرات عن طيب نفس تقربا من الله سبحانه وتعالى، وهذا ليس كالزكاة لا يؤديها المسلم إلا إذا كان لديه مالا وبلغ النصاب.

ج. الوقف لا يقف عند الحدود الإقليمية للبلد: يمكن للواقف أن يقف ماله في أي بلد من البلدان شريطة تحقيق منفعة لأهل ذلك البلد، وهذا عكس الزكاة التي تتميز بخاصية محلية الزكاة.

ح. اتساع وعاء الوقف: إن المتتبع لوعاء الوقف يجده واسعا جدا، فهو يشمل الوقف الأهلي: الذي يوقفه المرء على نفسه وذريته، كما يشمل الوقف الخيري: الذي يوقف على جهات البر والإحسان، كما توجد أوقاف تجمع بينهما، كما يتسع الوقف

ليشمل جميع أنواع ومجالات الخير الدينية والدنيوية من مساجد ومكتبات ومدارس ومعاهد وجامعات ومستشفيات ومقابر ومؤسسات خيرية ومنازل وغيرها.

خ. مرونة الوقف: يتميز الوقف بالمرونة وعدم الجمود، إذ يسمح للواقف إيقاف حسب الضرورة والحاجة الملحة لتلبية حاجيات أفراد المجتمع، مراعيًا في ذلك أحوال المجتمع الاقتصادية والاجتماعية المحيطة به.

د. منفعة الوقف عامة: يشمل منفعة الوقف وريعه جميع أفراد المجتمع، فهو لا يقتصر على المسلم وحده، بل توجد أوقاف عامة تشمل المسلم وغيره، وهذا ما يدل على عناية الإسلام بغير المسلمين من جهة الوقف وأحكامه وتشريعاته، بل نجد من الأوقاف ما شمل الحيوانات أيضًا من بهائم وطيور. وعلى هذا الأساس يعتبر الوقف سبب من أسباب التمكين والعزة للمسلمين، ووسيلة من وسائل تحقيق الاكتفاء الذاتي.

٣،٢. خصائص الوقف في القانون الجزائري: يتميز الوقف وفق القانون الجزائري بخصائص هي:

أ. الوقف عقد شرعي من نوع خاص: لقد نصت المادة ٥٤ من قانون ١٥/٩١ على أن: «الوقف عقد التزام تبرع صادر عن إرادة منفردة».

تنص هذه المادة على أن الوقف هو تصرف تبرعي تطوعي تنتقل بموجبه منفعة المال من الواقف إلى الموقوف عليه على وجه التبرع والتطوع الاختياري دون انتظار مقابل أو عوض، لأن الهدف من الوقف هو التقرب من الله سبحانه وتعالى.

ب. خروج المال الموقوف عن ملكية الواقف: يخرج المال الموقوف عن ملكية الواقف وينتقل إلى حكم ملك الله تعالى، ولا ينتقل إلى الموقوف عليه إلا المنفعة فقط، وهذا ما أكدته المحكمة العليا في قرارها رقم: ١٥٩٩٥٧ المؤرخ في ٣٠/٣/١٩٩٤.

ت. الوقف يتمتع بالشخصية المعنوية: تنص المادة ٥٥ من قانون ١٥/٩١ على أن: «الوقف ليس ملكًا للأشخاص الطبيعيين ولا الاعتباريين ويتمتع بالشخصية المعنوية، وتسهر الدولة على احترام إرادة الواقف وتنفيذها».

نستخلص من هذه المادة أن الوقف مستقل عن شخصية منشئه، وبالتالي فإن

المشرع يعترف بالشخصية المعنوية للوقف وهذا يمنحه استقلالية وذمة مالية تجعله مدينا بكل مستحقاته والتي لا تسقط بزوال الهيئات القائمة عليه ولا بالتقدم.

ث. الوقف معفى من رسوم التسجيل: تنص المادة ٢٤ من قانون ١٠/٩١ على أنه: «تعفى الأملاك الوقفية العامة من رسوم التسجيل والضرائب والرسوم الأخرى لكونها عمل من أعمال البر والخير».

نلاحظ من خلال هذه المادة أن المشرع الجزائري أعفى الوقف العام من الرسوم دون الوقف الخاص، وكأني به يشجع الواقفين على وقف أموالهم في أوجه الخير العامة ليستفيد منها معظم أفراد المجتمع.

ج. الوقف يتمتع بالحماية القانونية: يمتلك الوقف العام أهمية ومكانة خاصة وذلك نظرا لطبيعته الدينية والتعبدية والذي يحتل مكانة مهمة في مجتمعنا الإسلامي تكاد تعلو فيها عن الأملاك العامة وهو ما جعل المشرع الجزائري يولييه أهمية خاصة من خلال حمايته بنصوص قانونية.

فلقد نصت المادة ٥٢ من التعديل الدستوري لسنة ١٩٩٦ على أن «الأملاك الوقفية وأملاك الجمعيات الخيرية معترف بها ويحمي القانون تخصيصها» وهي مادة تعتبر سقفا للحماية القانونية للأملاك الوقفية وترك المؤسس الدستوري أمر تفصيل تلك الحماية للقواعد القانونية.

وتبرز معالم حماية المشرع الجزائري للأملاك الوقفية فيما يلي:

— الأملاك الوقفية غير قابلة للتصرف فيها: مادام الوقف يتمتع بالشخصية المعنوية و بذمة مالية مستقلة فهي عناصر كفيلة بأن تجعله خارجا عن الملكيات الخاصة مما يعني عدم إمكانية التصرف فيه، وهذا ما أقره المشرع الجزائري من خلال المادة ٢٣ من قانون ١٠/٩١ التي تنص على: «لا يجوز التصرف في أصل الملك الوقفي المنتفع به، بأية صفة من صفات التصرف سواء بالبيع أو الهبة أو التنازل أو غيرها».

— الأملاك الوقفية غير قابلة للحجز: وهو عنصر مقترن بالعنصر الأول إذ أن المتعارف قانونا أن الأملاك التي يمكن الحجز عليها هي تلك التي يصح التصرف فيها وهو ما لا يتوفر في الأملاك الوقفية وما يعاب على النص القانوني انه أغفل النص صراحة على

- عدم قابلية الأملاك الوقفية للحجز عليها رغم إمكانية استنتاج ذلك ضمنا.
- الأملاك الوقفية لا تكتسب بالتقادم: لقد أغفل المشرع الجزائري في المادة ۰۳ من المرسوم ۸۳-۳۵۲ المؤرخ في ۲۱ مايو ۱۹۸۳ المتضمن إجراءات إثبات التقادم المكسب وإعداد عقد الشهرة المتضمن الاعتراف بالملكية أن يستثني صراحة الأملاك الوقفية من الأملاك الجائز تملكها بالتقادم المكسب، غير أنه وبالرجوع إلى الشريعة الإسلامية نجد أن الفقهاء أقروا بأن الأوقاف من حقوق الله تعالى والتي لا تسقط بالحيازة ولو طالت عليها المدة كما أن دعوى ديون الوقف لا تسقط بتقادم الزمن وهو ما يراه جمهور الفقهاء لذلك وجب القول بضرورة النص على عدم إمكان تملك الملك الوقفي بالتقادم.
 - الوقف العام غير قابل للنزع ولا للتخصيص: تنص المادة ۲۴ من قانون ۱۰/۹۱ على أنه: «لا يجوز أن تعوض عين موقوفة أو يستبدل بها ملك آخر إلا في الحالات الآتية:
 - حالة تعرضه للضياع أو الأندثار.
 - حالة فقدان منفعة الملك الوقفي مع عدم إمكان إصلاحه.
 - حالة ضرورة عامة كتوسيع مسجد أو مقبرة أو طريق عام في حدود ما تسمح به الشريعة الإسلامية.
 - حالة انعدام المنفعة في العقار الموقوف وانتفاء إتيانه بنفع قط، شريطة تعويضه بعقار يكون مماثلاً أو أفضل منه.
 - تثبت الحالات المبينة أعلاه بقرار من السلطة الوصية بعد المعاينة والخبرة.
 - الوقف العام غير قابل للتغيير: تنص المادة ۲۵ من قانون ۱۰/۹۱ على أنه: «كل تغيير يحدث بناء كان أو غرساً، يلحق بالعين الموقوفة ويبقى الوقف قائماً شرعاً مهما كان نوع ذلك التغيير، وتسوى الحالات المخالفة لأحكام هذه المادة عن طريق التراضي بين المعنيين والسلطة المكلفة بالأوقاف طبقاً لأحكام هذا القانون مع مراعاة أحكام المادة ۰۲»

وهذا يعني أن الوقف لا يتغير طابعه الوقفي رغم ما يمكن أن يطاله من تغيير مادي فإنه يبقى دائماً وقفاً.

ثانيا: التطور التاريخي للأموال الوقفية في الجزائر

تسبق الجزائريون منذ الفتح الإسلامي لشمال إفريقيا على يد الفاتح عقبة بن نافع الفهري جيلا بعد جيل لأعمال الخير بدءاً ببناء المساجد ثم يحبسون لها العقارات لتأمين خدماتها العلمية والدراسية فضلاً عما يخصص لمرافق المساجد وصيانتها وما ينفق على الفقراء والمساكين وأبناء السبيل، ثم توسع الوقف ليشمل الأراضي والبساتين والمحلات وشتى الأملاك مما كان يدر عائدات معتبرة توجه لتمويل مساحة هامة من النشاط الاجتماعي والثقافي والعلمي إضافة إلى دورها البارز في تمتين شبكة التضامن والتكافل الاجتماعي (٧).

لقد مر الوقف في الجزائر بعدة مراحل نذكرها فيما يلي:

١. الوقف في الجزائر في العهد العثماني

تميزت الفترة العثمانية (٨) بالجزائر بتكاثر الأوقاف وانتشارها في مختلف أنحاء البلاد منذ أواخر القرن ١٥م وحتى مستهل القرن ١٩م. ففي هذه الفترة اتسع الوعاء الاقتصادي للأوقاف حيث أصبح يشتمل على الأملاك العقارية والأراضي الزراعية، إضافة إلى العديد من الدكاكين والفنادق وأفران الخبز والعيون والسواقي والصحاريح، هذا بالإضافة إلى الكثير من المزارع والبساتين والحدائق المحبوسة، حيث اشتهرت كثير من المدن بكثرة أوقافه.

ولقد توزعت الأوقاف في الجزائر في العهد العثماني على عدة مؤسسات خيرية ذات طابع ديني وشخصية قانونية، ووضع لها جهاز إداري خاص، وهذا بيان بأهم المؤسسات التي كانت تنظم العمل الوقفي في الجزائر في العهد العثماني:

١٧١. مؤسسة الحرمين الشريفين: تعد مؤسسة الحرمين الشريفين من أقدم المؤسسات الوقفية فهي تعود إلى ما قبل العهد العثماني، حيث جعلها المجتمع الجزائري في طليعة المؤسسات الخيرية (٩) لما لها من مكانة خاصة في نفوسهم، فأوقفوا عليها الكثير من ممتلكاتهم (١٥) التي تؤول منافعها إلى فقراء مكة والمدينة (١١)، كما تقدم الإعانات لأهالي الحرمين الشريفين المقيمين بالجزائر أو المارين بها (١٢).

جدول یبیین عدد الأملاك الوقفية التابعة لمؤسسة الحرمين الشريفین حسب
تقارير مختلفة

تقرير ۱۸۳۷/۰۹/۰۱	رسالة موجهة إلى المدير المالي "بلوندال"	تقرير مصلحة الدومان بالجزائر "جيراردان"	تقرير لوحة المؤسسات الفرنسية بالجزائر	مذكرة "دوفو"	تقرير "جانتی دو بوسی"	
۱۴۱۴ ملكا	۱۲۳۰ ملكا	۱۴۰۰ ملكا	۱۴۱۹ ملكا	۱۵۵۸ ملكا	۱۳۷۳ ملكا	الأملاك الوقفية لمؤسسة الحرمین الشریفین

۱،۲ . مؤسسة أوقاف سبل الخيرات: تعتبر هذه المؤسسة من أقدم المؤسسات الوقفية الخيرية التي يرجع تأسيسها إلى شعبان خوجة التركي سنة ۱۵۹۰م، كما تميزت هذه المؤسسة بكثرة أوقافها المتمثلة في إصلاح الطرقات ومد قنوات الري وإعانة المنكوبين وذوي العاهات وتشديد المساجد والمعاهد العلمية وشراء الكتب ووقفها على طلبة العلم وأهله، كما كانت مكلفة بإدارة وصيانة أملاك ثمانية مساجد أهمها «الجامع الجديد»، ويعود الفضل في ذلك إلى الطوائف التركية والكراغلة المنتسبين إلى المذهب الحنفي.

كما تتجلى أهمية هذه المؤسسة في وفرة مداخيلها، حيث كانت تبلغ مائة وخمسين ألف فرنك سنويا(۱۳)، والتي كانت مصدرها استغلال الأملاك الموقوفة عن طريق الكراء والتأجير(۱۴).

۱،۳ . مؤسسة أوقاف الأندلسيين: لما تعرض المسلمين من أهل الأندلس إلى الاضطهاد والتقتيل ونهب أموالهم، لجؤوا إلى أرض الجزائر التي احتضنتهم بصدور رحب، فقاموا حين ذاك بتأسيس عدة مؤسسات خيرية ليتضامنوا فيما بينهم من جهة، ولدعم فقرائهم من جهة أخرى.

لذا ترجع أولى تأسيس هذه المؤسسة حسب المؤرخ الفرنسي ديفوكس Devoulx « إلى سنة ۹۸۰هـ/ ۱۵۷۲م، فقد كان أغنياء الجالية الأندلسية يوقفون الأملاك على إخوانهم الفاريين من جحيم الأندلسيين إلى سواحل مدن المغرب العربي، وقد تعززت مؤسسة أوقاف الأندلسيين بتأسيس مركب ثقافي وتعليمي وديني سمي بزاوية الأندلسيين، ثم تكاثرت مشاريعهم الخيرية حتى بلغت بالفرنك الذهبي ۴۰۸۰۷۲ في سنة ۱۸۳۷(۱۵).

١,٤. مؤسسة أوقاف الجامع الكبير (الجامع الأعظم) وباقي مساجد المذهب المالكي: تحتل مؤسسة أوقاف الجامع الكبير الرتبة الثانية بعد أوقاف الحرمين الشريفين، لما يلعبه هذا الوقف من أهمية بالغة في الحياة الاجتماعية والثقافية والدينية (١٦)، ولقد قدر أوقاف الجامع الكبير بمدينة الجزائر بحوالي ١٥٧ وقفا، تحتوي على المنازل والحوانيت والضيعات وغيرها (١٧)، تحقق مداخيل سنوية بلغت سنة ١٨٣٧ حوالي ١٢٠٠٠ فرنك، التي تصرف عوائدها على الأئمة والمدرسين والمؤذنين والقيمين إضافة إلى أعمال الصيانة وسير الخدمات (١٨).

١,٥. أوقاف مؤسسة بيت المال: تعتبر مؤسسة بيت المال (١٩) من التقاليد العريقة للإدارة الإسلامية بالجزائر التي تدعمت في العهد العثماني وأصبحت تتولى إعانة أبناء السبيل واليتامى والفقراء، كما تهتم بشؤون الخراج وشراء العتاد، وتشرف على إقامة المرافق العامة من طرق وجسور وتشيد أماكن العبادة، كما تتولى تصفية التركات وتحافظ على ثروات الغائبين وأملاكهم، كما تقوم ببعض الأعمال الخيرية مثل دفن الموتى من الفقراء وأبناء السبيل ومنح الصدقات للمحتاجين (٢٠)، أما مصدر أموال هذه المؤسسة فتتمثل في الأملاك والتركات التي لا مالك لها.

١,٦. أوقاف الزوايا والأولياء والأشراف: أوقف الأشراف (٢١) أملاكاً كثيرة ينفق ريعها على الزاوية التابعة لهم، وفي تسديد تكاليف المؤسسات التعليمية، كما كانت تقدم لها الهدايا والهبات وتحبس عليها الأملاك فتكونت بذلك لكل منها ملكية، وأشهر هذه المؤسسات تلك التي ترجع إلى ضريح سيدي عبد الرحمان الثعالبي والتي بلغت أوقافها ٧٢ عقارا، وقدرت مداخيلها بحوالي ٦٠٠٠ فرنك فرنسي سنة ١٩٣٧ (٢٢).

١,٧. أوقاف المرافق العامة: الطرق والعيون والسواقي: لقد أوقف أفراد المجتمع عدة أملاك داخل مدينة الجزائر وخارجها للإنفاق على المرافق العامة كالطرق والسواقي والأقنية، وكل هذه المرافق كانت تحظى بالاعتناء من قبل وكلاء يعرفون بأمناء الطرق والعيون والسواقي (٢٣).

٢. الوقف في الجزائر خلال الاحتلال الفرنسي

قام المستعمر الفرنسي منذ الوهلة الأولى لاحتلاله أرض الجزائر بالإستلاء على الأملاك

الوقفية وهدم معالمها لأنها تتعارض مع مبادئ السياسة الاستعمارية التي يقوم عليها الإستيطان الاستعماري الفرنسي في الجزائر، رغم أنه جاء في البند الخامس من معاهدة ٥ جويلية ١٨٣٥ الخاصة بتسليم مدينة الجزائر، المحافظة على أموال الأوقاف، وعدم التعرض إليها بسوء من طرف فرنسا، ولكن الإدارة الفرنسية من خلال مراسيمها وقراراتها المتتالية، عملت عكس ما اتفق عليه، حيث قامت بتصفية مؤسسات الأوقاف حتى يسهل على الأوربيين امتلاكها، ويمكن إيضاح ذلك من خلال جملة من القرارات والمراسيم التي نفذتها، ونذكر منها ما يلي:

٢٠١. قرار «دي برمون» في ٨ سبتمبر ١٨٣٥: لقد أصدره أونشاف وجاء فيه: «للسلطات العسكرية الفرنسية الحق في الاستحواذ على أملاك موظفي الإدارة التركية السابقة وبعض الأعيان من الكراغلة والحضر بالإضافة إلى بعض الأوقاف التابعة لمؤسسة أوقاف الحرمين».

قضى هذا القرار بمصادرة الأوقاف الإسلامية والاستيلاء عليها، وفي اليوم التالي أصدر قرار آخر يمنح فيه «دي برمون» لنفسه حق وصلاحيه التسيير والتصرف في الأملاك الدينية بالتأجير، وتوزيع ريعها على المستحقين، مرتكزا في هذا على قوله بحق الحكومة الفرنسية في إدارة الأوقاف بحلولها محل الحكومة الجزائرية في تسيير شؤون البلاد، ومن المعلوم أن هذه العملية تمت لحساب الحكومة الفرنسية التي نهبت ممتلكات الأوقاف وصرفتها في غير موضعها.

٢٠٢. قرار ٧ ديسمبر ١٨٣٥: أصدره الحاكم كلوزيل وجاء فيه: «كل المنازل والمتاجر والدكاكين والبساتين والمحلات والمؤسسات مهما كان نوعها والمشغولة من طرف الدايات والبايات والأتراك الذين خرجوا من الجزائر أو التي كانت مسيرة لحسابهم، وكذلك تلك التي كانت موجهة للحرمين الشريفين تضم إلى أملاك الدومين العام».

وعليه يقضي هذا القرار بفسخ أحباس مؤسسة الحرمين الشريفين بدعوى أن مداخيلها تنفق على الأجانب، كما تضمن القرار انتزاع أوقاف الجامع الكبير، ونصت مادته السادسة على تعريم كل من لا يدللي بما عنده من أحباس، وبهذا يهدف هذا القرار إلى تمكين المعمرين الأوربيين من تملكهم للأملاك الوقفية دون قيد أو شرط.

٢,٣. قرار ٣١ أكتوبر ١٨٣٨: أصبح المستعمر الفرنسي يتحكم بجميع الأوقاف مع صدور هذا القرار، وعند صدور المنشور الملكي المؤرخ في ٢٤ أوت ١٨٣٩ قسم المستعمر الأملاك إلى أملاك الدولة: وهي تخص كل العقارات المحولة، التي توجه للمصلحة العمومية عن طريق قرارات تشريعية، وكان من ضمنها الأوقاف، والأملاك المستعمرة، والأملاك المحتجزة.

٢,٤. قرار ٢٣ مارس ١٨٤٣: لقد جاء في تقرير وزير الحربية الفرنسي المؤرخ في ٢٣ مارس ١٨٤٣ « أن مصاريف ومداخل المؤسسات الدينية تضم إلى ميزانية الحكومة الفرنسية» (٢٤).

٢,٥. قرار ١٠ أكتوبر ١٨٤٤: ينص هذا قرار على أن الوقف لم يعد يتمتع بالحصانة، وأصبح يخضع لأحكام المعاملات المتعلقة بالأملاك العقارية، الأمر الذي سمح للأوروبيين بالاستيلاء على كثير من أراضي الوقفية التي كانت تشكل ٥٠٪ من الأراضي الزراعية وبذلك تناقصت الأوقاف وقلت مواردها، فلم تعد تتجاوز ٢٩٣ وقفا منها ١٢٥ منزلا و ٣٩ دكانا و ٣ أفران و ١٩ بستانا و ١٠٧ عناء عام ١٨٤٣ م، وكانت قبل الاحتلال ٥٥٠ وقفا (٢٥).

٢,٦. قرار ٣ أكتوبر ١٨٤٨: ينص هذا القرار على إخضاع أملاك الدولة التابعة للمؤسسات الدينية المتبقية، والتي لا تزال تحت إدارة الوكلاء، وما يلحقها من المباني لمساجد المرابطين والزوايا للإدارة الفرنسية نهائيا.

٢,٧. قرار ٣٠ أكتوبر ١٨٥٨: وسع هذا القرار صلاحيات القرار السابق في ١٦ جوان ١٨٥١، حيث أخضع الأوقاف لقوانين الملكية العقارية المطبقة في فرنسا وسمح بامتلاك الأوقاف وتوريثها، وهذا ما فتح الباب للمعمرين وحتى اليهود على مصراعيه لتملك العقارات الموقوفة.

٢,٨. قانون ٢٦ جويلية ١٨٧٣: قام بتصفية الأملاك الوقفية وفرنستها، وتم بموجبه إلغاء كل القوانين والأعراف الجزائرية التي كانت تسود المعاملات في الجزائر، وبذلك قضت على كل المؤسسات الدينية لصالح التوسع الاستيطاني الأوربي في الجزائر والقضاء على المقومات الاقتصادية والأسس الاجتماعية للشعب الجزائري (٢٦).

۳. الوقف في الجزائر في عهد الاستقلال

لقد طمس المستعمر الفرنسي كل معالم الأوقاف في الجزائر (۲۷)، لذا عمل المشرع الجزائري غداة الاستقلال إلى التفكير في تنظيمها وضبط التشريعات اللازمة لتسييرها وفق نظام قانوني وإداري يستجيب لطبيعة هذه الممتلكات ويتجاوب مع الأهداف التي أنشأت من أجلها (۲۸)، فوضعت مجموعة من القوانين بغية ضمان السير الحسن لعمل إدارة الأوقاف في الجزائر (۲۹)، ويمكن تتبع أوضاع الأملاك الوقفية في الجزائر من خلال فترتين هما (۳۰):

الفترة الأولى: منذ الاستقلال إلى غاية ۱۹۹۰: نظرا لغياب الحماية القانونية للأوقاف بعد الاستقلال أدى بالعديد من أفراد المجتمع الإستلاء عليها وإدعاء ملكيتها، كما اعتبرت المؤسسات العمومية الأملاك الوقفية ملكا عموميا على أساس أنها أملاكا شاغرة وذلك بموجب قرارات وتعليمات وزارية، إلا أن المشرع الجزائري لم يبقى ساكتا أمام هذه التصرفات المرفوضة، فقد قام بوضع قوانين ومراسيم لحماية واسترجاع هذه الأملاك الوقفية نذكر منها:

أ. سنة ۱۹۶۳: اقتصرت إدارة الأوقاف على المستوى الوطني في هذه السنة في شكل مديرية فرعية لدى وزارة الشؤون الدينية غير أن الإهمال والتهميش وغياب سياسة وطنية للتكفل بالأوقاف أدى إلى اندثار نظام الوقف وتغييب ثقافته في المجتمع الجزائري.

ب. مرسوم رقم ۶۴/ ۲۸۳: يعتبر أول قانون في مجال الأوقاف في الجزائر، وتضمن هذا المرسوم ۱۱ مادة، حاول المشرع من خلاله تنظيم الأملاك الوقفية، حيث عمد المشرع من خلال مواده إلى بيان أنواع الوقف، وتعداد الأوقاف العامة، كما اشترط أن يكون الوقف يخدم الصالح العام وغيرها من المواد.

ت. سنة ۱۹۶۵: أصبحت الأوقاف سنة ۱۹۶۵م تحت إشراف مفتشية رئيسية للأوقاف المرتبطة مباشرة بالكتابة العامة بالوزارة، وأما تسييرها فتكفلت به المديرية الفرعية للأموال الوقفية التابعة لمديرية الشؤون الدينية.

ث. سنة ۱۹۶۸: لقد إزداد وضع إدارة الأوقاف سوء سنة ۱۹۶۸ حين تقلصت هيكله

الأوقاف لتصبح مسيرة من قبل مديرية فرعية تابعة لمديرية الشؤون الدينية.

ج. قانون ٠٨ نوفمبر ١٩٧١: مما زاد من تدهور أوضاع الأملاك الوقفية هو صدور قانون الثورة الزراعية بموجب الأمر ٧٣/٧١ المؤرخ في ٠٨ نوفمبر ١٩٧١ والذي تم بموجبه تأميم الكثير من الأوقاف بإدخالها في صندوق الثورة الزراعية، رغم أنه استثنى من ذلك الأوقاف غير المستغلة.

ح. الأمر رقم ٧٤/٢٦: لقد استمر تدهور وضعية الأملاك الوقفية بإلحاق العديد منها إلى البلديات بموجب هذا الأمر المتضمن الإحتياطات العقارية للبلديات واستغلالها في إنجاز العديد من المؤسسات والمرافق العمومية والبعض منها بيعت للخواص وأنجزت عليها بنايات فوضوية.

بالإضافة إلى قانون التنازل عن أملاك الدولة الذي لم يستثنى الأملاك الوقفية من عملية البيع خاصة منها السكنات والمحلات التجارية التابعة لها.

خ. قانون ٠٩ جوان ١٩٨٤: لقد استمرت الوضعية المزرية إلى غاية صدور الأمر رقم ٨٤/١١ المؤرخ في ٠٩ جوان ١٩٨٤ المتضمن قانون الأسرة، والذي سعى المشرع من خلاله إلى تنظيم إدارة الأوقاف، حيث نظم الوقف في الفصل الثالث من الكتاب الرابع تحت عنوان التبرعات من المادة ٢١٣ إلى المادة ٢٢٠.

لم يتعرض قانون الأسرة في حقيقة الأمر إلى الكثير من المسائل التفصيلية مثل تسيير الوقف وطرق استغلاله، واكتفى فقط بوضع القواعد العامة.

د. سنة ١٩٨٩: لقد أقر صدور دستور ٢٣ فيفري ١٩٨٩ حماية الأملاك الوقفية و عدلت التسمية إلى «مديرية الأوقاف والشعائر الدينية»، حيث كان نصيب الأوقاف منها مديرية فرعية للأوقاف كانت تقوم بمهمة التسيير الإداري والمالي للأوقاف عبر ٤٨ ولاية.

الفترة الثانية: ما بعد ١٩٩٠: بصدور دستور ١٩٨٩ تم تكريس الأعراف الوقفية وحمايتها وذلك من خلال المادة ٤٩ من الدستور، كما دعم المشرع الجزائري وضعية الأوقاف بصدور قوانين أخرى نذكر منها:

أ. قانون ١٨ نوفمبر ١٩٩٠: لقد تعززت وضعية الأوقاف بصدور قانون رقم ٢٥/٩٠ المؤرخ في ١٨ نوفمبر ١٩٩٠ المتضمن التوجيه العقاري، والذي أعاد الاعتبار للملكية العقارية

بما فيها الوقفية، والذي فتح المجال لاسترجاع المستحقين الأصليين لأرضيهم المؤممة في إطار الثورة الزراعية.

ب. قانون الأوقاف ۱۰/ ۹۱: يعد بداية عهد جديد ونقطة انطلاق جادة لقطاع الأوقاف في الجزائر، حيث بعد صدور المرسوم التنفيذي ۴۹۰/ ۹۴ المؤرخ في ۲۱ رجب ۱۴۱۵ والمتضمن تنظيم الإدارة المركزية لوزارة الشؤون الدينية، فاستقلت بذلك الأوقاف لتصبح مديرية قائمة بذاتها، وهذا راجع لتزايد الاهتمام الرسمي والتوسع في النشاطات الوقفية من خلال عملية استرجاع الأملاك الوقفية المؤممة والبحث عن الأملاك الوقفية المندثرة والمستولى عليها من طرف الأفراد والمؤسسات.

لذا لقد أحاط هذا القانون الوقف بالكثير من المسائل التفصيلية، وقد تضمن ۵۰ مادة مقسمة إلى سبعة فصول (أحكام عامة، أركان الوقف وشروطه، اشتراطات الواقف، التصرف في الوقف، مبطلات الوقف، ناظر الوقف، أحكام مختلفة).

ت. قرار ۰۲ مارس ۱۹۹۹: تم إنشاء الصندوق المركزي للأوقاف بناء على قرار وزاري مشترك بين وزارة المالية ووزارة الشؤون الدينية ويحمل رقم ۳۱ وهو مؤرخ في ۲ مارس ۱۹۹۹م، إلا أن الموارد والإيرادات المحصلة تصب في الحساب المركزي للأوقاف،، وهذا بعد خصم النفقات المرخص بها.

ث. قرار ۲۲ مايو ۲۰۰۱: لقد أدخل المشرع الجزائري على قانون ۱۰/ ۹۱ تعديلات بتاريخ ۲۲ مايو ۲۰۰۱ بموجب القانون ۰۷/ ۰۱ المعدل والمتمم الذي مس تعديله بعض جوانب الوقف.

ج. قرار ۱۴ ديسمبر ۲۰۰۲: لقد تم تعديل القانون السابق بموجب القانون ۰۲/ ۱۰ المؤرخ في ۱۴ ديسمبر ۲۰۰۲ والذي أصبح بموجبه الوقف الخاص يخضع للأحكام التشريعية والتنظيمية المعمول بها.

وبفضل تطبيق هذه القوانين فقد استرجعت وزارة الأوقاف العديد من الأملاك الوقفية ويمكن تلخيصها في الجدول التالي:

جدول یبیین الأملاك الوقفية لسنة ٢٠١٥

نوع الوقف	المحلات التجارية	المساجد	مرشات	حمامات	سكنات	أراضي	بساتين	مكاتب إدارية	منيع مائي معدني
العدد	١٤١٧	١٣٥٥٢	٣٤٩	١٢	٣٥٧٤	١٣٠٧	١٤٨	٠٤	٠١

ثالثا: أجهزة تسيير الأملاك الوقفية في الجزائر وطرق تنميته

١. أجهزة تسيير الأملاك الوقفية في الجزائر: سيرت الأوقاف ولفترة طويلة تسيرا ذاتيا، إذ يشرف عليها شخص معين إما من طرف الواقف أو بموجب حكم قضائي، إلا أنها نظرا لأهميتها ودورها الفعال فقد وضع المشرع الجزائري الإطار القانوني التنظيمي لإدارتها والإشراف عليها.

١.١. التسيير المباشر-ناظر الوقف: خولت المادة ١٢ من المرسوم التنفيذي ٣٨١/٩٨ المؤرخ في ١٢/٠١/١٩٩٨ الحق في إدارة الأملاك الوقفية والإشراف عليها شخص يسمى ناظر الوقف، والتي نصت على: تسند رعاية التسيير المباشر للملك الوقفي إلى ناظر الملك الوقفي في إطار أحكام القانون رقم ١٠/٩١ المؤرخ في ٢٧/٠٤/١٩٩١. ويجب أن تتوفر شروطا في ناظر الوقف حددتها المادة ١٧ من المرسوم التنفيذي ٣٨١/٩٨ وهي:

أ. الإسلام: يعتبر الوقف من أرقى خصائص الشريعة الإسلامية فمن البديهي أن يتولى الملك الوقفي مسلما ولا يجوز توليه غير المسلم لقوله تعالى: «ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا».

ب. الجنسية: اشترط المشرع في ناظر الملك الوقفي أن يكون حاملا للجنسية الجزائرية.

ت. بلوغ سن الرشد: لا يوجد اختلاف بين الشرع والقانون بتصريح نص المادة ١٦ و١٧ من المرسوم ٣٨١/٩٨.

ث. سلامة العقل والبدن: يشترط في الناظر سلامة العقل ونعني بها القدرة التامة على حسن التصرف والتي عبر عنها فقهاء الشريعة الإسلامية بالكفاية اللازمة، كما يشترط فيه سلامة البدن من كل عاهة كالصم والبكم والعمى أو أية عاهة أخرى تحول

دون توليه الملك الوقفي على أكمل وجه وبالشكل اللازم.

ج. العدل والأمانة: حرص المشرع الجزائري على هذا الشرط من خلال المادة ۱۶ من المرسوم ۳۸۱/۹۸ ما يؤكد مدى وجوب توافر صفة العدل والأمانة في ناظر الوقف.

ح. الكفاءة والقدرة على حسن التصرف: وهذا يعني أن يكون ناظر الوقف على دراية تامة بشؤون الملك الوقفي، وفي هذا المجال أنشئت معاهد إسلامية متخصصة بموجب المرسوم ۱۰۲/۸۱ المؤرخ في ۲۳/۰۵/۱۹۸۱ المعدل والمتمم بموجب المرسوم التنفيذي ۰۳/۰۲ المؤرخ ۰۳/۰۹/۲۰۰۲ المتضمن إنشاء المعاهد الإسلامية لتكوين الإطارات الدينية(۳۱).

كما يمكن حصر مهام ناظر الوقف كما نصت عليها المادة ۱۳ من القانون ۳۸۱/۹۸ في النقاط التالية:

- السهر على سلامة الملك الوقفي وصيانتة وترميمه.
 - البحث عن الأملاك الوقفية وتوثيقها إداريا.
 - الحرص على إنجاز المشاريع اللازمة وكل أعمال الاستصلاح والتشجير.
- ۱،۲ التسيير المركزي للأملاك الوقفية في الجزائر: في إطار تسيير الوقف على الصعيد المركزي، فقد أحدث المشرع أجهزة مركزية تتجسد في وزارة الشؤون الدينية والأوقاف الممثلة في شخص وزيرها المكلف بالأوقاف وكذا اللجنة الوطنية للأوقاف.
- على هذا الأساس استحدث المشرع الجزائري هياكل جديدة وكلفها بمهام محددة بموجب المرسوم التنفيذي رقم ۱۴۶/۲۰۰۰ المؤرخ في ۲۸/۰۶/۲۰۰۰ تتمثل في وزارة الشؤون الدينية والأوقاف التي كانت في ما مضى تسمى وزارة الأوقاف وقبلها سميت وزارة التعليم الأصلي والشؤون الدينية.

وتتكون وزارة الشؤون الدينية والأوقاف من عدة أجهزة هي:

أ. الأمانة العامة: يشرف عليها الأمين العام بمساعدة مديران للدراسات ويلحق به مكتب البريد والاتصال.

ب. الديوان: يرأسه رئيس الديوان بمساعدة خمسة مكلفين بالدراسة والتخليص لحصيلة نشاط الوزارة ومتابعة النشاط القانوني لها بمساعدة أربعة ملحقين بالديوان.

ت. المفتشية العامة: لقد نظمها المرسوم ٢٠٠٠/١٤٦ المؤرخ في ٢٨/٠٦/٢٠٠٠ والذي أحال تنظيمها على المرسوم التنفيذي رقم ٣٧١/٢٠٠٠ المؤرخ في ١٨/١١/٢٠٠٠ المتضمن إحداث المفتشية العامة في وزارة الشؤون الدينية والأوقاف وتنظيمها وتسييرها، وتقوم هذه المفتشية ب:

- القيام بزيارات مراقبة وتفتيش للتأكد من السير الحسن للهيكل والمؤسسات والهيئات التابعة للوصاية.
- الاستثمار الرشيد والأمثل للوسائل والموارد الموضوعة تحت تصرف الهيكل التابعة لوزارة الشؤون الدينية والأوقاف.
- التحقق من تنفيذ القرارات والتوجيهات التي يصدرها إليها وزير الشؤون الدينية والأوقاف أو الهيكل المركزية.
- متابعة مشاريع استغلال الأملاك الوقفية وتفقدتها وإعداد تقارير دورية عن ذلك.
- مديرية الأوقاف والحج: في إطار تنظيم الإدارة المركزية في وزارة الشؤون الدينية والأوقاف، لقد استحدثت المشرع مديرية الأوقاف والحج والتي كانت تسمى فيما مضى بنظارة الأوقاف، وتمثل مهامها فيما يلي:
- وضع البرامج المتعلقة بالبحث عن الأملاك الوقفية وتنميتها وتسييرها واستثمارها.
- القيام بأمانة لجنة الأملاك الوقفية، إلى جانب متابعتها للحج والقيام بأمانة اللجنة الوطنية للحج.

١,٣. التسيير المحلي للأملاك الوقفية في الجزائر: لقد أنشأ المشرع الجزائري على مستوى كل ولاية مديرية تابعة للشؤون الدينية والأوقاف بموجب المرسوم التنفيذي رقم ٩١/٨٣ المؤرخ في ٢٣/٠٣/١٩٩١ المتضمن إنشاء نظارات الشؤون الدينية والأوقاف تسند لها تسيير الأوقاف بموجب المادة ١٠ من المرسوم ٣٨١/٩٨ المؤرخ في ٠١/١٢/١٩٩٨ التي تنص على: تسهر نظارة الشؤون الدينية والأوقاف في الولاية على تسيير الأملاك الوقفية وحمايتها والبحث عنها وجردها وتوثيقها إداريا طبقا للتنظيم المعمول به.

كما تضم هذه المديرية ثلاثة مصالح تتمثل في:

- مصلحة المستخدمين والوسائل والمحاسبة.

- مصلحة التعليم القرآني والتكوين والثقافة الإسلامية.
- مصلحة الإرشاد والشعائر والأوقاف: هذه الأخيرة توكل إليها مهمة مراقبة تسيير الأملاك الوقفية.

كما أحدث المشرع مؤسسة المسجد بموجب المرسوم التنفيذي رقم ۸۲/۹۱ المؤرخ في ۲۳/۰۳/۱۹۹۱ التي نشط في مجال التعليم القرآني وفي سبيل الخير عموما، أما في مجال الأوقاف فإن المؤسسة تقوم ب:

- العناية ببناء المساجد والمدارس القرآنية والمساهمة في تجهيزها وصيانتها.
- الحفاظ على المساجد وحماية أملاكها،
- تنشيط الحركة الوقفية وترشيد استثمار الأوقاف.

وفي الأخير يمكن القول، إذا استوعب جمهور الواقفين البعد الاقتصادي والاجتماعي للوقف فإن مؤسسة الوقف قادرة أن تلعب دور الوسيط المالي بين وحدات العجز المالي ووحدات الفائض المالي وذلك بالاستفادة من التعاملات التي تقوم بها المؤسسات المالية الإسلامية، بل يمكن أن تنافسها في استحداث صيغ أخرى بما يضمن لها إستمراريتها، وحينها سيكون الوقف النامي حقيقة يؤدي دوره التنموي على النحو المرغوب، ويمكن تلخيص هذا من خلال الرسم التالي:

شكل يبين العلاقة بين مؤسسة الوقف مع جمهور الواقفين من جهة ووحدات العجز من جهة أخرى

۲. استغلال الأراضي الوقفية العامة العقارية وطرق تنميتها:

لقد تعرضت الأملاك الوقفية بعد الاستقلال للاستيلاء والتخريب والنهب بقصد وبدون قصد، وهذا ما دفع بمؤسسة الأوقاف والغيورين على دينهم ووطنهم إلى حمايتها واستغلالها وتنميتها لتدر منافع على الموقوف عليهم، وفي هذا الصدد أوجد المشرع الجزائري العديد من الصيغ والأساليب الاستثمارية في مجال النشاط الاقتصادي، ومن أهمها ما تعارف عليه المستثمرون من عقود متنوعة وفقا ما أقره الفقه الإسلامي.

۲.۱. استغلال الأراضي الوقفية العامة الزراعية أو المشجرة: تطبيقا لنص المادة ۲۶ مكررا من القانون رقم ۰۷/۰۱ المعدل للقانون ۱۰/۹۱ فإنه يمكن أن تستغل وتستثمر وتنمى

الأمالك الوقفية إذا كانت زراعية أو مشجرة بأحد العقود التالية:

أ. عقد المزارعة: يشبه عقد المزارعة عقود الشركات ويستهدف التنمية والانتفاع عن طريق الاستنابات وقد نص المشرع الجزائري في المادة ٢٦ مكررا من قانون ٠٧/٠١ على أنه: «يقصد بالمزارعة إعطاء الأرض للمزارع للاستغلال مقابل حصة من المحصول يتفق عليها عند إبرام العقد» (٣٢).

وعلى هذا الأساس يقوم القائمين على الوقف (الناظر أو السلطة المكلفة بالأوقاف) على تقديم أرضا زراعية غير مستغلة لجهة أخرى تقوم باستثمارها عن طريق زراعتها بإنفاق ما يلزم على البذور والمعدات وأجور العمال، على أن يتم اقتسام الناتج بين الهيئة المكلفة بالأوقاف والجهة التي قامت بتمويل الاستثمار الفلاحي بنسبة يتم الاتفاق عليها مسبقا (٣٣).

ب. عقد المساقاة: يسمى هذا العقد مساقاة لأن صاحب الأشجار يستعمل رجلا في نخيل أو كروم ليقوم بسقيها وإصلاحها على أن يكون له سهم معلوم مما تغله، ولقد عرفها المشرع الجزائري في المادة ٢٦ مكررا من قانون ٠٧/٠١ على أن عقد المساقاة هو إعطاء الشجر للاستغلال لمن يصلحه مقابل جزء معين من ثمرة.

وعلى هذا الأساس يقوم الناظر أو السلطة المكلفة بالأوقاف بتقديم أرض فلاحية تكون مغروسة بأشجار مثمرة إلى جهة أخرى تقوم بإستثمارها عن طريق سقيها والاعتناء بها مع اقتسام الناتج من الربح بنسبة معينة يتم الاتفاق عليها (٣٤).

كما تنعقد المساقاة بإيجاب وقبول من قبل طرفي العقد بأهلية ورضى سليم خالي من العيوب، محله أرض زراعية مشجرة موقوفة كالزيتون والتفاح والنخيل والرومان وما أشبه ذلك ويكون العقد لازما بمجرد التعاقد وليس بالشروع في العمل وهي من العقود الموروثة التي لا تنتهي بموت المتعاقدين (٣٥).

ونظرا لكون هذه الطريقة حققت نتائج مرضية، فقد عملت الوزارة على إستغلال الأنواع الأخرى للوقف وإيجارها، ويمكن تلخيص ذلك في الجدول التالي:

جدول یبین الأملاك الوقفية المستغلة بإيجار

نوع الملك القفي	سكنات	حمامات	مرشات	محلات تجارية
حالته (سيئة)	۰۴	۰۱	۰۱	۰۱

۲,۲. استغلال الأراضي الوقفية العامة العاطلة أو البور: يقصد بها تلك الأراضي التي لم تعد صالحة للزراعة والغرس، أي أنها معطلة على الإنتاج، ويحتاج إنمائها أموالاً كبيرة، لذا أوجد المشرع الجزائري أسلوباً لاستغلال وتنمية مثل هذه الأوقاف في شكل عقد الحكر ونص عليها في المادة ۲۶ مكرر ۲ من القانون رقم ۰۷/۰۱ «يمكن أن تستثمر عند الاقتضاء الأرض الموقوفة المعطلة بعقد الحكر الذي يخصص بموجبه جزء من الأرض العاطلة للبناء أو للغرس لمدة معينة مقابل دفع مبلغ يقارب قيمة الأرض الموقوفة وقت إبرام العقد، ومع التزام المستثمر بدفع إيجار سنوي يحدد في العقد مقابل حقه في الانتفاع بالبناء أو الغرس وتوريثه خلال مدة العقد».

فالحكر إذن هو إعطاء الأرض الموقوفة البور لمن يغرستها ويقوم على إعمارها وتنميتها على وجه التأييد مادام فيها بناؤه أو غرسه، ويقدم في المقابل مبلغاً معلوماً للجهة الموقوفة (۳۶) عليها يؤديه كل عام ويكون للمنتفع بعقد الحكر التصرف في المباني أو الأشجار (۳۷).

كما كلل عمل الوزارة في البحث عن الأملاك الوقفية غير مستغلة من أجل إعادة تفعيلها، فاسترجعت الأملاك المبينة في الجدول التالي:

جدول یبین الأملاك الوقفية غير المستغلة (شاغرة)

نوع الملك الوقفي	سكنات	محلات تجارية
حالة جيدة	۰۵	۰۲
حالة متوسطة	۰۹	
حالة سيئة	۰۳	
المجموع	۱۷	۰۲

٣. إستغلال الأراضي الوقفية العامة المبنية أو القابلة للبناء وطرق تنميتها: نقصد بهذا النوع من الأملاك الوقفية ذات الطابع العمراني سواء منها المبنية أو القابلة للبناء والتعمير، بالإضافة إلى بعض الأوقاف المبنية المعرضة للإندثار والخراب، لذا أوجد المشرع الجزائري عدة أساليب لتنميتها.

٣،١. استغلال وتنمية الأراضي الوقفية العامة المبنية أو القابلة للبناء: نظر لعدم وجود مال لدى مؤسسة الأوقاف لتصلح به مثل هذه الأملاك، تمكن المشرع الجزائري من إيجاد أساليب تناولتها المادة ٢٦ مكرر ٥ من القانون رقم ٠٧/٠١ لتنميتها واستغلالها كما يلي:

أ. عقد المرصد: يعتبر عقد المرصد من عقود الإيجار الطويلة التي تقع على الوقف، يخول بمقتضاه لمستأجر الأرض البناء فوقها مقابل استغلال إيرادات البناء وله حق التنازل عنه باتفاق مسبق طيلة مدة استهلاك قيمة الاستثمار، إلا أن البناء المنجز يرجع وفقا يعود للموقوف عليهم بانتهاء المدة المحددة في العقد.

وهذا ما نصت عليه المادة ٢٥ من قانون ٩١/١٠ والمادة ٢٦ مكرر ٥ من قانون ٠٧/٠١ والذي اعتبار عقد المرصد نوعا من الإيجار ذو طبيعة خاصة ومتميزة حيث أن المنتفع هنالك حق استغلال إيرادات البناء الذي أقامه بمال استثماره منه فقط، وذلك مقابل أجره سنوية يدفعها للجهة الموقوف عليها بانتظام.

والمشرع لم يعطي تعريفا لعقد المرصد، حيث نص عليه في المادة ٢٦ مكرر ٥ يمكن أن تستغل وتستثمر وتنمي الأملاك الوقفية بعقد المرصد الذي يسمح بموجبه لمستأجر الأرض بالبناء فوقها مقابل استغلال إيرادات البناء.

نظرا لما للمرصد من خطورة على الوقف باعتباره ديننا عليه، ذهب الفقهاء إلى أن المرصد لا يمكن أن يترتب على الوقف، إلا إذا لم يوجد مال حاصل في غلة الوقف سابقا يمكن تعميمه بها وكذلك عدم وجود من يستأجره بأجرة معجلة يمكن تعميمه بها (٣٨)، فعقد المرصد لا يترتب على الوقف إلا إذا:

— لم يوجد مال حاصل من الوقف: فإذا وجد مال حاصل من الوقف فلا يمكن تأجيله بطريق المرصد ويثبت ذلك من قبل السلطة الوصية بعد الخبرة والمعاناة، بأن هناك

مصلحة للوقف في تأجيله بطريق المرصد(۳۹).

— عدم وجود من يستأجره بأجرة معجلة: وهذا الشرط يعتبر ضروريا حيث أنه إذا وجد من يستأجره بأجرة معجلة تعمربها عين الوقف الخبرة كان ذلك أولى من إجباره بعقد المرصد.

فالمرصد يشترط لترتيبه أن يكون الوقف أرضا قابلة للبناء وذلك بإلزام صاحب الأرض بالبناء فوقها مقابل إستغلال إيرادات البناء، على عكس فقهاء الشريعة الإسلامية فهم يقررون عقد المرصد على العقارات الوقفية بصفة عامة وذلك تحقيقا لمصلحة الوقف.

ب. عقد المقاوله: لقد نص المشرع الجزائري على عقد المقاوله في المادة ۲۶ مكرر ۶ من قانون ۰۱ / ۰۷ وفي المادة ۵۴۹ من القانون المدني على أنه: «هو عقد يتعهد بمقتضاه أحد المتعاقدين أن يضع شيئا أو يؤدي عملا مقابل أجر يتعهد به المتعاقد الآخر ويكون الثمن حاضرا كليا أو مجزئا على أقساط حسب الاتفاق المبرم بينهما، ويجوز للموقوف عليه أو للسلطة القائمة على الوقف أو الناظر التحلل من عقد المقاوله المبرم ووقف التنفيذ في أي وقت قبل إتمام العقد على أن يتم تعويض المقاول عن جميع ما أنفقه من المصاريف وما أنجزه من أعمال وما فاتته من كسب ولحقه من خسارة بمقتضى عقد المقاوله.

كما عملت الوزارة عل استغلال وايجار جميع الأملاك الوقفية الأخرى بما يؤدي إلى تحقيق الدور التنموي المنوطة بها، ويمكن توضيح ذلك من خلال الجدول التالي:

جدول يبين الأملاك الوقفية المستغلة بغير ايجار

نوع الملك الوقفي	سكنات	مرشات	محلات تجارية
حالة جيدة	۲۰	۰۵	۰۸
حالة متوسطة	۷۹	۰۲	
حالة سيئة	۲۹		
المجموع	۱۲۸	۰۷	۰۸

٣,٢. استغلال وتنمية الأراضي الوقفية العامة المعرضة للانذار أو الخراب:

حفاظا على ديمومة الأملاك الوقفية بما يجعلها دائما تؤدي الغرض الذي وضعت من أجله، وهو التصديق بمنفعتها للفقراء والمحتاجين، لقد أقر المشرع الجزائري إمكانية استغلال وتنمية العقارات الوقفية المبنية المعرضة للانذار والخراب بالشكل الذي يجعلها صالحة (٤٠)، وقد نص في المادة ٢٦ مكرر ٥٧ من القانون رقم ٥٧/٥١ أنه يمكن أن تستغل وتستثمر وتسمى العقارات الوقفية المبنية المعرضة للخراب والانذار بعقد الترميم أو التعمير كما يلي:

أ. عقد الترميم: عقد الترميم يقصد به إعادة بناء وتصليح البنايات الموقوفة التي في طريقها للخراب والانذار، وتطبيقا لقواعد التهيئة والتعمير فإن الترميمات الكبرى التي تقع على الواجهات الخاصة بالمحلات والسكنات فإنها بحاجة إلى رخصة صريحة من طرف السلطات المختصة المحلية، وهذا ما أكدته نص المادة ٢٦ مكرر ٥٧ من قانون ٥٧/٥١ على أن عقد الترميم من العقود التي تستغل وتنمي وتستثمر بها الأراضي الوقفية المبنية المعرضة للانذار والخراب وقصد ترميمها، ويدفع المستأجر بموجبه ما يقارب قيمة الترميم مع خصمها من مبلغ الإيجار مستقبلا.

ب. عقد التعمير: لقد نصت المادة ٥١ من القانون ٢٩/٩٥ المعدل والمتمم التي تنص أنه < يمكن لكل شخص طبيعي أو معنوي قبل الشروع في الدراسات أن يطلب شهادة للتعمير وأن تعين حقوقه في البناء والاتفاقات التي تخضع لها الأرض المعينة >> وهذه الأخيرة لا تسلم إلا على الأراضي الغير المبنية.

لا يمنح عقد الترميم والتعمير صاحبه أي حق على ما قام به من ترميم وتعمير، إلا حقا شخصيا، أي حق الدائنية فيمكنه المطالبة بما صرفه في إصلاح الوقف، فإذا فسح العقد يلتزم الناظر بأن يدفع مبلغا مساويا لما زاد في ثمن العقار الموقوف التي قام بإصلاحها (٤١).

كما يجعل عقد الترميم أو التعمير على عاتق المستأجر التزامات يجب الالتزام بها هي:

– الالتزام بدفع قيمة الترميم والتعمير: يلتزم المستأجر بدفع مبلغ يساوي قيمة الترميم أو التعمير أو ما يقاربه وذلك لأجل إصلاح العين الموقوفة التي يشترط فيها أن تكون

خربا أو في طريق الاندثار وتعين قيمته حسب طبيعة عقار الوقف ودرجة تخربه واندثاره(۴۲)، وتحدد هذه القيمة بالتراضي بعد استطلاع رأي خبير عقاري ويلتزم المستأجر بدفع ذلك المبلغ إلى الناظر الذي يقوم بإصلاح الوقف العام من ذلك المبلغ.

– التزام المستأجر بدفع الأجرة: وهو التزام منطقي باعتبار العقد، عقد إيجار فيلزم بدفع مبلغ الإيجار ويكون إيجارا شهريا كما في الحكر، على أن يخصم منه قيمة الترميم والتعمير الذي قدمه المستأجر أي أن يقبض قيمة ما قدمه مقدما، كما أن الأجرة تكون في هذا النوع من العقود ثابتة لا تتغير عكس الحكر. و ينتهي عقد الترميم والتعمير بانتهاء مدة استهلاك الإصلاح وقد ينتهي بتسديد الدين الذي على الوقف العام من قبل الناظر(۴۳).

وفي الختام فمن الضروري جدا أن ينظر للأوقاف النامية على أنها حركة مستمرة لتجميع الأموال ثم تحويلها إلى استثمارات تدر عوائد مجزية تحقق ثلاثة أغراض:

– تراكم رأسمالي مع المحافظة على الأصل عبر آلية الاحتياطي والأرباح المحتجزة وبمعرفة الواقفين.

– مكافأة الناظر على إدارة هذه الأوقاف بصفته هيئة متخصصة في إدارة الأموال واستثمارها بما يتفق وأحكام الشريعة الإسلامية.

– توزيع جزء من الربح على جهات الخير الذرية أو الخيرية بما يتفق ورغبة الواقفين، وترسيخا لدور الوقف في إعادة توزيع الثروة وتحقيق العدالة الاجتماعية، ويمكن توضيح ذلك من خلال الشكل التالي:

رسم يمثل تدفقات الأموال الوقفية

الخاتمة

لقد كان الوقف وما يزال من أهم النظم الأولى في الشريعة الإسلامية، فقد ساهم بجلاء في تحقيق التنمية الاقتصادية والاجتماعية، وشكّل من خلال خصائصه، ومرونة أحكامه حقلًا خصبا للإبداع الإنساني في مجال توفير المنافع والخدمات والأعمال الخيرية، بل كان ممولا هاما للحضارة الإسلامية ومقوم من مقوماتها، إلا أن هذا الدور

تراجع بشكل كبير نتيجة للممارسات الخاطئة على الأوقاف من قبل العاملين على الوقف أو من الذين استغلوه لمصالحهم الشخصية فأدى به إلى ضعف التراكم الرأسمالي الوقفي، مما يستدعي إلى ضرورة الاهتمام به لإعادة دوره الاجتماعي والاقتصادي ليحقق ما هو مطلوب منه، لذا لقد توصلنا من خلال هذه الدراسة إلى النتائج التالية:

١. إبراز أهمية الوقف في الحياة الدينية والاجتماعية والاقتصادية، بتبيان المعالم الوقفية التي كانت موجودة في الجزائر لمحاولة بعثها من جديد، من خلال التفكير في تطويره واستغلال ثرواته وثمارها، وإشراكه في عملية التنمية الشاملة وإدخاله الدائرة الاقتصادية حتى لا تبقى أعيانه وممتلكاته عرضة للإهلاك.

٢. إبراز جملة من الآليات التمويلية والعقود والأساليب الاستثمارية التي يستمد معظمها من الشريعة الإسلامية، باعتبارها روح العمل الوقفي ومصدره المادي، وقد لوحظ أن معظم تلك الصيغ والأساليب لم تعط نتائج إيجابية لعدم إمكان تطبيقها على أرض الواقع بسبب عدم توفر منظومة مالية، وبنكية تشجع الاستثمار والتمويل في هذا المجال.

٣. صارت الدولة اليوم عاجزة عن تغطية جميع القطاعات وتلبية كل الحاجيات التي يحتاج إليها أفراد المجتمع، كما أن القطاع الخاص لم يعد مستعداً للمشاركة في المجالات الخدمية التي لا تعود عليه بالربح بسبب نقص المبادرات الخاصة، لذا من واجب الدولة استغلال واستثمار الأملاك الوقفية لإمكانية تخفيف بعض الأعباء عن ميزانيتها المالية، لأن الوقف يعمل على تغطية بعض الأنشطة والقطاعات الخدمية كالتعليم الأساسي والجامعي والتكوين وقطاع الصحة.

كما نحاول من خلال هذه الدراسة تقديم التوصيات التالية:

١. إيجاد منظومة قوانين وتشريعات فاعلة لتسيير وحماية الأملاك الوقفية، وذلك من خلال إعداد دورات تكوينية مستمرة لوكلاء الأوقاف لتعريفهم بمستجدات موضوع الوقف في جانبه الإداري والقانوني والتسييري، وذلك بالاستعانة بأساتذة مختصين، وكذا تهيئة الظروف المناسبة أمام الأساتذة المتخصصين لإجراء دراسات وأبحاث

مثمرة في موضوع الوقف وأهميته الاجتماعية والاقتصادية.

۲. إشاعة ثقافة وقفية متميزة من خلال تفعيل دور وسائل الإعلام لاستقطاب أوقاف جديدة.

۳. إيجاد أساليب حديثة لاستثمار الوقف واستغلاله في حل مشكلة الفقر.

۴. وجوب توفر الإرادة السياسية المدركة لأهمية الوقف، وإقامة دورات تكوينية لوكلاء الأوقاف لتعريفهم بمستجدات موضوع الأوقاف من جانبها الإداري والقانوني والتسييري، وذلك بالاستعانة بأساتذة متخصصين في هذا الموضوع.

۵. عند وضع الدولة أي خطة للنهوض بالأوقاف الإسلامية، يجب أن تناسب تنمية الأملاك والممتلكات الوقفية القائمة، والتشجيع على قيام أوقاف جديدة من أجل استئناف عملية التراكمات الوقفية.

بعد عرضنا للأملاك الوقفية في الجزائر ولأهم الأجهزة التسييرية في وزارة الشؤون الدينية والأوقاف والتي سعى المشرع جاهدا من خلال إحداثها إلى تفعيلها وضبط تسييرها، إلا أن تلك الجهود التي بذلها المشرع الجزائري لم توفق إلى حد ما بسبب صعوبة الحصر الشامل للأوقاف وتسجيلها، وكذا بسبب العديد من التجاوزات التي تتعرض لها الأوقاف من نهب وتخريب مما يستدعي الاهتمام أكثر بالممتلكات الوقفية في الجزائر.

الهوامش

۱. ابن منظور- أبو الفضل جمال الدين محمد أبو المكارم-: لسان العرب، دار المعارف، مصر، القاهرة، ۱۹۸۹، ص: ۳۶۰

۲. اختلف الفقهاء في حق التصرف في الوقف، واسترجاعه، ومدة الوقف.

۳. وهبة الزحيلي: الفقه الإسلامي وأدلته، دار الفكر، الجزائر، الطبعة الأولى، الجزء

الثامن، ۱۹۹۱، ص: ۱۵۳

۴. وهبة الزحيلي: مرجع سبق ذكره، ص: ۱۵۵

۵. نفس المرجع، ص: ۱۵۶

۶. مثل المملوك بأجرة: أن يستأجر دارا مملوكة أو أرضا مدة معلومة، ثم يقف منفعتها

لمستحق أخر غیره في تلك المدة، وبه يكون المراد من المملوك إما ملك الذات أو ملك المنفعة، فالوقف عند المالكية لا يقطع حق الملكية في العين الموقوفة، وإنما يقطع حق التصرف فيها.

٧. محمد البشير الهاشمي مغلي، التكوين الاقتصادي لنظام الوقف الجزائري ودوره المقاوم للاحتلال الفرنسي، مجلة المصادر، العدد السادس، مارس ٢٠٠٢، المركز الوطني للدراسات والبحث من الحركة الوطنية وثورة نوفمبر ١٩٥٤، الجزائر، ص ١٦١.

٨. لقد تبنى العديد من الجزائريين المذهب الحنفي في العهد العثماني وهذا راجع لمرونته، حيث يميز حل الأحباس إذا دعت الحاجة أو المصلحة العامة إلى ذلك، خلافا للمذهب المالكي الذي لا يميز فسخ الوقف حتى ولو صدر من الحاكم نفسه.

٩. تمثل مؤسسة الحرمين الشريفين ثلاثة أرباع (¾) الأوقاف العامة.

بلغ صندوق الأوقاف سنة ١٨٣٠ بعد طرح النفقات ٧١٧٠٣٠٥ فرنكا.

١١. حيث توجه الأوقاف تارة عن طريق البر مع قافلة الحجاج وتارة بحرا إلى الوكالة الجزائرية بالإسكندرية في سفن إسلامية أو نصرانية، ومنها إلى الحرمين الشريفين، أنظر: محمد البشير الهاشمي مغلي: التكوين الاقتصادي لنظام الوقف الجزائري ودوره المقاومة للاحتلال الفرنسي، مرجع سبق ذكره، ص: ١٦٣

١٢. هذا ما تثبته بعض التقارير الفرنسية التي تعود إلى السنوات الأولى للاحتلال، حيث تؤكد بأن أوقاف مؤسسة الحرمين كانت تستحوذ على الشطر الأكبر من الأوقاف، فمن هذه التقارير ما أورده «Genty de bussy» من أن أوقاف الحرمين كانت تقدر بـ ١٤١٩ ملكية منها ٧٠ ضيعة يشرف عليها مباشرة وكلاء الحرمين. أما قنصل فرنسا Valiard فقد ذكر أن كل بيوت الجزائر وما يحيط بها من أراضي فتعود لأحباس الحرمين. حيث توجه الأوقاف تارة عن طريق البر مع قافلة الحجاج وتارة بحرا إلى الوكالة الجزائرية بالإسكندرية في سفن إسلامية أو نصرانية، ومنها إلى الحرمين الشريفين، أنظر: ناصر الدين سعيدوني:

دراسات في الملكية العقارية، المؤسسة الوطنية للكتاب، الجزائر، ١٩٨٦، ص: ٨٤

١٣. هذا ما أكد التقرير الذي قدمه Aubignose إلى Debourmont قائد الحملة الفرنسية على الجزائر سنة ٢٥ أوت ١٨٣٠.

۱۴. لقد تم إحصاء ۹۲ خانوتا يعود لمؤسسة سبل الخيرات، ثمانية منها كانت مستغلة من قبل اليهود، وهذه إشارة لسماحة الإسلام وعدالته بين مواطنيه، وغلتها السنوية الاجمالية قدرت بنحو ۴۴۵۵ ريالاً، يضاف إلى ذلك أنه كان لمؤسسة سبل الخيرات أربع مخازن ملحقة بالفنادق غلتها السنوية ۱۵۶ ريال إضافة إلى حمامين غلتها السنوية ۱۶۵ ريال.

۱۵. محمد البشير الهاشمي مغلي: مرجع سبق ذكره، ص: ۱۶۴

۱۶. تزخر الجزائر ببيوت الله، حيث بلغت عدد المساجد في مدينة الجزائر وحدها فقط في أواخر العهد العثماني ۱۰۶ مسجداً.

۱۷. ناصر الدين سعيدوني: دراسات في الملكية العقارية، المؤسسة الوطنية للكتاب، الجزائر، ۱۹۸۶، ص: ۱۵۰

۱۸. نفس المرجع، ص: ۹۰

۱۹. اعتبر عبدالرحمان بن خلدون بيت المال إحدى أركان الملك المتمثلة في الجند والمال والمخاطبة (الإعلام).

۲۰. ناصر الدين سعيدوني مرجع سبق ذكره، ص: ۹۵

۲۱. الأشراف هي الفئة التي تنسب نسبها إلى آل البيت، كما يرأس جماعة الأشراف شخص يعرف بنقيب الأشراف الذي يساهم في إدارة السلطة السياسية، كما أن مبايعة الباشا لا تتم إلا بحضوره إلى جانب العلماء.

۲۲. مصطفى أحمد بن حموش، الوقف وتنمية المدن من التراث إلى التحديث، ندوة الوقف الإسلامي، ۶-۷ ديسمبر ۱۹۹۷، جامعة الإمارات العربية المتحدة، العين، ص: ۶

۲۳. ناصر الدين سعيدوني: مرجع سبق ذكره، ص: ۱۰۰

۲۴. محمد البشير الهاشمي مغلي: مرجع سبق ذكره، ص: ۱۶۶

۲۵. ناصر الدين سعيدوني: مرجع سبق ذكره، ص: ۱۶۷

۲۶. نفس المرجع، ص: ۱۶۸

۲۷. رغم الإجراءات التي قامت بها الإدارة الفرنسية من أجل القضاء على الوقف ومؤسساته

إلا أن الأملاك الوقفية بقيت متواجدة، وكانت تتوزع على أوقاف حبست على المدارس والزوايا والمساجد والكتاتيب بالإضافة إلى الأوقاف الأهلية.

٢٨. محجوبي ميسوم: نظام الأملاك الوقفية في الجزائر، دراسة مقارنة بين الشريعة والقانون، مذكرة الدراسات العليا في المالية، المعهد الوطني للمالية، الجزائر، ١٩٩٣، ص: ٧٦

٢٩. تعتبر هذه الإدارة جزء من وزارة الشؤون الدينية والأوقاف، فهي مدمجة مع مديرية الحج، حيث أن تسمية الإدارة الأصلي هو مديرية الأوقاف والحج.

٣٠. أنظر المادة ٣، ١ من المرسوم التنفيذي رقم ١٤٦/٢٠٠٠ المؤرخ في ٢٨ جويلية ٢٠٠٠ المتضمن تنظيم الإدارة المركزية في وزارة الشؤون الدينية والأوقاف

٣١. لكي يتم اختيار نظار الأوقاف بصفة موضوعية، يتم ذلك عن طريق إجراء مسابقات وامتحانات للالتحاق بالأسلاك الخاصة بقطاع الشؤون الدينية والأوقاف وكذا إجراء فترات للتكوين والتربص.

٣٢. هذا تعريف مطابق لتعريف المذهب الحنفي لأنه اعتبر المزارعة عقد على الزرع ببعض الخارج.

٣٣. يحتوي عقد المزارعة على شروطا بينها المادة ٢٦ مكرر من قانون الأوقاف والمتمثلة في: تحديد طرفين العقد، تحديد الأرض الموقوفة، تحديد مدة العقد، تحديد الأجرة أو الحصة في عقد المزارعة، انتهاء عقد المزارعة.

٣٤. يجب احترام الشروط العامة عند إبرام عقد المساقاة والمتمثلة في: أن يكون الشجر معلوما عند إبرام العقد، أن يكون نصيب العامل في الشجر معلوما بالنصاب، لا بد أن يبذل العامل عناية الرجل العادي في أرضه، المدة محددة في عقد المساقاة.

٣٥. نصر سلمان وسعاد سطحي: فقه المعاملات المالية وأدلته عند المالكية، المطبعة العربية، غرداية، الجزائر، سنة ٢٠٠٢، ص ٢١٧

٣٦. لا يمكن أن تبقى أجرة التحكير رهينة الاتفاق الأول، لأنها تخضع للظروف الاقتصادية المحيطة بها (كالتضخم مثلا) وهو ما يسمى في الشريعة الإسلامية بتصقيع الحكر، مع ذلك لم ينص المشرع الجزائري على تجديد أجرة الحكر لكن وبالرجوع إلى أحكام

- الشريعة الإسلامية حسب نص المادة ٥٢ من قانون الوقف العام فإن الأجرة تصقع وتخضع للتغيرات المحتملة سواء كانت اقتصادية أو اجتماعية أو غير ذلك.
٣٧. ويجب احترام الشروط التالية عند إبرام هذا العقد والمتمثلة في: المدة في عقد الحكر، الأجرة في عقد الحكر، حصول التراضي.
٣٨. زهدي يكن: أحكام الوقف، دار النهضة العربية للطباعة والنشر الطبعة الأولى سنة ١٣٨٨ هـ، ص: ١٥٨
٣٩. نفس المرجع، ص ١٧٩
٤٠. رامول خالد: الإطار القانوني والتنظيمي للأموال الوقفية، دار هومة، الجزائر، سنة ٢٥٥٤، ص ١٤٥.
٤١. عبد الرزاق أحمد السنهوري: عقد الإيجار والعارية، المجلد الثاني الجزء السادس، منشورات الحلبي الحقوقية بيروت - لبنان، سنة ٢٥٥٥، ص: ٢١
٤٢. ولن يكون هذا إلا بواسطة خبير عقاري يثبت حالة الأرض.
٤٣. وينته وفقاً لانتهااء عقود الإيجار العامة والخاصة

